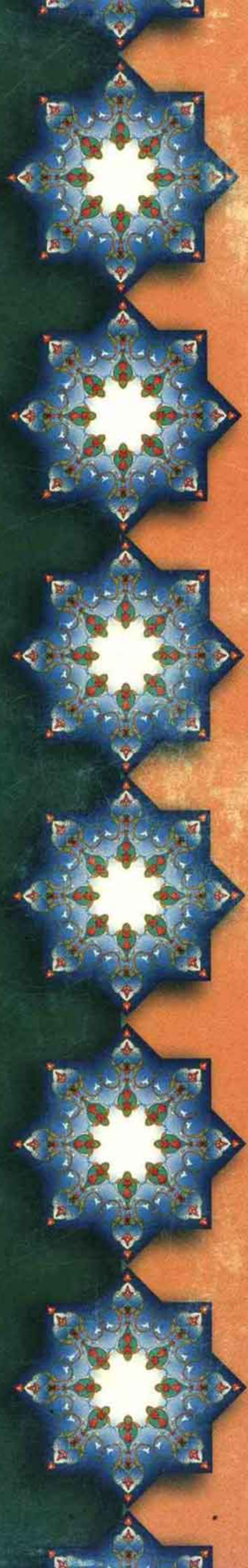


نہدی موعود

بخیرہ الہی

سید علی شفیع



مهدي موعود

ذخيرة الهی

سید علی شفیعی

شفیعی، علی. ۱۳۱۹ -
مهدی موعود ذخیره الهی / علی شفیع. - اهواز:
خوزستان. ۱۳۸۲.
۱۶۰ ص.

ISBN 964-6511-30-9 ۷۰۰۰ ریال

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه به صورت زیر نویس.

۱. مهدویت -- انتظار. ۲. محمد بن حسن (عج).
امام دوازدهم. ۲۵۵ ق. -- غیبت. الف. عنوان.

۲۹۷/۴۶۲
۱۱۷۰۱ - ۸۲ م

۹ م ۷۳ ش ۴/۴/۲۲۴
کتابخانه ملی ایران

- نام کتاب ← مهدی موعود ذخیره الهی
- مؤلف ← آیه الله سید علی شفیع
- ناشر ← انتشارات خوزستان
- حروفچینی و صفحه آرائی ← وحید / اهواز ۵۵۲۴۱۵۸
- لیتوگرافی، چاپ و صحافی ← الهادی / قم ۳-۶۶۵۱۱۲۱
- تیراژ ← ۲۰۰۰ نسخه
- نوبت چاپ / تاریخ چاپ ← اول / ۱۳۸۲ ه. ش - ۱۴۲۴ ه. ق
- قطع / تعداد صفحات ← رقعی / ۱۶۰ صفحه

«تقدیم کتاب»

به محضر رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیه الله العظمی
خامنه‌ای مد ظله العالی که فقیه مبسوط الید و نایب عام امام
غائب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

«اهداء ثواب»

به روح مطهر پدر بزرگوارم آیه الله سید محمد رضا شفیعی قدس سره
که همیشه مترنم به ذکر صاحب الزمان علیہ السلام و بیان و بنانش در
شعر و نثر و محراب و منیر مزین به یاد و نام آن حجت الهی بود.

مؤلف

بِسْمِ اللَّهِ وَلَهُ الْحَمْدُ

پیشگفتار :

مباحث گوناگونی که در مجموعه حاضر پیرامون موعود ادیان و مصلح آخر الزمان . امام مهدی حضرت بقیه الله الاعظم الحجة بن الحسن العسكري عجل الله تعالی فرجه الشریف ، به نظر خوانندگان محترم و ارادتمندان ساحت قدس مهدوی علیه السلام می رسد نوشتارها و گفتارهایی است که به بنان و بیان اینجانب در فصلنامه ها و سالنامه های کشور درج و نشر گردیده و یا در مجالس و منابر مربوطه ایراد و ارائه شده است . البته مجموع مقال ها و مقاله های اینجانب چند برابر تعدادی است که در این مجموعه گرد آمده لکن چون علاقمند بودم که در میان تألیفات و آثار من کتاب جداگانه ای هم درباره حضرت صاحب الامر (عج) وجود داشته باشد که از این راه نیز خدمتی و عرض ارادتی به ساحت قدس آن سرور دنیا و آخرت نموده باشم لذا به تدوین موارد مذکور ، که آماده تر از دیگر گفتارها و نوشتارهای حقیر بود به عنوان یک مجموعه مستقل اکتفاء نمودم .

چنانکه مراجعین گرامی ملاحظه می فرمایند ترتیب ورود این مقالات در نشریه حاضر با ترتیب صدور زمانی آنها در مجلات و نشریات

متفاوت است زیرا در این جا تا حدودی ترتیب طبیعی و رعایت تقدم و تأخر موضوعی مسائل مربوط به امام زمان علیه السلام را رعایت نموده‌ام .
 امیدوارم آن جان جانان گوشه چشمی به خادمان خود افکنده و آنان را به رؤیت ، زیارت و شفاعتی سرافراز و مفتخر فرماید . اللهم أرنا الطلعة الرشيدة والغرة الحميدة .

سید علی شفیعی - اهواز

فروردین ۱۳۸۲

مهدی موعود ذخیره الهی^۱

عقیده به مهدی موعود بعنوان مصلح جهانی و ذخیره الهی جهت آخر الزمان یکی از اعتقادات قطعی و مبرهن مذهب شیعه امامیه است. لکن در دیگر مذاهب تشیع نیز چون (کیسانیه، اسماعیلیه، واقفیه) و دیگر فرقه های شیعی چه آنها که منقرض گردیده و چه آنچه از آنان که در گوشه و کنار کشورها تا کنون پیروانی دارند نیز اعتقاد به مصلح آخر الزمان جزء عقاید مسلم و مورد اتفاق آنان است هر چند در تعیین مصداق آن به اختلاف سخن گفته و به ترتیب محمد حنفیه، اسماعیل فرزند حضرت صادق علیه السلام، امام هفتم موسی بن جعفر علیه السلام و غیرهم را معرفی نموده اند. چنانکه در دیگر مذاهب اسلامی غیر شیعی نیز (اهل سنت و جماعت) اعتقاد به مهدی آخر الزمان (عج) به وضوح مشاهده می گردد گرچه در خصوصیات مربوطه دارای دگرگونی عقیدتی هستند و برخی گویند وی ولادت یافته و از دنیا رفته و سپس در آخر الزمان ولادت دوباره می یابد. و بعضی می پندارند او هنوز متولد نگردیده و در وقت مقرر و

(۱) این نوشتار در سالنامه شمس ولایت ۱۴۲۱ ق / ۱۳۷۹ ش ستاد بزرگداشت نیمه شعبان

مسجد آیه الله انگجی تبریز - ص ۲۳ الی ۲۸ درج و نشر گردیده است.

مقدر متولد می شود و برخی نیز همچون دانشمند معروف محمد بن یوسف گنجی شافعی در کتاب ارزنده خود بنام «البيان في اخبار صاحب الزمان» به استناد اسناد و احادیث مربوط به اهل سنت و جماعت اثبات می کند که مهدی موعود ولادت یافته و نمرده بلکه زنده است و غایب و نمی میرد تا ظهور یابد و قیام نماید و جهان را از عدل و داد سرشار کند - دقیقاً آن چنان که شیعه امامیه معتقدند - خلاصه آنکه نقطه متفق علیه میان تمام عالمان و فرقه های اهل سنت و جماعت آن است که مهدی موعود یکی از فرزندان علی بن ابیطالب و فاطمه زهراء علیها السلام است^۱.

افزون بر این، پیروان ادیان دیگر هم به اصل مسئله یاد شده معتقد بوده و آن را کاملاً پذیرفته اند. گرچه آنان نیز هر کدام فرد مورد نظر خود را مصداق مصلح جهانی معرفی نموده اند (بودائیان بودا را و یهود عزیر را، مسیحیان حضرت عیسی مسیح را و زرتشتیان زردشت را) نام برده اند.

مصلح جهانی موعود همه ادیان :

بلکه تمامی ملل و نحل گیتی اعم از آسمانی و غیر آسمانی در اعتقاد و انتظار ظهور یک مصلح بزرگ و جهانی که در آخر الزمان با قدرت و توان لازم حکومت واحد گسترده تشکیل دهد و همه امت ها و ملت ها

(۱) مدارک و مصادر اعلام مذهب سنت و جماعت به اندازه ای فراوان است که مجال جهت

فهرست نام آنان نیز نیست. مراجعه شود به کتاب ۱۶۰ صفحه ای (دانشمندان عامه و

مهدی موعود) تألیف دانشمند و نویسنده معاصر شیخ علی دوانی.

را زیر یک پرچم گرد آورد و همگان را در مسیر عدل و حق قرار داده و به تمام انحرافات و کژیها خاتمه دهد، بسر می‌برند و اختلاف در خصوصیات آنان را از اعتقاد و ایمان به اصل مسئله باز نداشته است که به تعدادی از کتاب‌های مهم ادیان و صاحبان آنها که به صراحت و یا تلویح و اشاره به این عقیده مقدس توجه داده‌اند اشاره خواهد شد.^۱

(۱) تعدادی از آنچه در مطالعه‌ها و مراجعه‌ها به نظر اینجانب رسیده است :

- ۱- کتاب عهد قدیم (تورات)، ۲- کتاب ارمیای تورات، باب ۱۲ و ۲۳، ۳- کتاب اشعیا،
- ۴- زبور داود چاپ لندن، ۵- انجیل متی، ۶- انجیل مرقس، با معرفی مصلح آخر الزمانی به نامی مرادف کلمه (مهمید) = عیسی مسیح، ۷- مکاشفات یوحنا، ۸- کتاب (بسند) منسوب به عیسویان با تصریح به اینکه این مصلح مورد انتظار از فرزندان پیامبر آخر الزمان علیه السلام است، ۹- سفر رویا از حضرت دانیال، ۱۰- کتاب منسوب به (تاشک) از بزرگان برهمنی هند، ۱۱- کتاب (ویشنو) از کتب مقدس هندیان، ۱۲- کتاب دینی بودائیان؛ که موعود ادیان را بودا میدانند، ۱۳- کتب پنجگانه مقدس چینیان، ۱۴- کتاب دینی برهمنی که این مصلح را (کرشنه) نامیده است، ۱۵- کتاب یهودای اسخر یوطی (از حورابین حضرت عیسی که با همدستی با کاهنان یهود علیه حضرت مسیح تبانی و توطئه کرد لکن خود گرفتار و اعدام گردید) وی نام این مصلح بزرگ را (اردقیل) و گاهی (ماشع) میدانند، ۱۶- کتاب منسوب به شاهکوس (شاکموین) که به عقیده برخی از هندیان، وی پیامبر و صاحب کتاب بوده است وی این مصلح عظیم الشان را فرزند (کشن) معرفی نموده و مترجم کتاب گوید: کشن نام پیغمبر مسلمانان است، ۱۷- صاحب کتاب (پاتگل) از بزرگان هند، در ترجمه این کتاب مصلح جهانی را بنام «راهنما» یاد کرده است، ۱۸- جاماسب‌نامه (از جاماسب حکیم) که گویند: در اثر وجود پاره‌ای اسرار و مطالب خطیر در این کتاب آن را پنهان کرده و یا نابود نموده‌اند.

می‌نگریم حتی فیلسوفان و دانشمندانی که منکر مبادی توحیدی و الهی بوده و یا دست کم چندان عقیده‌ای به مبدأ و معاد نداشته‌اند نیز پذیرای مسئله حکومت جهانی واحد بوده و از آن دم زده‌اند. ریاضی‌دان شهیر « برتراند راسل » در کتاب « آیا جهان آینده‌ای دارد؟ » حکومت جهانی واحد را مطرح کرده‌اند. نهایتاً افزایش پرچم عدل و داد و گسترش صلح و صفا و خلع سلاح عمومی را که ویژگی‌های اساسی این حکومت مقتدرانه و عادلانه است در صلاحیت سازمان ملل متحد میدانند که چنانچه به مبانی و مبادی اسلامی اعتقاد کامل و یا اطلاع کافی می‌داشت بیگمان مرکز این حکومت عدل و حق را در جای دیگر جستجو می‌کرد و معرفی می‌نمود. وی که راه حلّ تمامی اغتشاشات و مشکلات موجود را تشکیل یک حکومت عادل و واحد جهانی میدانند در کتاب امیدهای نو (ترجمه فارسی از سید علی شایگان) گوید: ... دولت مرکزی جهانی باید کلیه سلاح‌های عظیم جنگ را منحصر به فرد کند و نیروی مسلح لازم را برای به کار بردن آن سلاح‌ها فراهم نماید تا از اعمال زور دولت‌ها نسبت به یکدیگر جلوگیری نماید.

و نیز پروفیسور « آرنولد توین بی » فیلسوف و مورخ معروف انگلیسی طی نطق خود در کنفرانس صلح نیویورک چنین گفت: تنها راه حفظ صلح و نجات نسل بشر تشکیل یک حکومت جهانی و جلوگیری از گسترش سلاح‌های اتمی است.

آیا آنچه را این دو دانشمند شهیر پیش‌بینی می‌کنند و یا آرزو می‌نمایند جز با قدرت مطلقه حضرت صاحب الامر علیه السلام و سیطره

قاهره‌ای که خداوند متعال در اختیار امام معصوم علیه السلام گذارده و می‌گذارد (بدانسان که در اعتقادات اسلامی و آیات و روایات فراوان مذهبی آمده) امکان پذیر است؟ و آیا قرن‌ها قبل از این آنچه را دانشمندان، حکما و فلاسفه بزرگ جهان همچون افلاطون در کتاب جمهوریت و فارابی در (آراء اهل المدینه الفاضله) و دیگران در دیگر آثار جاودانه خود آورده‌اند تصویر و ترسیمی از دورنمای ظهور دولت حقّه مهدی موعود و عدالت گسترده جهانی وی نیست؟

حکومت جهانی واحد و قواعد زیربنائی هستی :

اعتقاد به حکومت واحد جهانی فراتر از آنچه گفته شد ریشه عقلانی و فلسفی نیز دارد و چه بسا همین منشأ عقلی و حکمی باشد که تجلیات خود را در عقاید و آرمان‌های خردمندان و اندیشمندان و مکتب‌ها و ملتهای قدیم و جدید به نمایش گذارده است. قاعده فلسفی می‌گوید: کل شیء اذا جاوز حدّه العکس ضده. (هر شیء محدودی اگر در معرض این باشد که از حد خود فراتر رود تبدیل به ضد آن چیز خواهد گردید).

در مورد بحث ما بهترین مثال «ظلم» است که به طبیعت حال موضوعی محدود به حد امکانی است لذا چنانچه در اثر فشار عوامل و عللی ظلم چنان زیاد شود که مشرف به خروج از حد خود شود - که این محال و خلاف فرض است - بناچار تبدیل به ضد خود می‌گردد. ضد

ظلم همان (عدل) است . کاسه ظلم چون لبریز شود تبدیل به عدل می شود .

شاید در اشعار بزرگان علم و ادب اشاره به این حقیقت عقلی و عینی باشد که از آن جمله :

لطف حق با تو مداراها کند چونکه از حد بگذرد رسوا کند
و نیز :

طرب افسرده کند چونکه ز حد درگذرد

آب حیوان بکشد نیز چو از سرگذرد

و گرنه چگونه الطاف الهی موجب دو خاصیت متضاد (مدارا و رسوا کردن) باشد و یا عامل طرب مبدل به عامل افسردگی شده و آب موجب حیات ، موجب مرگ شود ؟ جز بر اساس همین اصل فلسفی که در خود اینگونه اشعار نیز مورد اشاره بلکه صراحت قرار گرفته است .
و محتمل است که در روایات معروف و مربوط به حضرت صاحب الامر (عج) که پیامبر اکرم و ائمه اطهار علیهم السلام فرموده اند : « یملأ الأرض قسطاً و عدلاً بعدما (یا کما) ملئت ظلماً و جوراً » اشاره ای به قاعده علمی و فلسفی یاد شده نیز باشد زیرا در اینگونه قواعد و عناوین معمولاً نظری و اشعاری به جزئیات و خصوصیات و لوازم و ملزومات و علل و موجبات مطرح نمی شود و معمولاً اینگونه مسایل را باید از طریق شرع ، عرف ، سیره عقلاء و غیره بدست آورد .

مقصود ما از این مباحث آن است که اصل عقیده به انتظار وجود ،

غیبت ، ظهور و دولت حقّه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

مسئله‌ای است که اختصاص به مذهب شیعه نداشته بلکه در مذاهب و ادیان دیگر نیز موجود است و در کلیه امت‌ها و ملت‌ها مطرح است بلکه اعتقادی است که ریشه در مسایل اجتماعی، عقلی و فطری دارد و داشتن چنین عقیده‌ای نه تنها مابینت با حقایق روبنایی و زیربنایی بشری و عقلانی ندارد بلکه نشأت گرفته از آنهاست و تجلی این حقایق در خصوصیات و تجلیات گوناگون و در مظاهر و نمودارهای معرفی شده از سوی شرع (کتاب و سنت) هیچ تضادی با حقایق هستی ندارد.

انتظار، عامل مقاومت و بقاء:

پروفسور «هانری کربن» «اسلام‌شناس معروف فرانسوی» در عصر اخیر که در (دوران پیش از انقلاب اسلامی) چندین سال به ایران مسافرت می‌کرد و در محضر مرحوم آیه‌الله فی العالمین علامه طباطبائی در تهران حضور می‌یافت و از خرمن فیض آن رجل الهی بهره می‌برد و مشکلات علمی خود را در دریای علوم آن علامه عالیقدر حل می‌نمود، در یکی از دیدارهای خود به محضر حضرت استاد عرضه داشت:

از میان تمام ادیان دین اسلام است که دارای حقیقت است و از میان مذاهب گوناگون اسلامی نیز تنها مذهب تشیع مذهب حق است که ثابت و استوار بوده و پایدار خواهد ماند زیرا این مذهب دارای پشتوانه بزرگی بنام «انتظار» می‌باشد که بزرگترین و قوی‌ترین ضامن حفظ و بقاء مذهب شیعه است. انتظار امام زمان که می‌آید و جهان را از جور و ستم

تهی می‌کند و از عدل و داد سرشار می‌سازد شیعیان را از فرسودگی، خستگی‌پذیری، نومیدی و زوال محفوظ میدارد و با دمیدن روح امید (انتظار فرج) شیعه همیشه ثابت و استوار خواهد ماند^۱.

آری، به همین دلیل است که در روایات اسلامی ما انتظار فرج بعنوان «افضل الاعمال» معرفی گردیده چه آنکه تمام توان مذهبی و تقویت روحی و تداوم و استمرار بر اعمال دینی و شرعی و مقاومت در برابر ظلم ظالمان و جور جائران در گرو انتظار فرج و امیدواری به ظهور دولت حقه است.

مطالعه هر چند به اجمال در تاریخ مذهب شیعه دوازده امامی شاهد صدق این مدعا است.

از زمان حیات شخص خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله که بذر مذهب تشیع علوی به دست و زبان مبارک حضرت پاشیده و کاشته شد، توطئه‌ها و دسیسه‌ها علیه مذهب حق آغاز گردید، امامان شیعه را محکوم به شکنجه، زندان، قتل و اعدام ساختند. احادیث فراوان علیه علی علیه السلام و شیعیان او جعل کردند. تهمت‌ها و افتراها وارد آوردند. شیعیان را در تنگناها و محاصره‌ها قرار دادند. انواع اقدامات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی علیه آنان به اجراء درآوردند. آنان را از هرگونه حقوق انسانی و شرعی محروم ساختند. هزاران گونه شایعات و تبلیغات در حق آنان روا

(۱) سالنامه مکتب تشیع، شماره مخصوص به مصاحبه‌ای هانری کربن با علامه طباطبائی (با توضیح و نقل به معنی).

داشتند. امام زادگان را به انزوا، اختفاء، تبعید، نفی بلد، و کشتار فردی و جمعی، دفن در چاه‌ها و دیوارها و ستون‌ها، متواری کردن در صحراها، و بیغوله‌ها و سنگلاخ‌ها و... و... محکوم ساختند. اموال آنان و شیعیان را مصادره و یا غارت نمودند. آنچه از دست دشمنان برمی‌آمد (و برمی‌آید) انجام دادند و آنچه انجام ندادند از دست آنان برنیامد. با این حال مذهب حق تضعیف نگردید تا چه رسد به اینکه متلاشی شود. تشیع چون کوه استوار و راست قامت بجای مانده و خواهد ماند. و اکنون هم تشیع بر تارک تاریخ ادیان و مذاهب می‌درخشد. و بزرگترین عزت و عظمت را در پهنه سیاست جهانی (بخصوص برکت انقلاب اسلامی) کسب نموده است. امروز پیروان مذاهب شیعه از پیروان هر مذهب دیگر افزون‌تر و بیشتر است و همه جای جهان و حتی در پیروان سایر مذاهب بلکه سایر ادیان و ملل طرفداران فراوانی دارد و حامیان بسیار. اما بزرگترین حافظ و حامی، خداوند متعال و مقتدر است و بزرگترین پاسدار و نگهدارنده همانا خود حضرت بقیه الله فی الارضین (عج) است که طبق نصوص وارده از سوی خود آن حضرت (إنا غیر مهملین لمراعاتکم...) و بر اساس صدها شواهد و مدارک هموست که رعایای خود را زیر نظر محبت دارد و منتظران ظهور خود را مشمول همه گونه لطف و عنایت می‌فرماید.

اینها همه به برکت انتظار فرج، و در سایه فداکاری و جانفشانی و از خود گذشتن جهت تحقق دولت کریمه، و فرج آقا امام زمان و به انتظار ظهور عدالت گستر آن حضرت است. عجل الله تعالی فرجه و سهل الله مخرجها، و جعلنا من أعوانه و أنصاره.

امید است آنچه را دانشمندان و حکماء بزرگ جهان از دیر زمان تصور و تصویر و ترسیم نموده‌اند، آنچه را خیرخواهان و مصلحان جامعه‌های بشری همیشه آرزو داشته و به مردم تبلیغ و تلقین کرده‌اند، آنچه را که در باب معرفت بدان عشق ورزیده‌اند، آنچه را که ادیان و مذاهب در طول تاریخ بدان معتقد بوده و از اصول قطعی دین خود بشمار آورده‌اند و بالاخره آنچه بنام «عدالت در آخرالزمان» و «ظهور دولت حق» و «حکومت جهانی واحد» موجب تسلائی خاطر مستضعفان و باعث آرامش دل و جان محرومان بوده و هست با ظهور مهدی موعود، و قیام مصلح جهانی، و امامت و ولایت و رهبری حضرت حجت بن الحسن العسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف تحقق یابد و جامه عمل پوشد تا وعده قطعی الهی آشکار و عدل و داد همه جا را فراگیرد که:

«وعد الله الذين آمنوا و عملوا الصالحات ليستخلفنهم في الأرض و ليمکن لهم دينهم الذي ارتضى لهم و لیبذلنهم من بعد خوفهم امناً یعبدونني لایشركون بي شیئاً و من کفر بعد ذلك فأولئک هم الفاسقون»^۱، (صدق الله العلیّ العظیم).

دوشنبه ۲۷ ذیحجه الحرام ۱۴۲۰ ه. ق

۱۵ فروردین ماه ۱۳۷۹ ش

امید به آینده‌ای درخشان^۱

در ویژه‌نامه سال گذشته تبیین گردید که اعتقاد به مهدی موعود و مصلح جهانی آخرالزمان اختصاص به مذهب شیعه دوازده امامی نداشته بلکه عموم مذاهب و فرقه‌های شیعی و اسلامی به این عقیده معترف و معتقد بلکه تمامی ادیان آسمانی و حتی کلیه مکاتب بشری به اصل مسئله صلح نهایی جهانی و گسترش عدالت در آینده تاریخ و سیطره حاکمیت حق و عدل و زوال مطلق ظلم و جور اذعان و اعتراف دارند هر چند در خصوصیات و جزئیات این مسئله آراء و نظرات متفاوتی ابراز داشته‌اند که اخلال و اشکالی به اصل کلی اعتقاد یاد شده ندارد. و تا آنجا پیش رفتیم که این عقیده اصولی و همگانی دارای مبانی عقلی و فلسفی بوده بلکه از پشتوانه فطرت و غریزه نیز برخوردار است.

این اصل در اسلام بنام مهدویت، قائمیت، مهدی موعود، مصلح آخرالزمان و امثال ذلک نامیده شده و خداوند متعال در چندین جای از

(۱) این مقاله در سالنامه (جان جهان) ستاد بزرگداشت نیمه شعبان ۱۴۲۲ ق / ۱۳۸۰ ش

مسجد آیه‌الله انگجی تبریز، ص ۱۵ تا ۲۲ درج و نشر گردیده است.

قرآن کریم آن را مطرح و مورد اشاره قرار داده است از جمله آیه ۵۵ از سوره نور: ﴿وعد الله الذين آمنوا منكم و عملوا الصالحات ليستخلفنهم في الأرض كما استخلف الذين من قبلهم و ليمكّننّ لهم دينهم الذي ارتضى لهم و لبيدّنهم من بعد خوفهم أمناً يعبدونني لا يشركون بي شيئاً و من كفر بعد ذلك فأولئك هم الفاسقون﴾.

و از این اجمال و آن تفصیل، روشن گردید که شبهه‌ای که در پاره‌ای از کتابهای برخاسته از عدم تبخّر و اطلاع از مبانی اسلامی و تاریخی دیده می‌شود که اعتقاد به مهدویت فقط در عقاید شیعه به چشم می‌خورد و در دیگر ادیان اثری از این مسئله نیست، شبهه‌ای واهی و بی‌اساس است که در پایان مقاله یاد شده در سال گذشته به پاره‌ای از مصادر، منابع، کتب تاریخی و ادیان آسمانی در این رابطه اشاره نمودیم و از تکرار آنها در این مقال و مقام خودداری می‌کنیم و تنها در این مبحث به این مسئله بسنده می‌کنیم که:

امروز بابت و بهائیت تنها فرقه‌ای است که رو در روی عقاید شیعی و بالاخص مسئله انتظار و مهدی موعود و قائمیت او ایستادگی کرده و بهمین دلیل مورد حمایت و مساعدت استعمار جهانی و ایادی آن قرار دارد و از سوی آنها تقویت می‌شود. گذشته از آنکه اصل تأسیس و بنیانگذاری آن نیز از سوی استعمار و به دست جاسوسان و گماشتگان خارجی و داخلی آنان انجام یافته است^۱. یا آنکه پیشوای این فرقه ضاله

(۱) به کتابچه یادداشتهای کینیاژ دالگورکی یا اسرار پیدایش مذهب باب و بهاء مراجعه شود.

(علی محمد باب) در کتاب تفسیر سوره کوثر که آن را برای سید یحیی دارابی نگاشته است تصریح می کند : امام زمان زنده و موجود است سپس با دلایل خود زندگی و وجود او را اثبات کرده و منکران وجود امام مهدی (عج) را با یهود و نصاری در کفر یکسان می داند .

و به آن دو سه نفر فیلسوف نمای بی اطلاع از مبانی دینی نیز که اعتقاد به مهدویت را از خصایص شیعه می دانند باید گفت : گذشته از دلایل و مدارک فراوان که دانشمندان ما مطرح فرموده اند وجود جمع کثیری از بزرگان مذهب سنت و جماعت که درباره امام زمان مقاله و کتاب نوشته و تحقیق و تصریح در این باره دارند ، روشن ترین برهان کذب دعوی انحصار و اختصاص است^۱ و ادعای آنان مبنی بر وجود تناقض در روایات مربوط به امام زمان علیه السلام نیز بدینگونه پاسخ داده می شود : که چنین تناقضات و تعارضات میان روایات و احادیث معتبر و مستند مربوط به این مسئله یافت نگردیده و ملاحظه نشده است و کسانی چون « ابن خلدون » و « فرید وجدی » و « احمد امین » که تنها اهل تاریخ و احیاناً فلسفه تاریخ بوده اند طبعاً فاقد صلاحیت اظهار نظر محققانه پیرامون احادیث و مبانی مذهبی هستند که می بایست در این رابطه به اهل فن و تخصص مراجعه شود تا حقیقت حال را تبیین و آشکار نمایند .

(۱) مراجعه شود به کتاب مهدی موعود در کتب علمای عامه ، تالیف نویسنده دانشمند علی

اشکال دوم ، فلسفه غیبت :

طرح این شبهه نیز روشن بوده و همگان کم و بیش با آن آشنا هستند که راز و رمز غیبت امام مهدی چیست ؟ او چرا باید غایب و پنهان باشد . و با استتار و اختفاء چگونه می‌تواند امامت و رهبری کند ؟

پاسخ بدین اشکال بطور ایجاز و اختصار آن است که :

اولاً ، بشر تا کنون از دریچه عقل و دانش موجود خویش نتوانسته به اسرار نهایی و نهفته‌های آفرینش آگاهی یابد بدیهی است او در برابر خلقت حیرت‌انگیز جهان ، موجودی ناچیز از همین جهان خلقت است که زیر و بم و غیبت و شهود و ظاهر و باطن و ریز و درشت آن در نزد خداوند عالم الغیب والشهاده می‌باشد وانگهی هنوز عقل و خرد به تکامل نهایی خود نرسیده و علم دانش بشری مرحله پایانی خود را طی نکرده و عمر دنیا نیز به آخر نرسیده است . هزاران هزار از اسرار آفرینش در طول عمر دنیا و تکامل علم و عقل به تدریج کشف شده و انسان به آنها دست یافته است و بسیار جاهلانه است که ما آنچه را به واقع و حقیقت آن تا کنون آگاه نشده‌ایم دستخوش انکار و نفی قرار دهیم . آری ، فقط می‌توانیم در اینگونه مسایل بگوییم که نمی‌دانیم نه اینکه بگوئیم که نیست و همه می‌دانند و می‌دانیم که معلومات بشر در مقابل مجهولات او بس اندک است و بلکه هر نقطه و نکته هم که در سایه علم و خرد آشکار گردد تازه خود سرآغاز طرح نکات مبهم و مجهول دیگری است و همیشه چنین بوده و خواهد بود .

ثانیاً ، بدیهی است هیچکس به علم محیط الهی راه ندارد چه علم از صفات ذاتیه خداوند و عین ذات او است و انسان ناقص و محدود چگونه می تواند به خداوند کامل نامحدود و نامتناهی دست یابد . ﴿ و ما أوتیتم من العلم إلا قليلاً ﴾^۱ . آری پیامبران الهی و اولیاء خداوند و آن کسانی که نزدیکی و قربی بیش از دیگران به خداوند دارند به اندازه توان محدود و ظرفیت مشخص و استعداد معین خود و تا آنجا که بتوانند وظیفه دارند که مردم را هدایت و ارشاد نمایند بهره ها و رشحاتی از افاضات ربوبی خواهند داشت .

بنابراین چه بسا ما نتوانیم به کمال اسرار و نهایت راز و رمز غیبت امام عصر علیه السلام پی ببریم . آری در روایات اسلامی چنین آمده است که پس از ظهور امام عصر و برپایی حکومت حقه وی تمام اسباب و علل غیبت و استتار وی معلوم و آشکار خواهد گردید^۲ .

علیهذا ، از یک سوی ما با توجه به اصول اعتقادات و معارف توحیدی خود و اذعان و اعتراف به حکمت بالغه الهی می دانیم که تمام افعال و اعمال خداوندی معلول حکمت ها و علت ها است هر چند ما از آنها بی خبر باشیم و چون خداوند را حکیم علی الاطلاق می دانیم هرگز نسبت به آنچه از افعال ربوبی که از سرّ و راز آن آگاه نباشیم دچار دغدغه نخواهیم شد و تزلزلی بخود راه نخواهیم داد . و از سوی دیگر این

(۱) سوره اسراء ، آیه ۸۵ .

(۲) سخن امام صادق علیه السلام به عبدالله بن فضل هاشمی ، بحار الانوار ، بهجة الأمال ۷ / ۶۲۷ .

اطمینان را به استناد روایات اشاره شده داریم که بالاخره این مطلب مهم نیز همچون رموز و اسرار دیگر روزی بر ملا و آشکار خواهد گردید و همه به صورت تام و کامل از آن آگاه خواهند شد.

با این حال از لابلای احادیث و روایات صادره از معادن وحی و عصمت علیهم‌السلام و از تاریخ اسلام و مطالعه اوضاع و احوال سیاسی اجتماعی عصر امامت امام یازدهم و دوازدهم به تعدادی از علت‌ها و اسرار غیبت امام موعود علیه‌السلام دست یافته‌ایم که در این مجال و مقال تنها به چند مورد از آنها اشاره می‌کنیم.

وجه اول: برنامه امامت امام عصر علیه‌السلام آن است که همراه با قدرت فائده و با تمام توان و کلیه اختیارات حتی استفاده از قدرت نظامی باشد چه به حکم تکامل بشری و با پیش‌بینی روایات اسلامی هنگامی امام عصر آشکار می‌گردد که عقول و افکار مردم بسیار پیشرفته و تمدن و تفکر بشری بسی متریقی و متعالی باشد پس در آن زمان همه چیز بر همه کس آشکار و روشن است و از سویی همه حکومت‌ها و حاکمان خواهند آمد و خواهند رفت و طرح‌ها و سیاست‌های خود را بر بشر عرضه خواهند نمود لکن با نقص و ضعف و عدم توفیق در اجرای عدالت و حریت روبرو خواهند گردید و پس از این و بعد از همه ادعاها و اتمام حجت‌ها امام عصر علیه‌السلام آشکار خواهد گردید تا حجت او و حکومت عادلانه او بر تمام جامعه مبرهن و واضح شود و با تمام این اوصاف و احوال چنانچه اشخاص یا گروه‌هایی نخواهند از حکومت تمام عیار امام مهدی تبعیت کنند بناچار جز عناد و دشمنی و نفی ارزش‌ها و انکار حقایق، بهانه و

حجتی نخواهند داشت چه حق بر همه آشکار خواهد بود لذا امام زمان بر خوردی قاطع و نهایی با اینان خواهد داشت آنچه گفتیم و نوشتیم از صدر اسلام تا زمان خود آن امام بزرگوار در متون احادیث اسلامی ذکر شده و پیشوایان ما مکرراً به مردم گوشزد می کرده‌اند و از این روی جباران و ستمگران تاریخ همیشه از این وعده بر خود می ترسیده و می لرزیده‌اند و همیشه در مقام دست یابی و دسترسی به امام زمان بوده و در صدد نابودی و قتل او می بوده‌اند و بسی هزینه‌ها، اعمال قدرت‌ها، نقشه‌ها در این راه به کار برده‌اند که در تاریخ مهدویت ذکر شده است. آیا این مسایل موجب آن نیست که مهدی موعود تا زمان موعود از انظار و دیدگان، غایب و مستور باشد؟ و آیا عقل و خرد انسانی تجویز می کند که با چنین جریاناتی امام عصر در بین مردم بدون هیچ اختفاء و استتاری حضور داشته باشد و اگر چنین می بود آیا قابل دوام و استمرار می بود؟ این است یک وجه از وجوه حکمت پنهان بودن امام عصر علیه السلام.

وجه دوم: امتحان و آزمایش افراد مسلمان و اجتماعات اسلامی در مورد مشکلات و معضلات گوناگون که ظاهر گردد متزلزل کیست، ثابت کدام است، منکر چه کسی است، و روشن و آشکار گردد که محب واقعی، ارادتمند حقیقی، معتقد راستین کدام و اهل تظاهر و ریاء و تصنع کدامند؟ حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در ضمن حدیثی به یونس بن عبدالرحمن می فرماید: «اما القائم الذي يطهر الأرض من أعداء الله فهو الخامس من ولدي الذي يكون له غيبة يطول أمدها فيثبت فيها أقوام و يزل فيها

آخرون فطوبی لشيعتنا الثابتين على ولايتنا في غيبة قائمنا أولئك منا و لنا ...»^۱.
 و نیز عبدالله بن فضل هاشمی گوید: از حضرت صادق علیه السلام شنیدم
 که فرمود: «إنَّ لصاحب هذا الأمر غيبة لا بُدَّ منها يرتاب فيها كل مبطل ...»^۲.
 وجه سوم: راهنمایان طریقه توحید و حجت‌های الهی هر کدام
 دارای دورانی از اختفاء و نهان شدن بوده‌اند که این خود در بر دارنده
 فوائد، حکمت‌ها، اسرار و مصالح و راز و رمزهایی چه برای خود آنان و
 چه برای مردم و جامعه آنها بوده است که امام عصر علیه السلام نیز بعنوان یکی
 از بزرگترین حجت‌های پروردگار از این اصل مستثنی نبوده است بعلاوه
 این که این خود یکی از دلایل مهم حجت بودن او از سوی خداوند و
 رهبری الهی او می‌باشد. چنانکه در همان روایت عبدالله بن فضل
 هاشمی است که گوید به محضر حضرت صادق علیه السلام عرضه داشتیم: «فما
 وجه الحکمة في غيبته؟ قال: وجه الحکمة في غيبته وجه الحکمة في غيبات من
 تقدمه من حجج الله تعالى ذكره ...»^۳.

و نیز حنان بن سدید از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که:
 «إنَّ للقائم منّا غيبة يطول أمدها فقلت له: ولم ذلك يا بن رسول الله صلى الله عليه وآله؟ قال:
 لأن الله عزوجل أبى الا أن يجري فيه سنن الأنبياء في غيباتهم و انه لا بد له يا
 سدید من استيفاء مدد غيباتهم ...»^۴.

و وجوه دیگر نیز در این رابطه از سوی بزرگان علم و دانش امثال

(۱) بحار الانوار، ج ۱۳، طبع قدیم.

(۲) بهجة الامال، ۷ / ۶۲۷.

(۴) بهجة الامال، ۷ / ۶۲۹.

(۳) همان.

شیخ مفید و سید مرتضی و شیخ طوسی و علامه مجلسی و غیرهم ارائه شده و در تألیفات تحقیقی مربوط به این موضوع ثبت و ضبط گردیده که به منظور اختصار از ذکر آنها صرف نظر می‌کنیم.

علامه فقیه مرحوم آیه الله مولی علی علیاری در کتاب بهجة الامال، جلد هفتم، ص ۶۳۰ چنین گوید: والعلل المروية في الأخبار كثيرة و لا تنافي بينها إلا أنك قد عرف أن علة الشرع معرفة لا موثره^۱ یعنی جهات فراوانی درباره عینیت امام عصر در روایات مذهبی ذکر شده است و منافاتی میان این علت‌ها و جهت‌ها نیست لکن باید دانست که علت‌های شرعی نوعاً حکمت و فلسفه و فایده یک جریان را بیان می‌کنند نه علت‌العلل اصلی و سبب و موثر واقعی را.

اشکال سوم: چگونه در دوران غیبت می‌توان از امام بهره گرفت؟

این نیز از جمله اعتراضات قدیمی و کهنه‌ای است که از دیرزمان مطرح می‌بوده و با این القاء شبهه که مهدی علیه السلام در دوران غیبت دارای چه قدرتی است و چه تفاوت میان فردی که اصلاً وجود ندارد و یا موجود است اما از تصرف ظاهری در وظایف و برنامه‌های خود ممنوع باشد؟

متمسکین به این شبهه در واقع خواسته‌اند دم از نفی زنده بودن امام زمان عجل الله فرجه بزنند.

(۱) بهجة الامال، ۷ / ۶۳۰.

شگفتناکه زاینده بزرگ، اسلام شیخ طوسی، متوفای سال ۴۲۴ هجری در سال ۴۲۷ هجری یعنی ده قرن پیش از این، شیوه یاد شده را در کتاب الفیه پیش‌بینی نموده و با دلایل استوار بدان پاسخ داده و پس از آن دانشمندان شیعه و برخی از رجال علمی اهل سنت نیز این مسئله را پی گرفته و پاسخ‌های لازم را به آن داده‌اند لکن ملاحظه می‌شود که در نیم قرن اخیر پیروان باب و یوا از سوری و کسروی و انبیاخ از سوری دیگر با آرد و زاب به طرح مجدد و مکرر این اعتراض پرداخته و با وانمود کردن این طرح منکرانه! از نزد خود بی‌اطلاهی و ناآگاهی خود پیش را از مدارات مذهبی و اعتقادات دینی و مدارک اسلامی و تاریخی آشکار کرده‌اند.

پاسخ نشرده در کتاب آن که استفاده مردم بلکه کل جهان هستی از وجود انیس امام عصر عجیب‌ال‌الله ندالی فرجه الشریف هرگز منحصر به تصرفات ظاهری که تنها از یک شخص حاضر و موجود می‌زند نیست بلکه از جنبه مذهبی و عقیدتی برای حضرت مولی علیه السلام تصرفات و تأثیراتی زایل هستیم که حضور و عدم حضور ظاهری حضرت و قیامه علیه السلام در انجام و اجزای آنها یکسان است و فیهت ری در آنها تأثیری ندارد.

زانگویی، فیهت امام خائب علیه السلام بدین مدنی نیست که او در جای مشخصی و مستمر است و پیوان زندگی می‌کند بلکه سابقه‌های مذهبی و آن بیان بیان دارند سایر افراد جامعه و در بیان همین مجتمع بشری پس از می‌برد و می‌برد می‌کند بدون اینکه کسی او را بشناسد و به او معرفت حضوری داشته باشد تا آن زمان که از سوری پروردگار عدال مأمور شود

خود را بشناساند حتی در برخی از روایات آمده است که پس از ظهور و شناخت وی کسانی خواهند گفت: عجباً که ما این بزرگوار را دیده‌ایم لکن نمی‌شناختیم. پس چگونه می‌توان پنداشت که او غایب و فاقد قدرت حضور است.

مضافاً به این که نمایندگان و نائبان او در جامعه حضور دارند و به نیازهای مذهبی مردم پاسخ می‌گویند و به حل مشکلات همت می‌گمارند که در دوران غیبت صغرای او (از سال ۲۶۰ هـ تا ۳۲۸ هـ) چهار نایب ویژه داشت که رابط میان او و شیعیان بودند و نام و خصوصیات آنان در کتب مربوط مضبوط است و در دوران غیبت کبری (از سال ۳۲۸ هـ تا کنون و تا زمان ظهور) فقهاء و عظام و مراجع عالیقدر شیعه (ادام الله وجودهم) نائبان عام او هستند که با استفاده از نیابت و ولایت مفوضه به اداره جامعه علمی و دینی مردم قیام و اقدام فرموده‌اند که مشروح این بحث و روایات صادره بعنوان پشتوانه این امر در مبحث ولایت فقیه و غیره ذکر شده است.

و از عوامل و وسایل استفاده مردم از امامت و ولایت آن امام همام علیه السلام مکاتبات و مراسلات فراوانی است که بزرگان علم و دین و تقوا به محضرش تقدیم داشته و مسایل لازمه را مطرح و بوسیله توقیعات شریف از سوی آن منبع فیض و رحمت دریافت پاسخ نموده‌اند و یا نامه‌هایی ابتداء از طرف جامع الشرف خود آن حضرت برای اشخاص و شخصیت‌هایی شرف صدور یافته است. بخشی از این مکاتبات و نامه‌ها که جهت افرادی از قبیل علمای بغداد، شیخ مفید، پدر شیخ صدوق،

(شیعیان) بالخصوص در احادیث و اخبار اسلامی و در سخنان خود امام عصر علیه السلام به استفاده از خورشید پشت ابرها تشبیه شده است در پاسخ یکی از پرسندگان ، امام مهدی این چنین مرقوم داشته اند .

« و أما الانتفاع بي في غيبتي فكالانتفاع بالشمس إذا غيبتها عن الأبصار السحاب »^۱ نحوه استفاده از من در دوران غایب بودنم همچون استفاده از خورشید جهانتاب است در هنگامی که ابر آن را از دیدگاه مردم پوشانیده باشد .

این تشبیه به چند و چندین صورت تفسیر گردیده که به تعدادی از موارد آن اشاره می شود :

۱- آن زمان که خورشید را ابر فرا گرفته است آفتاب در بعضی نقاط پنهان و در دیگر جاها که ابر نیست آشکار است . امام علیه السلام نیز در عین حال که از نظر مردم پنهان و مستور است برای دیگرانی که مانعی از رؤیتش ندارند آشکار و حاضر است .

۲- آن زمان که خورشید در پشت ابرها قرار دارد مردم دمبدم منتظر کنار رفتن آنها و تابش مستقیم خورشیدند تا به کارهای ضروری خود برسند . در زمان غیبت امام علیه السلام نیز مردم منتظرند که او ظاهر گردیده و مشکلات جهان را برطرف کند .

۳- آن که خورشید در پشت ابرها است چنانچه کسی که منکر وجود خورشید باشد متهم به بی خردی و کم فهمی می شود .

(۱) بحار الانوار ، ج ۱۳ ، طبع قدیم و سایر مصادر حدیث .

امام غایب نیز چنانچه در دوران غیبت با آن دلایل و نشانه‌ها مورد انکارش قرار دهند این نشانه کج فهمی و بی‌دانشی منکران است .

۴- آمدن ابرها و و استتار ظاهری خورشید برای مردم و جهان منافع و فواید فراوانی دارد غیبت امام عصر علیه السلام نیز هر چند تلخ و دشوار است اما مصالح و دستاوردهایی دارد که برخی از آنها در خلال مطالعه صفحات این مقال تبیین گردید .

۵- هنگام گسترش ابرها کسانی که دارای چشمان قوی و نافذ باشند اشعه خورشید را از لابلای ابرها و از شکاف‌های ریز و باریک آنها می‌بینند . در ایام غیبت نیز کسانی که دارای ایمان قوی ، بصیرت نافذ و نورانیت باطن هستند در موارد و مواضع مناسب وجود اقدس امام عصر را می‌بینند و زیارت می‌کنند .

۶- همانگونه که شعاع آفتاب در خانه‌ها و اطاق‌ها می‌تابد و از روزنه‌ها نیز نفوذ می‌کند ، نور وجود امام زمان نیز در اعماق قلوب و نفوس مستعدده تابش دارد و هر آن کس که صلاحیت و ظرفیت بیشتری داشته باشد بیشتر و بهتر از نور وجود او برخوردار خواهد بود هر چند پشت ابرهای غیبت باشد .

اشکال چهارم : این همه عمر دراز چگونه قابل پذیرفتن است ؟

جریان طول عمر امام زمان علیه السلام نیز از دیرزمان مطرح و مورد سؤال ، ایراد و اشکال بوده و هنوز هم هست گروهی از یهود ، نصاری ،

اهل سنت و جماعت ، بابیان ، منکران ادیان از این رهگذر خواسته‌اند نسبت به این موضوع ایجاد تردید و تشکیک نموده اصل عقیده را سست کنند و گرنه این سوال و اعتراض از بیخ و بن پاسخ داده شده و تمام ابهامات محتمل مرتفع گردیده است .

کوتاه سخن در این مقام و مقال آن است که اظهار شگفتی از طول عمر آدمی نشانه کمبود در مطالعات و معلومات علمی و تاریخی می‌باشد بلکه باید گفت : اصل در عمر انسان طولانی بودن و دراز مدت بودن آن است و کوتاه عمری بر خلاف اصل بوده و در خور تعجب و استفهام است .

اما از دیدگاه علم ، علل و عوامل موجب طول عمر که آن هم معلول دوام سلامت و کمال صحت بدن انسان است وجود دارد که چنانچه این علل و عوامل با همدیگر تلاقی و اجتماع نمایند عمر چنین فردی بس دراز و طولانی خواهد بود .

الف - پاکی نطفه پدر ، مادر و محل رشد جنین ، که از نظر دانشمندان این مسئله در خور کمال توجه و اهمیت است .

ب - سلامت هوای مورد استنشاق مادران آبستن ، کودکان و جوانان و غذاهایی که موجب سوخت و ساز بدن است . مایعاتی که بنوشند و لباسی که بپوشند و از همه مهمتر ، محیطی که در آن زندگی می‌کنند و تربیت و رشد می‌یابند .

ج - تعادل قوای گوناگونی که در وجود انسان فعالیت دارند و اینک

چند نمونه :

۱. استالین رهبر معروف روسیه در آستانه مرگ، بود، دوازده نفر از بزرگترین پزشکان دنیا گرد آمدند تا استالین را از مرگ برهازند. لکن نتوانستند، یکی از آنان در اطلاعاتی بسیار از سوی خود اعلام داشت: «سازول‌های مغز آدمی به گزندهای عجیبی شده‌اند که می‌توانند میلیون‌ها سال زنده بمانند. لکن عوامل خارجی باعث نابودی آنها می‌گردد.»

۲. پزشکان عالی‌رتبه جهان دریافته‌اند که اصول زندگی طبعی حیوان را باید برای انسان هم اجرا نمود زیرا اصل طبعی بسیاری از جانداران به ۶۰ الی ۷۲ سال می‌رسد.

۳. یکی از پزشکان متخصص انگلستان در مقاله‌ای تحت عنوان (انسان چندین زندگی می‌کند) می‌نویسد: «هم متوسط انسان ۷۰ سال است و عاقل طبعی نیز که در مدارس تدریس می‌گردد بر اساس این موضوع است. لکن باید عوامل و حال جسم را در زمان و مکان و هوا و غذا و محیط جستجو کرد، و به آرامش انسان، محیط را نیز باید افزود. گوید: «آمار متوسط جهان را در یک سال اگر با حال بوداشتی و مسائل ضروری بسنجیم به این موضوع می‌رسیم که همانگونه که یک درخت ۳ تا ۵ سال عمر دارد و دیگری ۱۰ الی یک هزار سال، آدمی هم می‌تواند از شرایط محیط در طول عمر استفاده کرده و پیش از یک هزار سال عمر کند.»

۴. دکتر نورد نرف، (طبيب مشهور جهانی) گوید: امکان درازی عمر از یکصد سال به بالا یک امر آزمایش شده است زیرا در حیوانات که

آزمایش کردیم ثابت گردید که حیوانی با عمر یکصد سال تا ۶۰۰ سال هم می تواند زندگی کند این موضوع را از آزمایش بر روی قلب و مغز دریافت کرده ایم^۱.

۵- یکی از اساتید بزرگ مصری در پایان مقاله ای در مجله الهلال می نویسد: دانشمندان هیچکدام از طول عمر در شگفت نیستند زیرا عموماً مرگ از بروز امراض رخ می دهد و ما شنیده و دیده ایم که برخی هزار تا هفت هزار سال عمر کرده اند^۲.

۶- دکتر فرهاد جمال مصری که عمری دراز در موضوع طول عمر تحقیق کرده است در مجله معروف «المقتطف» می نویسد: هنگامی که سیره اجتهادی در طب نداشتم نمی توانستم نظریه اطباء را درباره طول عمر بپذیرم لکن اکنون با صراحت می گویم پزشکان غربی بخوبی از عهده حل مسئله طول عمر در حیوان و انسان برآمده اند و نزد من مسلم است که انسان می تواند از ۵۰۰۰ الی ۷۰۰۰ سال عمر کند^۳.

۷- دانشمند روسی (بوگر مولولیتز) معتقد است که سرم مخصوصی کشف کرده که با تزریق به انسان عمر وی به معدل ۸۰ الی ۱۵۰ سال می رسد لکن پروفیسور هابر استاد دانشگاه فیلا دلفیا این معدل زندگی را نپذیرفته و مدعی است دارویی کشف کرده که از عوامل پیری و مرگ جلوگیری کرده و سبب هزاران سال عمر می شود اما هنوز داروی او

(۱) یادداشتهای خصوصی نگارنده مقاله . (۲) الهلال ، سال سی و هشتم ، ص ۲۲۶ .

(۳) المقتطف ، سال پنجاه و هشتم .

نواقصی دارد که پس از مرتفع شدن مورد استفاده قرار خواهد گرفت^۱.
 با این اوصاف و اوضاع، آیا باز هم می‌توان گفت که طول عمر
 انسان مستبعد است؟ تا چه رسد به اینکه محال باشد.
 آیا خداوندی که قدرت مطلقه و حکمت بالغه و علم محیط در
 اختیار او است و همه علوم و اکتشافات رشحه‌ای از علم و قدرت او است
 نمی‌تواند فردی را آن هم عزیزترین فرد را جهت مهم‌ترین مصالح جهانی
 چند قرن طول عمر عنایت فرماید؟ آیا منکرین توان علمی و پیشرفت‌های
 دانش بشری را ندیده‌اند و یا قدرت و اراده قاطعه پروردگار متعال را
 نشناخته‌اند؟

این گوشه‌ای از جنبه علمی طول عمر بود که بیان گردید. و تاریخ
 نیز از نظر وقوعی بر آن صحنه گذارده است. در اینجا به گوشه‌ای از تاریخ
 نیز توجه می‌کنیم تا گمان نرود آنچه ذکر شده تنها فرضیه و تئوری بوده
 است. بلکه اثر علم عیناً و عملاً در تاریخ نیز تجلی یافته و پیاده شده است.
 ۱- حضرات خضر، عیسی، الیاس، ادریس، و نیز دجال که اینان
 به اجماع مسلمانان و برخی از ادیان دیگر زنده و موجود هستند.

۲- عمر آدم ابوالبشر یکهزار سال، شیث فرزند حضرت آدم ۹۴۰
 سال، آنوش فرزند شیث ۷۵۰ سال، قینان فرزند آنوش ۹۱۶ سال،
 مهلائیل ۹۶۰ سال، مادر مهلائیل ۹۶۰ سال، ادریس پس از سیصد سال
 عمر به آسمان عروج کرد، فرزند ادریس ۹۶۱ سال، نملک، ۷۷۷ سال،

(۱) یادداشت‌های خصوصی نگارنده.

عوج بن عناق ۳۳۰۰ سال ، نوح ۲۵۰۰ سال ، هود ۷۶۰ سال ، سلیمان ۷۱۲ سال ، لقمان الاکبر ۴۰۰۰ سال ، جمشید جم ۸۵۰ سال ، فریدون ۵۰۰ سال ، ربیع بن ضبع ۳۴۰ سال ، درید بن زید ۴۵۶ سال ، زهیر بن عبدالله ۴۲۰ سال ، عبدالملک نصرانی ۳۵۰ سال ، فرعون ۴۱۱ سال ، اکثم بن سفر ۳۳۰ سال ، عمرو بن حجه رومی ۴۰۰ سال ، حریث بن مصاص ۴۰۰ سال ، سلمان فارسی ۳۵۰ سال ، عبدالله یمنی ۱۰۰۰ سال ، نود وول کابلی که گویند امیرالمؤمنین را دیدار کرده بوده تا قرن پیش زنده و در حوالی کابل بوده است .

شیخ بابارتن که گویند پیامبر اسلام را دیده است تا سال ۷۰۱ هـ زنده بوده ، رزیب بن ثملا ؛ یکی از اوصیاء حضرت عیسی تا زمان خلافت عمر بن خطاب زنده بود ، ضحاک ماردوش ۱۰۰۰ سال ، گرشاسب ۷۰۵ سال ، رستم ۶۰۰ سال ، نزال ۶۵۰ سال ، لقمان حکیم ۳۵۰۰ سال ، عزیز مصر ۷۰۰ سال ، پدر عزیز ۱۷۰۰ سال ، جدّ عزیز ۳۰۰۰ سال ، عبید بن شریذ ۳۵۰ سال ، ابو الدنیا همدانی صحابی حضرت علی علیه السلام تا سال ۳۰۹ هـ زنده بود . سربایک پادشاه هند ۹۲۵ سال ، عمرو دوسی ۴۰۰ سال ، عمرو بن عامر ۸۰۰ سال ، ذوالقرنین ۱۲۰۰ سال ، و موارد و اشخاص دیگر!

چنانچه عمرهای دراز تمام معمرین یاد شده دقیق و صحیح هم

(۱) مراجعه شود به بحار الانوار فصل معمرین و غیره ، و بعنوان نمونه : سالنامه پارس ، سال

نباشد اما بدیهی است که تمام آنها ناصحیح و غیر واقعی هم نیست بخصوص آنکه برخی از آنها مورد تأیید قرآن کریم است مانند دوران ۹۵۰ ساله پیامبری حضرت نوح علیه السلام و بسیاری از آنها در روایات اسلامی و مصادر تاریخ و حدیث و مجلات و صحیفه‌های علمی درج گردیده‌اند. عجباً از افرادی که در برابر این شواهد و موارد تسلیم شوند و یا سکوت نمایند اما درباره عمر مبارک حضرت حجة بن الحسن المهدی ارواحنا فداه که تا تاریخ این مقال مدت « ۱۱۶۷ » سال از آن گذشته دست به تردید و یا انکار ببرند.

خداوندا همه ما را بر قول ثابت و عقیده صحیح و ولایت اولیاء اسلام علیهم السلام ثابت و استوار بدار، انشاءالله والحمدلله رب العالمین.

۲۱/۴/۱۳۸۰ - ۲۰ ربیع الثانی ۱۴۲۲ ق

انتظار

عامل مقاومت و پیک پیروزی

در قرآن کریم در اوایل سوره بقره، آیه ۳۰ تا ۳۳ چنین آمده است:

﴿ وَاِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰٓئِكَةِ اِنِّیْ جَاعِلٌ فِی الْاَرْضِ خَلِیْفَةً . قَالُوْا اَتَجْعَلُ فِیْهَا مِنْ یَّفْسِدُ فِیْهَا وَیَسْفِكُ الدِّمَآءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ ؟ قَالَ : اِنِّیْ اَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُوْنَ . وَ عَلَّمَ اٰدَمَ الْاَسْمَآءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلٰی الْمَلٰٓئِكَةِ فَقَالَ : اَنْبِئُوْنِیْ بِاَسْمَآءِ هٰٓؤُلَآءِ اِنْ كُنْتُمْ صَادِقِیْنَ . قَالُوْا سُبْحٰنَكَ لَا عِلْمَ لَنَا بِاِلَآ مَا عَلَّمْتَنَا اِنَّكَ اَنْتَ الْعَلِیْمُ الْحَكِیْمُ . قَالَ : یٰۤاٰدَمُ اَنْبِئْهُمْ بِاَسْمَآئِهِمْ فَلَمَّ اَنْبَاَهُمْ بِاَسْمَآئِهِمْ قَالَ : اَلَمْ اَقُلْ لَكُمْ اِنِّیْ اَعْلَمُ غِیْبَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَ اَعْلَمُ مَا تَبْدُوْنَ وَ مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُوْنَ ؟ ﴾

ذکر چند مقدمه

اول - در میان مفسران بر سر این نکته گفتگو است که ملئکه از کجا دانستند انسان در روی زمین به فساد و خونریزی خواهد پرداخت (با

(۱) مشروح سخنرانی مؤلف در همایش معنوی (انتظار) منعقد در محل دارالعلوم فاطمیه

شهرستان کرج در اجلاس مورخ جمعه ۱۳۸۱/۷/۵ .

آنکه هنوز آدم به این جهان نیامده و حتی آفریده نگردیده بود تا چه رسد به اینکه به خلافت رسیده و به فساد و خونریزی مشغول شده باشد؟
 برخی را عقیده بر آن است که ملئکه با توجه به مادی بودن و ارضی بودن آدم دریافتند که آدم چنان خواهد شد زیرا نزاع و درگیری و فتنه و آشوب لازمه ذاتی موجودات مادی است که برای حفظ خود به تنازع بقاء برمی خیزند و گرنه در عالم مجردات و جهان معنی و ملکوت تنازعی و فساد و وجود ندارد.

مفسران دیگر چنین گفته‌اند که آدم ابوالبشر (پدر نسل موجود) نخستین آفریده نبوده بلکه قبل از این نسل، نسل‌های انسان یکی پس از دیگری آمده و رفته‌اند و به نزاع و قتل و ضرب و جرح و فتنه و فساد روزگار گذرانده بودند (و این نظریه را هم روایات اسلامی و هم علوم زیست‌شناسی تأیید نموده‌اند) لهذا فرشتگان دانستند که این نسل هم مانند نسل‌های پیشین خواهد بود.

فرقه‌ای دیگر نیز گویند: ما نمی‌دانیم که ملئکه از چه راهی و با چه ابزاری می‌دانستند که آدم خونریز و مفسد خواهد بود. همین اندازه میدانیم که آنها این حقیقت را دریافته و لذا آن را به محضر خداوندی عرضه داشتند که: « یفسد فیها و یسفک الدماء ». و لهذا خود را از چنین آدم‌هایی برتر و بهتر انگاشته و برای جانشینی خداوند در زمین صالح‌تر و لایق‌تر دانستند.

جالب آنکه خداوند متعال هم این دانسته ملئکه را نفی نمی‌کند و با سکوت از کنار آن می‌گذرد بلکه با جمله « إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ » به نوعی

عقیده فرشتگان را تأیید می‌نماید. النهایه به آنان می‌فرماید «إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ». کنایه از آنکه من هم میدانم آنچه را شما میدانید لکن من چیزهایی میدانم که شما نمی‌دانید و همان دانسته‌های من است که موجب شده بنی نوع آدم را که چنین و چنان است خلیفه خود در زمین قرار دهم و شما را که اهل تسبیح و تقدیس هستید به خلافت برنگزینم. و به عبارت دیگر: آن مصالح و مقاصد که در علم من است بر آن معلومات و دانسته‌هایی که در نزد شما است غلبه دارد و همین آدم که شما او را قاتل و مفسد میدانید برای خلافت و جانشینی در روی زمین اصلح و ارجح است! آنگاه خداوند منان برای هرچه بهتر آگاه شدن ملئکه از حقیقت امر، حقایق هستی را به آدم تعلیم فرموده سپس آنها را بر فرشتگان هم عرضه می‌کند و از آنها می‌خواهد که چنانچه آنان به جانشینی برای خداوند افضل و اقرب هستند نام و عنوان حقایق را برشمرند آنان عاجز و ناتوان می‌مانند اما آدم آنها را می‌شمرد و به ملئکه خبر میدهد.

ملئکه گفتند: خداوندا ما نمی‌دانیم مگر آنچه را تو به ما یاد داده باشی (یعنی به آدم یاد داده‌ای و بمانه) خداوند پاسخ داد: مگر به شما نگفتم: من علم غیب آسمانها و زمین را دارم و میدانم آنچه را شما پنهان داشته و یا آشکار سازید. یعنی: راز خلافت آدم هم در زمین از آن اسرار غیبی است که من میدانم و شما نمی‌دانید.

(۱) بدیهی است که مقصود نسل آدم و نوع بنی آدم است نه هر فردی از آدم و نه آن حضرت آدم شخصی که بعداً پیامبر شد و شأن او برتر و بالاتر از قتل و فساد و خونریزی است.

مقدمه دوم - آدم با این صلاحیت و ارجحیت برای خلافت خدا در زمین حقیقهٔ حیف است که فتنه و فساد از او سرزند و قتل و غارتی به دست او رخ دهد. و اصل بر عدالت و رأفت و عاطفه و تعاون بقاء است که لازمه فطری هر موجودی است و انحراف، ظلم و جور، فسق و فجور و... اموری بر خلاف اصل می باشند که باید با آنها به مبارزه پرداخت، مقابله نمود و پیکار کرد تا اینها از میان رفته و جای خود را به اصول ذاتی و فطری بدهند و این پیکار و مبارزه خود بزرگترین اقدام و قیامی است که باید آن هم به دست خود انسان انجام گیرد و اجراء گردد و خود او متصدی رفع و دفع این ننگ و زنگ از خود شود نه ملئکه و نه عوامل دیگر. پس قیام و اقدام علیه انحراف و ظلم و ستم به دست خود انسان از بزرگترین و ریشه دارترین دلائل صلاحیت بشر جهت جانشینی خداوند بر روی زمین است یعنی بشر می تواند و میداند چگونه این عیب خود (قتل و آشوب و هرج و مرج) که بزرگترین مانع خلافت الهی او می گردد از میان بردارد و عدالت و حقیقت و صلاح و اصلاح را جایگزین آن کند.

لهذا. بزرگان بشریت و اندیشمندان و مصلحان جامعه انسانی همیشه بر این بوده اند که اولاً با فکر و اندیشه جامعه ای برین و خالی از غل و غش و واجد تمام شرایط و موجبات و فاقد هرگونه کجی و کاستی و موجب هر نوع رفاه و آسایش ترسیم نمایند و سپس آن را بر روی کاغذ آورند و به دیگر فرهیختگان و متفکران نیز ارائه نمایند تا به تدریج نواقص و نقایص آن مرتفع گردد و آرام آرام در روی زمین پیاده بشود و در میان نسل بشر به مرحله اجراء و عمل درآید. آری این دغدغه و دل مشغولی

فلاسفه و حکما و جامعه‌شناسان بوده و لذا در راه تحقق آن گام‌ها برداشته و رنج‌های فراوان در این راه بر خود هموار نموده‌اند که اینک به مواردی از آن اشاره می‌کنیم:

۱- حکیم الهی افلاطون. کتاب جمهوریت را می‌نویسد و جامعه برین را در آن ترسیم می‌کند. وی که به شدت به مندرجات این کتاب و ترسیمات آن معتقد است در پاسخ افرادی که در اثر عدم تصور و عدم دید کافی آینده‌نگری به افلاطون می‌گویند: این طرح شما امکان پیاده شده در کره زمین را ندارد پاسخ می‌دهد: اگر در زمین قابل پیاده شدن نیست در آسمان هست. و با این پاسخ اطروحه خود را یک طرح برین و آسمانی و قابل اجراء و عمل معرفی می‌نماید.

۲- فیلسوف بزرگ اسلامی فارابی (معلم ثانی) اقدام به نگارش کتاب نفیس آراء اهل المدینه الفاضله می‌نماید.

۳- جزیره خضراء نیز طرحی است (نه روایتی) که تصویر یک جامعه سالم و آرام بر اساس شالوده‌های اسلامی و انسانی را ترسیم می‌نماید.^۱

۴- کشور خورشیدی هم که توماس کامپانلا طرحریزی کرده است (مانند مدینه فاضله افلاطون) برای پایان بخشیدن به همین دردها و

(۱) با توجه به اینکه جزیره خضراء و یا (مثلث برمودا) تنها یک طرح و ترسیم جهت وضع آینده بشر است نه یک حدیث و روایت، دیگر ضرورت ندارد که به استناد موازین علم الحدیث و عدم وجود چنین مکانی در ربع مسکون، در صدد نفی روایت بودن این داستان برائیم زیرا خود بخود منتفی است.

ناهنجاریها است. در کشور خورشید این انتظار و این آرزو نهفته است که تضاد و دشمنی برچیده شود. کار مساوی باشد. درآمدها یکسان تقسیم شود و آرمانهای دیگر.

۵- بهشتی را نیز که تانس مور ترسیم کرده است برای رسیدن به همان جهان آرمانی است. جهانی که همه مردم در آن در سایه قانون و عدالت یکسان زندگی کنند و در برابر گروهی اندک، ثروتمند و مرفه گروهی بیشمار فقیر و بیچاره نباشند.

۶- پیشنهاد اگوست کنت نیز برای ایجاد جامعه تئوکراتیکی که در آن هیئتی از عقلاء حکومت کنند بهمین منظور است تا رهبری انسان را به دست کسانی بسپارد که انسان باشند و از سیاهکاری و ستمگری به دور و به انسان به دیده انسانیت بنگرند^۱.

۷- فیلسوف و ریاضی دان مشهور (برتراند راسل) نیز در کتاب (آیا جهان آینده‌ای دارد؟) و هم در کتاب امیدهای نو. ترجمه سید علی شایگان) بخشی از جامعه برین و نوین را به تصویر می‌کشد.

البته این اشتباه را در سخنان فیلسوف اخیر الذکر بخصوص آنچه در کتاب آیا جهان... باید یادآور شد که او معتقد است بالاخره جهان در آخر الزمان خلع سلاح می‌شود و مردم سلاح را به زمین می‌گذارند و به صلاح و اصلاح و آرامش روی می‌آورند اما این دانشمند می‌پندارد که خلع سلاح عمومی به دست سازمان ملل متحد انجام می‌گیرد. حال آنکه چنین نیست. بلکه

(۱) نقل از کتاب در فجر ساحل به قلم محمد حکیمی، چاپ نهم ص ۱۰ و ۱۱.

چنانکه خواهیم گفت و خواهیم دید (انشاء الله) خلع سلاح عمومی تنها بدست با کفایت مصلح آخرالزمانی که موعود ادیان است رخ خواهد داد مضافاً به اینکه هم اکنون ما می‌نگریم: که سازمان ملل متحد از اداره و بقاء خود نیز ناتوان است و تنها ابزاری در دست قدرت‌های موجود جهان بالاخص آمریکای جهان خوار است که هرگونه می‌خواهند می‌گردانند و می‌چرخانند و با این اوضاع و احوال که در آینده بالبداهه بدتر و سست‌تر خواهد شد چگونه سازمان ملل می‌تواند عامل خلع سلاح عمومی و باز گرفتن این ابزار مخرب از دست دولت‌ها و ملت‌ها باشد .

۵- ادیان آسمانی بویژه دین مبین اسلام و بالاخص مذهب حقه جعفری اثنی عشری هم که به استناد وحی آسمانی و گفتار پیامبران و امامان معصوم مسئله (مهدویت) را به ارمغان آورده و تحت عنوان مصلح جهانی، مهدی موعود، مهدویت خاصه . موعود آخرالزمان و... جامعه انسانی را به صلح و صفای عمومی و عدالت همگانی و اجرای عدل و داد و نفی هرگونه جور و ستم امیدوار ساخته بلکه این جریان را سرنوشت حتمی بشریت و عاقبت حسنه جهان و آخرالامر جامعه انسانی اعلام نموده است .

ریشه‌های اعتقاد به مصلح جهانی

اعتقاد ما به مسئله مهدی موعود و مصلح آخرالزمانی یک عقیده راسخ و راستین مذهبی، اسلامی، دینی و عقلی می‌باشد که هرگز قابل

خداشه و تزلزل و تردید نبوده و با مرور زمان غبار نفی و انکار بر آن نمی‌نشیند.

الف . وجهه مذهبی : عقیده جزمی و ثابت مذهب شیعه آن است که در آخرالزمان فردی از نسل پیامبر عالیقدر اسلام ﷺ و از صلب علی و زهراء علیها السلام و بعنوان تنها فرزند ذکور امام یازدهم حضرت حسن بن علی العسکری علیه السلام ظهور خواهد کرد و جهان را از لوٹ همه ظلم‌ها و ظالمان، ستم‌ها و ستمگران، انحرافات و منحرفان تطهیر خواهد نمود. حق و عدل را بر همه کس و همه جا حکمفرما خواهد کرد. مستضعفان را وارثان زمین و صالحان و نخبگان را حاکمان صحیح و صالح جامعه قرار خواهد داد. و این وعده حقه و حتمیه الهی است که هیچگونه تردید و تخلفی در آن نیست. این موعود آخر الزمانی در نیمه شعبان سال ۲۵۵ یا ۲۵۶ هجری ولادت یافته و هم‌اکنون صحیح و سالم و زنده است اما غایب و پنهان و از انظار مستور و مکتوم تا آنگاه که اراده پروردگار بر ظهور مقتدرانه‌اش تعلق یابد و او با اذن خداوندی حکومت عدل خود را آغاز نماید و جهان را سرشار از قسط و عدالت فرماید.

ب . جنبه اسلامی : عقیده به مهدویت اختصاصی به مذهب شیعه ندارد بلکه همه مذاهب و فرقه‌های اسلامی به این حقیقت عظمی اعتراف و اعتقاد دارند هر چند در خصوصیات و جزئیات این مسئله دارای وحدت نظر نیستند. از باب نمونه :

برخی عقیده دارند : وی ولادت نیافته و در آخرالزمان بعنوان یکی از اولاد پیامبر اسلام ﷺ متولد می‌شود و پس از استکمال شرایط قیام

به حق می نماید .

برخی می پندارند : او متولد گردیده لکن فوت نموده و از دنیا رفته است و در آخرالزمان مجدداً به امر الهی زنده شده و حکومت الهی خود را آغاز می کند .

و بعضی نیز مطالب و مسائل دیگری می گویند .

چنانکه گروهی از اهل سنت و جماعت نیز (دقیقاً همانند عقیده شیعیان) اعتقاد دارند که مهدی موعود بنام (محمد) و تنها فرزند حضرت عسکری و نرجس است و در زمان پدر ولادت یافته و هم اکنون زنده و غایب و در پشت پرده استتار قرار دارد و در آخرالزمان به امر پروردگار ظهور خواهد یافت و به حق و عدل قیام و اقدام خواهد فرمود .
بدیهی است با وجود عقیده متحد و واحد در اصل مطلبی ، دگرگونی در جزئیات خدش‌های به اصل اعتقاد وارد نخواهد کرد .

ج . جنبه عقلی : قانون فلسفی حاکم و ناطق است به اینکه : کل شیئ اذا جاوز حدّه انعکس ضده^۱ .

طرب افسرده کند چونکه ز حد درگذرد

آب حیوان بکشد نیز چو از سرگذرد

و یا به مضمون این بیت که :

لطف حق با تو مداراها کند چونکه از حد بگذرد رسوا کند

(۱) مراجعه شود به کتاب البیان فی اخبار صاحب الزمان تألیف محمد بن یوسف گنجی

شافعی متوفای ۶۵۸ .

(۲) اسفار اربعه : ج ۷ ص ۱۱۸ .

آبی که با فشار به سمت و سوئی جاری است چنانکه به مانع و یا حائلی برخورد کند دوباره برمی‌گردد و تا حدودی به سوی مسیر حرکت آب بازمی‌گردد.

و شاید روایات مرتبط به مهدی موعود علیه السلام که گوید: *يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا بَعْدَ مَا مَلَّتْ ظُلْمًا* و جورا اشاره‌ای به این حقیقت عقلی باشد.

« انتظار، عامل امید و مقاومت »

انتظار، فلسفه بسیار عمیق و آثار بس دقیقی دارد. انتظار عامل مبارزه با یأس و حرمان، و بهترین ابزار مقابله با فسردگی و نومیدی است. بیماری که در انتظار رسیدن پزشک است به خود امید و نوید میدهد. نشاط خود را حفظ می‌کند. یأس و درماندگی او را از پای در نمی‌آورد چه مدام چشم براه پزشکی است که به درد او برسد و درمانش کند. سلامت او را به او بازگرداند لذا چنین فردی دوام می‌آورد. اما آنکه از درمان و بهبود خود مأیوس شده و یا امیدی به آمدن پزشک و آوردن دارو و درمان ندارد همه چیز خود را از دست میدهد و زود بسوی مرگ پیش می‌رود.

این حقیقت در عالم طب و پزشکی مملوس و محسوس است که بیمار را باید امید داد و امیدوار نگه داشت و به او تلقین شفا و عافیت نمود. حتی بیمار محکوم به مرگ را نمی‌گویند تو می‌میری و مرگت فرا رسیده است. بیمارانی که خود را باخته‌اند و امید خود را از دست داده‌اند

به سرعت رو به مرگ رفته‌اند .

شاید یکی از مبانی (أفضل الأعمال انتظار الفرج) همین باشد زیرا روح و نشاط و توان انجام سایر اعمال و عبادات بوسیله انتظار فرا رسیدن مهدی موعود و تشکیل حکومت جهانی واحد و گسترش عدل و داد حاصل می‌گردد چه عبادت با یاس از آینده و نومییدی از صلاح و اصلاح امور کدام بها و ارزش را دارد ؟ پس انتظاری که تأمین کننده و تضمین کننده زمینه مساعد و با نشاط برای انجام سایر وظایف انسانی و مذهبی است بالبداهه از باقی این اعمال و تکالیف افضل خواهد بود .

اسلام‌شناس فقید فرانسوی (هانری کرین) در مصاحبه و مواجهه با فیلسوف اسلام و شرق علامه سید محمد حسین طباطبایی خطاب به آن حضرت چنین گفت : دین اساسی و پایدار همان دین شما اسلام و مذهب شما تشیع است و لا غیر . زیرا این دین و مذهب بر پایه انتظار استوار است و آنچه که چنین باشد حقیقی و دائمی خواهد بود . اما دین ما مسیحیت بر پایه ای متین و محکم استوار نیست !

« امار و ارقام »

در قرآن مجید تعداد ۱۳۲ آیه وجود دارد که تفسیر و یا تأویل آنها (به کمک روایات و احادیث وارده) ناظر و راجع به مسئله مهدی موعود و حکومت او و ابعاد دولت حقه او است چنانکه علامه محدث مرحوم

سید هاشم بحرانی آنها را با روایات وارده در ذیل آنها در کتابی نفیس و ارزنده بنام تبصرة الولی فیما نزل فی القائم المهدی گرد آورده است و این آمار با مقایسه احکامی از شریعت اسلام که یک یا دو و یا چند آیه در مورد آنها نازل گردیده است عدد قابل توجهی می باشد که حاکی از اهمیت اصل موضوع است.

و اما روایات و احادیث اسلامی :

فقیه و مرجع بزرگوار آیه الله صافی گلپایگانی در کتاب منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر حدود ۲۷۵۰ روایت پیرامون مهدی موعود و مسائل و موضوعات گوناگون او از پیشگویی، ولادت، غیبت، ظهور و حکومت اسلامی آن حضرت تدوین نموده است. البته در این کتاب چنانکه از نامش پیدا است فقط بخشی از اخبار و احادیث مربوطه به امام عصر (عج) گردآوری شده است.

چنانکه مرحوم شیخ علی بارجینی یزدی حائری در کتاب الزام الناصب بوجود الحجة الغایب گوید: عدد روایات پیرامون حضرت حجة ابن الحسن العسکری علیه السلام به ۱۰ هزار روایت می رسد^۱.

و اطمینان داریم که با تتبع و استقراء بیشتر به تعداد بیشتری از احادیث و اخبار وارده از سوی پیامبر و ائمه اطهار در این زمینه دست می یابیم چنانکه روایات اشاره شده نیز با کاوش و پیگیری مستمر دانشمندان و کاوشگران بدست آمده و شماره آنها به ۱۰۰۰۰ رسیده

(۱) الزام الناصب: ج ۱ ص ۲.

است . و این خود ثروتی عظیم و سرمایه‌ای ارزشمند و ذخیره‌ای بی‌نقیس و قیمتی بشمار می‌رود و اصولاً مجموع آیات ، روایات ، معلومات ، تحقیقات و اطلاعات حاصله و انجام شده پیرامون موضوعات و جوانب و جهات مختلف مهدویت همانا دایرة المعارفی عظیم و بلکه علمی مستقل از علوم الهی بشمار می‌رود که به برکت اسلام و مذهب تشیع وارد جهان علم و دانش گردیده است و در این راستا دانشمندان و محققان و پژوهشگران بیشماری را به نخبگان علم و دانش و فرهیختگان عالیقدر اسلامی افزوده است .

« برنامه‌ها و اوضاع کلی عصر ظهور »

آنگاه که سخن از عدل و داد محیط و گسترده دوران ظهور دولت حقه امام عصر (عج) و اقامه قسط و عدل مهدوی در سراسر گیتی به میان آید . چه بسا این گمان هم پیش آید که آنچه مطرح است همان تشکیل حکومت اسلامی ، اقامه جمعه و جماعات ، اجراء حدود و احقاق حقوق ، گرایش همگان به اسلام و تشیع ، جلوگیری از قتل و غارت و نزاع و ظلم و ستم و غیره است .

در صورتی که هر چند چنین هست و خواهد بود و حضرت صاحب علیه السلام جامعه را به سمت و سوی اسلام و تشیع سوق میدهد و احکام و قوانین الهی را مقتدرانه به مرحله اجراء می‌گذارد .

لکن . برنامه‌های حضرت مهدی علیه السلام اختصاص به این مسائل

ندارد بلکه دولت حقه او شامل همه امور اجتماعی، سیاسی، اخلاقی، اقتصادی و غیره خواهد بود بخصوص آنکه بسیاری از این مباحث و برنامه‌ها جزء اسلام و مذهب و اعضائی از پیکره شریعت و دیانت می‌باشد که اجراء قسط و عدل و رفع ظلم و جور جز با تحقق صحیح و کامل موضوعات حیاتی یاد شده عملی نخواهد بود. همچنانکه در روایت منقول از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین آمده است که: لا یبقی فی الأرض خراب إلا یرمّه. در سراسر گیتی هیچ جای ویرانی نیست مگر آنکه حضرت قائم علیه السلام آنرا معمور و آباد خواهد ساخت^۱.

لهدا گستره فرمانروایی عام و عدالت پرور آن حضرت شامل تمامی نیازمندیهای فردی، اجتماعی، رفاهی و عام المنفعه یک جامعه کامل و اسلامی خواهد بود. که در این مجال به گوشه‌ای از آنها اشاره می‌کنیم.

الف. اندیشمندی و تکامل عقلانی:

حضرت باقر العلوم امام پنجم علیه السلام چنین فرماید: اذا قام قائمنا وضع یدہ علی روس العباد فجمع بہا عقولہم و کملت بہا أحلامہم^۲. هنگامی که قائم آل محمد صلی الله علیه و آله آشکار شود و به حکومت برخیزد دست لطف و شفقت او بر سر بندگان خدا قرار گیرد و در سایه محبت‌های او عقل و خرد آنان مجتمع شود و افکار و اندیشه‌های آنان بدینوسیله تکامل یابد.

(۱) اسعاف الراغبین: ب ۲ ص ۱۴۰.

(۲) بحار الانوار: ۵۲ / ۳۲۸ ح ۴۷ (به نقل از کمال‌الدین شیخ صدوق).

گفتنی است که علامه مجلسی رحمته الله علیه همین روایت را پس از چند صفحه چنین آورده است که :

إذا قام قائمنا وضع يده على رؤس العباد فجمع به عقولهم و أكمل به أخلاقهم !

آن هنگام که قائم ما قیام کند دست خود بر سر بندگان خدا گذارد و بدینوسیله عقول آنان به همدیگر برسد و اخلاق آنان تکامل یابد .

و چون به احتمال قوی این دو روایت یکی است که با دو سند بما رسیده است لذا به نظر می رسد که صورت نخست (کملت بها أحلامهم) اصح باشد زیرا معمولاً اخلاق با صفت حسن و مانند آن بکار می رود و انگهی کشیده شدن دست امام زمان علیه السلام بر سرها و وجود جمله (جمع بها عقولهم) دو قرینه اند بر اینکه روایت موجود در صدد بیان تکامل عقلی و تعاون فکری و تمامیت افکار و آرمانها است هر چند اصل تعالی اخلاق و تکامل اعمال نیز بخشی جدایی ناپذیر از وظایف و برکات حضرت مهدی علیه السلام می باشد .

ب . اقتصاد سالم و فراگیر :

در احادیث فراوانی پیرامون عملکرد اقتصادی و معیشت عمومی مردم در دوران حکومت حضرت صاحب الامر علیه السلام چنین آمده است که :
 يقسم المال اصحاباً (یا صحاحاً) آن حضرت اموال عمومی را بصورت صحیح و درست توزیع می فرماید و هنگامی که از تفسیر این واژه

(۱) بحار الانوار ۵۲ / ۳۳۶ ح ۷۱ به نقل از الخرائج راوندی .

(اصحاب یا صحاح) می پرسند ، امام پاسخ می فرماید : (بالسویه)^۱ یعنی آن حضرت ثروت را مساوی با عملکردها و نیازها تقسیم می نماید (نه به مذهب اشتراکی و نه به مرام سرمایه داری) .

چنانکه در روایات مربوطه نیز چنین آمده است که : هنگامی که مؤدیان حقوق شرعی خود را تقدیم محضر حضرت صاحب علیه السلام می نمایند امام اعلام می فرماید : هرکس نیاز دارد از این اموال بردارد . لکن هیچکس یافت نمی شود که از آنها تصاحب و یا تصرف نماید^۲ . زیرا در عصر ظهور بی نیازی و غنای مالی همه جا و همه کس را فرا گرفته است .

ج . تندرستی بدن ها و تکامل پزشکی و بهداشت :

از حضرت علی بن الحسین زین العابدین علیه السلام چنین روایت شده است که : اذا قام القائم اذهب الله عن كل مؤمن العاهة و ردّ اليه قوّته^۳ . آن هنگام که قائم آل محمد صلی الله علیه و آله به حکومت الهی خود قیام فرماید خداوند متعال هر عارضه و بیماری را از تن هر انسان مؤمن برطرف می سازد و قوای بدنی او را به او برمی گرداند . آشکار است که این کار با معجزه انجام نمی گردد لهذا تنها موجب و عامل آن همان رعایت بهداشت و حفظ

(۱) بحار الانوار ۵۲ / ۳۳۶ ح ۷۱ به نقل از الخرائج راوندی .

(۲) منتخب الاثر : صفحات ۳۰۸ ح ۱ به نقل از الارشاد شیخ مفید - و ۳۱۰ ح ۱ به نقل از بحار الانوار ۲ / ۳۳۷ - و ح ۲ به نقل از تاریخ ابن عساکر . و ۴۷۲ ح ۲ به نقل از الملاحم والفتن . و ۴۷۳ ح ۱ به نقل از مستدرک الصحيحین .

(۳) بحار الانوار : ۵۲ / ۳۶۴ ح ۱۳۸ به نقل از الغیبه نعمانی .

الصحة و توسعه و تکامل پزشکی و امور درمانی در عصر حکومت حضرت مهدی علیه السلام می باشد .

د . پیشرفت دانش‌ها و توسعه و تکامل علمی :

امام ششم حضرت صادق علیه السلام چنین فرمودند : العلم سبعة و عشرون حرفاً فجميع ما جاءت به الرّسل حرفان فلم يعرف الناس حتى اليوم غير الحرفين فإذا قام قائمنا أخرج الخمسة و عشرين حرفاً فبثّها في الناس و ضمّ اليها الحرفين حتى يبثّها سبعة و عشرين حرفاً^(۱) .

دانش بشری ۲۷ حرف است (شاید منظور ۲۷ بخش باشد) و تمام آنچه را از علم و دانش که پیامبران الهی آورده و بر حسب استعدادها و نیازهای بشری به مردم ارمغان داده‌اند تنها ۲ بخش از مجموع می باشد و چون قائم آل محمد صلی الله علیه و آله قیام فرماید ۲۵ بخش دیگر علم و دانش را آشکار خواهد ساخت که در اینصورت (و با این تفسیر) تمام دانش‌ها و علوم در جامعه انتشار خواهد یافت .

در این روایت به دو نکته باید توجه نمود :

نخست : نسبت و تفاوت میان تمام آنچه را که انبیاء الهی در طول تاریخ آورده‌اند با آنچه را که امام عصر علیه السلام به تنهایی خواهد آورد به آسانی قابل مقایسه و محاسبه نیست .

دو : آنکه علم و دانش در عصر امام زمان علیه السلام به آخرین درجه کمال و تمامیت خود خواهد رسید زیرا ۲ و ۲۵ مساوی ۲۷ است که این عدد

(۱) بحار الانوار : ۵۲ / ۳۳۶ ح ۷۳ به نقل از الخواص راوندی .

اخیر بعنوان کل علم اعلام گردیده است .

هـ - پیشرفت قضاوت و دانش قضائی :

حضرت صادق آل محمد علیهم السلام فرمودند : اذا قام القائم بعث في اقاليم الأرض في كل إقليم رجلاً يقول عهدك (في) كفك فإذا ورد عليك ما لا تفهمه و لا تعرف القضاء فيه فانظر الى كفك واعمل بما فيها^۱.

در تفسیر این روایت پراهمیت دو وجه به نظر می رسد . نخست آنکه همه آنچه را که نمایندگان قضائی و منصوبان امام زمان علیه السلام نیاز خواهند داشت قبلاً در منشوری از سوی آن حضرت در دست خود آماده دارند و بهنگام نیاز بدان نظر افکنده و حکم مورد را ملاحظه و به مرحله انشاء و اجراء خواهند گذارد .

دوم - آنکه همه احکام قضائی مشکل بصورت معجزه در کف دست قاضیان عصر مهدوی منعکس و منکشف شده که با یک نگاه آن را می نگرند . و در هر صورت مشکلی برای قاضی وجود ندارد و تأخیری در صدور و احکام الهی عارض نمی شود .

و - تکامل تکنولوژی و صنعت :

شیخ مفید رحمته الله از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده که به صحابی خود عبدالرحیم قصیر در ضمن حدیثی پیرامون امام زمان علیه السلام چنین فرمود : ... أما انه سيركب السحاب و يرقى في الأسباب أسباب السموات

(۱) بحار الانوار ۵۲ / ۳۶۵ ح ۱۴۴ به نقل از الغیبه نعمانی .

السبع والأرضین السبع ...^۱ جمله نخست اختصاص دارد (احتمالاً) به هواپیما و مسئله هوانوردی زیرا عبور هواپیماها از سطح ابرها و پرواز بر فراز ابرها امروز مسئله‌ای عادی و مشهود میباشد تا چه رسد به دوران ظهور، و با این ترتیب جمله (یرکب السحاب) بر آن بخوبی قابل تطبیق است و جمله دوم عام است و دلالت دارد بر اینکه امام عصر علیه السلام (و یاران او) بر تمامی ابزار و اسباب طبیعی و صنعتی (از هر مقوله) برتری داشته و بر همه چیز تفوق و تسلط دارند و همه چیز در قبضه اقتدار آنان خواهد بود.

ز - توسعه طرق و جاده‌ها :

شیخ مفید رحمته الله از ابو بصیر از حضرت باقر العلوم علیه السلام روایت کرده است که اذا قام القائم وسَّع الطريق الأعظم و کسر کل جناح خارج عن الطريق و ابطل الکنف والمیازیب الی الطرقات ...^۲ آری توسعه جاده‌ها و معابر عمومی و از میان برداشتن هر بالکن مزاحم و مخل به آسایش و امنیت مردم . و نابود کردن هر ناودان و توالت که به رفاه و آسایش و بهداشت عمومی اخلال برساند از کارهای نخستین و قطعی عدل دوران مهدوی می باشد .

(۱) الاختصاص شیخ مفید : ص ۱۹۹ .

(۲) بحار الانوار : ۵۲ / ۳۳۹ به نقل از الارشاد شیخ مفید .

ح - فراوانی نعمت‌ها :

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: *يكون في أمتي المهدي، تنتعم أمتي في زمانه نعيماً لم تنتعم مثله قط، ترسل السماء مدراراً و لم تدخر الأرض شيئاً من النبات^۱.*

امت من از نعمت وجود امام مهدی برخوردار خواهد بود و این شخصیت عظیم از امت من و در امت من است. امت اسلامی در زمان او به نعمت‌ها و کامروائی‌هایی خواهند رسید که هیچگاه مثل و مانند آنرا ندیده باشند آسمان به فراوانی و سرشاری بر مردم باران ببارد و زمین از رویش هیچ نبات و گیاهی مضایقه ننماید.

و نیز فرمود: *يخرج في آخر أمتي المهدي يسقيه الله الغيث و تخرج الأرض نباتها و تعطي المال و تكثر الماشيه^۲.*

مهدی علیه السلام در آخر دوران امت من است. خداوند او و یاران و مردم زمان او را با باران‌های پیاپی سیراب می‌فرماید. زمین نیز همه روئیدنی‌های خود را آشکار می‌کند. مهدی علیه السلام ثروت را در اختیار مردم قرار میدهد. گوسفندان (دامداری) کثرت و برکت می‌یابد.

ط - انتظار ملازم با تقوی است :

امام ششم صادق آل محمد صلی الله علیه و آله چنین فرمود: *إن لنا دولة يجيئ الله بها اذا شاء. ثم قال: من سرّه أن يكون من أصحاب الامام فلينتظر و يعمل*

(۱) الزام الناصب: ص ۱۶۳ و بحار الانوار: ۵۱ / ۸۳ و ۹۷.

(۲) بحار الانوار: ۵۲ / ۳۱۵ و ج ۵۱ ص ۷۴ ح ۲۵.

بالورع و محاسن الأخلاق و هو منتظر^۱.

ما را حکومت و دوران ارزشمندی است که خداوند هرگاه اراده فرماید آن را فراهم خواهد آورد. سپس فرمود: هرکس دوست دارد از یاران امام مهدی باشد پس در حال انتظار باشد و باید که به ورع و زهد، و اخلاق فاضله عمل کند و در اینصورت است که منتظری راستین خواهد بود.

این بود خلاصه و فشرده‌ای از ترسیمات دوران ظهور حضرت بقیة الله علیه السلام و اصول کلی برنامه‌های او در تمام زمینه‌ها. رزقنا الله رؤیتة و صحبتة.

« مدت امامت »

دوران ظهور امامت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف از نظر امتداد زمانی نیز در روایات و اخبار اسلامی مطرح گردیده و با اینکه این جریان مربوط به آینده تاریخ است معهذا احادیثی در این زمینه در اختیار داریم که در برخی از آنها اشاره به این دارد که این مدت در سال‌های وتر (طاق) خواهد بود (فی وتر من السنین)^۲ و شاید اغلب آنها آن را مابین ۷ الی ۹ سال اعلام داشته‌اند^۳.

(۱) منتخب الاثر: ص ۴۹۷ ح ۹ به نقل از الغیبه نعمانی.

(۲) بحار الانوار: ۵۲ / ۲۹۱ و اسعاف الراغبین: ب ۲ ص ۱۴۰.

(۳) بحار الانوار: ۵۱ / ۷۸ و ۵۱ / ۸۴ و ۸۸ و ۹۶.

شاید این گمان پیش آید که آن همه اصلاحات، تحولات و پیشرفت‌های همه جانبه نیازمند به زمانی طولانی و دراز بوده و این مدت کوتاه جهت این همه تغییر و تکامل و دگرگونی اندک و کم باشد. لکن با تجرید ذهن از مسامحه‌ها، دفع الوقت‌ها، مضایقه‌ها و تضییق‌ها که امروزه در تحولات اجتماعی و اقدامات عمرانی می‌نگریم که بالبداهه برنامه‌های حضرت بقیه الله علیه السلام از اینگونه ممالله‌ها و امروز و فرداها منزّه و بدور است. و با ملاحظه روایت عبدالکریم خثعمی که گوید: به امام صادق عرض کردم: مدت حکمرانی امام عصر؟ امام پاسخ داد هفت سال که مطابق ۷۰ سال فعلی شما می‌باشد^۱.

و در پاره‌ای از روایات آمده است که مدت حکمرانی امام علیه السلام هفت سال است که هر سال آن معادل بیست سال شما می‌باشد^۲.

این گمان به کلی زائل خواهد شد - زیرا - محتمل است که مقصود این باشد: مدت امامت امام غایب هفت سال است که در هر سال معادل بیست سال شما که اصلاح و تحول ایجاد کنید خواهد بود^۳. نتیجه آنکه امام عصر علیه السلام در مدت ۷ سال معادل یکصد و چهل سال شما دنیا را با حکمت الهی خود گلستان خواهد نمود.

علامه صدر گوید: روایات وارده در این مبحث اختلاف دارند - ۵ سال - ۶ سال - ۷ سال - ۸ سال - ۹ سال - ۲۰ سال - ۴۰ سال - و روایات ۷

(۱) بحار الانوار: ۵۲ / ۲۹۱.

(۲) و (۳) المهدي آية الله صدر ص ۲۴۱ و ۲۴۲.

سال بیش از سایر روایات است . و ابن حجر عدد ۷ سال را قطعی داشته است .

و همو گوید : روایات ۷ سال بیشتر و مشهورتر است . و چنانچه همه این روایات صحیح باشند باید گفت : این اختلاف ، به اعتبار شدت و ضعف و قوت و ظهور دولت مهدی علیه السلام است - مثلاً ۴۰ سال به ملاحظه تمام دوران و ۷ سال به ملاحظه کمال قوت و توانمندی - و ۲۰ سال به اعتبار حد متوسط باشد .

سپس آیه الله صدر چنین گوید : و امکان دارد سبب اختلاف روایات آن بوده که پیشوایان دینی ما نخواسته اند تمام دوران حکومت امام زمان علیه السلام را آشکار کنند - چنانکه وقت ظهور او را نیز مخفی نگه داشته اند تا هم رازها و اسرار فاش نگردد و هم افراد منتظر ظهور همیشه در حال امید بوده و آرزوی دراز مدت ترین دوران ظهور آن حضرت را داشته باشند هر چند ترجیح با همان هفت سال می باشد !

کتاب دانستیهای

کتاب پیرامون حضرت مهدی «عج»^۱

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله أجمعين و لعنة الله على أعدائهم الى قيام يوم الدين .

بحث و مطلب در رابطه با امام زمان (عج) بسیار فراوان است و اصولاً شناخت امام زمان (عج) و آشنایی با ابعاد گوناگون آن بزرگوار با تعدادی از علوم ارتباط پیدا می‌کند و خویشاوندی دارد .

بنده در این گفتار بخشی از موضوعاتی را که در رابطه با امام زمان (عج) از اهمیت شایسته‌ای برخوردارند و مورد سؤال واقع می‌شوند عرضه میدارم و پیرامون آنها مطالبی تحقیقی تقدیم می‌نمایم .

۱ - مهدویت شخصیه و مهدویت نوعیه

در باب مهدویت عقیده مذهب شیعه این است که مهدویت خاصه صحیح و مقبول است و به تعبیر دیگر آنچه مورد پذیرش است مهدویت شخصیه است نه مهدویت نوعیه .

(۱) این مقال در سالنامه صبح وصال ویژه‌نامه ستاد بزرگداشت نیمه شعبان مسجد آیه‌الله انگجی تبریز سال ۱۴۱۸ هـ. ق ص ۳۰ الی ۳۶ درج و نشر گردیده است .

لکن بعضی از صوفیه و عرفاء قائل به مهدویت نوعیه بوده یا هستند به این معنا که عقیده دارند در هر عصری و دوره‌ای باید یک « مهدی » وجود داشته باشد که ویژگیها و خواص مهدویت و هادویت را داشته باشد و می‌گویند: هیچ عصری خالی از یک « مهدی هادی » نیست و ضرورتی هم ندارد که مشخص شود از نسل چه کسی است و چه خصائصی را دارا باشد^۱ این عقیده بعضی صوفیه و عرفاء است که البته از نظر ما نامفهوم بلکه مردود است. عقیده مبرهن و مستدلّ مذهب شیعه آن است که مهدویت، مهدویت شخصیّه است، یعنی یک فرد مهدی این امت است و موعود امّتها و ملّتها است و ابعاد و ویژگیهای او مشخص است. خانواده‌اش، پدر و مادرش، محلّ ولادت و غائب شدن و نشانه‌های ظهورش و حتی خصوصیات جسمی او و در یک کلام همه ابعاد مربوطه او اعلام شده است و با این مشخصات و ویژگیهای ذکر شده ما فقط یک « مهدی » داشته و یک « مهدی » را قبول داریم. آری یک فرد بعنوان « مهدی » است

(۱) در این رابطه به کتاب مولوی نامه تألیف مرحوم جلال‌الدین همائی (متوفای ۱۴۰۰ - ۱۳۱۷ ق) جلد دوم صفحات ۸۴۳ تا ۸۵۰ و ۸۹۷ تا ۹۰۱ مراجعه شود که این عقیده را به گروهی از عرفاء و صوفیه از جمله محیی‌الدین و مولوی نسبت داده و می‌گوید: این عقیده با مهدویت شخصیّه منافاتی ندارد زیرا همان گروه عارفان و صوفیان در عین حال به وجود امام عصر (عج) که همان مهدی موعود باشد نیز اعتقاد جازم دارند که در کلمات و تألیفات آنان موجود است. در کتاب یاد شده مهدی نوعی را به گونه‌ای تفسیر می‌نماید که با صرف نظر از مرحله ثبوت اما در مرحله اثبات، اگر اقامه برهان بر آن ممتنع نباشد لکن بسی مشکل است.

که واجد و جامع تمامی این خصائص و ویژگیها و نشانه‌ها است .
 برای آنکه مفهوم مهدویت نوعیه مقدراری روشن‌تر شود به اشعاری
 از مّلاّی رومی دربارهٔ امام حیّ غائب دقت کنید که می‌گوید : در هر
 دوره‌ای یک ولیّ وجود دارد . مّلاّی رومی می‌گوید :

پس به هر دوری ولیّی قائم است

تا قیامت آزمایش دائم است

هر که را خوی نکو باشد برست

هر کسی کو شیشه دل باشد شکست

پس امام حیّ قائم آن ولی است

خواه از نسل عمر ، خواه از علی است

مهدی و هادی وی است ای راه جو

هم نهان و هم نشسته پیش رو^۱

این که در ابیات بالا ملاحظه می‌نمائید مفاد مهدویت نوعیه است .
 ما قائل هستیم که این ادّعا هیچ دلیل و برهانی در مقام اثبات ندارد بلکه
 تمامی ادلّه مهدویت شخصیه و خاصّه به گونه‌ای است که هر نوع
 مهدویت دیگری را نفی می‌کند و مهدویت شخصیه خاصّه را با همان
 ابعاد و جزئیات و شرایط و صفات و علامات که بیان داشتیم اثبات
 می‌نماید . پس اگر در مطالعات و بررسی‌ها پیرامون امام زمان (عج) ،
 مهدویت نوعیه به بیان فوق یا هر بیان دیگر ارائه و مطرح شد باید توجه

(۱) مثنوی معنوی با تصحیح نیکلسون ، انتشارات امیر کبیر ، دفتر دوم صفحه ۲۳۹ .

داشت که این نظر و عقیده اصیل و پذیرفته شده شیعه امامیه نیست بلکه دیدگاه مذهب شیعه همان مهدویت خاصه شخصیه است که با آن خو گرفته ایم و با اعتقاد به آن تربیت شده ایم و به آن عقیده مندیم.

۲ - سخنی پیرامون معنای ظهور

مطلب دیگر که هر چند هنوز آن را مورد تحقیق تام و تتبع و کاوش قرار نداده ام لکن اصول و کلیت آن را عرضه میدارم اینست که: کلمه «ظهور» نوعاً به معنای ظهور شخص امام زمان (عج) مطرح می شود و مثلاً به همین معنی «عجل علی ظهورك» گفته می شود و البته این مسئله ای قطعی و غیر قابل انکار است لکن احتمال قوی و جدی دیگری هم وجود دارد که ظهور به معنای ظهور امر باشد نه ظهور شخص. البته ظهور کامل و تام امر، لازمه ظهور شخص است - یعنی تا شخص ظاهر نشود، امر امت بصورت تمام و کامل ظاهر نمی شود - ولی در عین حال میان این دو تفاوتی وجود دارد.

اصل این فکر و اندیشه از اینجا سرچشمه می گیرد که ظهور حداقل می تواند دو معنا داشته باشد^۱.

یکبار به معنای طلوع و آشکار شدن و پیدایش بعد از استتار بدینگونه که ظهور را نقطه مقابل خفاء بگیریم که نظارت مطلب بیشتر به ظهور

(۱) جهت کاوش و تحقیق بیشتر نگاه کنید به لسان العرب تألیف علامه ابن منظور (متوفای

۷۱۱ ق) انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم، جلد ۴ صفحات ۵۲۰ - ۵۲۹.

شخص می باشد - البته این قابل انکار نیست - و بار دیگر ظهور را از ماده و ریشه «ظَهْر» معنا کنیم که عبارت از تقویت و پشتوانه یافتن چیزی باشد که ما از آن تعبیر به پیروزی و حاکمیت مقتدرانه می نمائیم و در این برداشت و نظر مطالب دیگری به ذهن می رسد و نتایج دیگری بدست می آید .

در این بحث توجه به مشتقات لفظی لغت ظهور، مفید مطالب ارزشمندی است که می توان از آن کمک گرفت، در قرآن مبارک، یکجا می فرماید: «و لو كان بعضهم لبعض ظهيرا»^۱ یعنی هیچکس نمی تواند مثل این قرآن بیاورد هر چند جن و انس با هم جمع شوند و بعضی پشتوانه بعضی دیگر شوند و به تقویت همدیگر برخیزند. این از «ظهر» به معنای کمر و پشت است که استقامت انسان به کمر و پشت اوست و این کاربرد در آیه شریفه کنایه از متراکم کردن نیروها است. از مشتقات دیگر هم مواردی در قرآن داریم مانند: «و ظهر أمر الله وهم كارهون»^۲ که در این آیه شریفه ظهور را صفت شخص نگرفته بلکه صفت امر گرفته است و در موارد خاصه در مورد امام زمان (عج) هم این موضوع دیده می شود. همچنین در آیه کریمه «ليظهره على الدين كله ولو كره المشركون»^۳ یا «و لو كره الكافرون»^۴ در اینجا «ليظهره» به معنای پیداش بعد از خفاء نیست بلکه به معنای پیروزی و چیره شدن است و لذا با «على» متعدی می شود تا پیروزی معنی دهد و غلبه و سلطه و قدرت را بر احياء دین

(۲) سوره توبه، آیه ۴۸.

(۱) سوره اسراء، آیه ۸۸.

(۴) سوره صف، آیه ۹.

(۳) سوره توبه، آیه ۳۳.

افاده کند هر چند کافران و مشرکان را خوش آیند نباشد .

در دعای افتتاح - در شبهای ماه مبارک رمضان - می خوانیم : « أَظْهَرَ بِه دینک و سنّة نبیک » که این جمله را هر چند می توان بدین سان معنی و تفسیر کرد که پروردگارا بوسیله امام زمان (عج) دینت را آشکار کن اما با در نظر گرفتن مجموع مشتقات می توان به این گونه تفسیر و معنا کرد که دینت را تقویت کن و سایه افکن فرما . و نیز در بعض ادعیه و زیارات « ظهور الفرج علی یدیک » داریم که ظهور به فرج و نصرت امر توجه و ارتباط دارد نه به شخص . البته باید در این مورد بحث و سיעتری انجام گیرد . بنابراین معنایی که بیان کردیم می شود عصر ظهور را به عصر پیروزی و سلطه اسلام تعبیر نمود . از این بحث می توان نتیجه گرفت که اگر ظهور را صفت شخص بگیریم ، تمام آیات و روایات و ادعیه و زیارات و مناجاتهایی که در آنها واژه ظهور بکار رفته و استعمال شده است تحقق نیافته و معنی پیدا نمی کنند مگر با ظهور شخص امام زمان (عج) . زیرا ظهور به معنای پیدایش بعد از استتار و خفاء استعمال شده است ، اما اگر ظهور را به معنای پیروزی و سلطه اسلام تعبیر نمائیم حتی ممکن است این پیروزی - البته تا حدودی - قبل از ظهور امام زمان (عج) نیز حاصل شود لکن نه به گونه ای که مستغنی از ظهور آن حضرت باشیم ، هرگز . اما به صورت منطقه ای و محدود می شود این ادعا را بیان کرد . الآن همه می دانیم و می بینیم و عقیده فقهی - سیاسی ما اینست که اکنون در ایران اسلامی ما نمی توانیم احکام دوران غیبت امام زمان (عج) را بصورت مطلق - آنچنان که در ایران قبل از انقلاب معتقد بودیم - ادعا کنیم . زیرا آنگونه که بیان شد

امروز حکومت ایران اسلامی در ظل و سایه حکومت الهی ولی عصر (عج) برپا و تشکیل شده و استقرار یافته است. برای توضیح این ادعا و مطلب مواردی را بیان می‌نمائیم:

الف) از مطالعه و سیر در احکام ایام ظهور امام زمان (عج) این نتیجه بدست می‌آید که آن حضرت در باب قضاوت به علم خود عمل می‌کنند و از کسی طلب شاهد و بیّنه نمی‌نمایند و کسی را سوگند و قسم نمی‌دهند. در روایات آمده است که امام زمان (عج) حکم به نحوه حکم و قضاوت داود پیامبر می‌نمایند و مانند آن پیامبر الهی عمل می‌کنند^۱ امروز ما می‌نگریم که در قوانین قضائی اسلامی کشور ما که در مرحله عمل و اجرا حاکم هستند و مصوّب مجلس شورای اسلامی بوده و به تأیید فقهای محترم شورای نگهبان رسیده است علم حاکم حجت دانسته شده است، قاضی ملزم نیست که به شهادت شاهد و قسم، عمل نماید. اصلاً ما عمل به شهادت شاهد و قسم را بسیار بسیار کم داریم زیرا هم شاهد عادل - به معنای خاص کلمه - به آسانی یافت نمی‌شود و هم سوگند و قسم صادق به آسانی جاری نمی‌گردد و اگر بنا بود ما فقط باب قضاوت را به شاهد‌ها و قسم و سوگندهای امروزی محدود و منحصر

۱) عن حریر: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: «لن تذهب الدنيا حتى يخرج رجل منا أهل البيت يحكم بحكم داود ولا يسئل الناس بيّنه» بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم، صفحه ۲۵۹، باب ۱۵، حدیث ۴. همچنین نگاه کنید به روایات شماره ۱ و ۲ و ۵ از همین باب.

بدانیم همه چیز دگرگون بلکه متلاشی می شد و واقعاً باید اذعان داشت که یکی از اعجازهای قضائی اسلام، حریت عمل حاکم است که بر اساس علم و آگاهی کامل او صورت می گیرد. البته مسئله ابعاد دیگری هم دارد که فعلاً مجال بحث آنها نیست. بهر حال این در محدوده خود رشحهای از ظهور امام زمان (عج) البته نه به معنای ظهور فیزیکی و شخصی بلکه به معنای ظهور امر آن حضرت است.

ب) نمونه دیگر مسئله زمینها است. با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و حاکمیت جمهوری اسلامی مقرر شد که تمام اراضی در اختیار دولت اسلامی قرار گیرد و تمامی زمینها در اختیار حاکم اسلامی باشد و کسی نتواند بدون اذن دولت اسلامی در اراضی تصرف نماید. این مطلب، مصوبه شورای انقلاب بوده و تا الان مورد عمل می باشد. این نیز نشانه و دلیلی است که حکومت اسلامی ما در زیر سایه حکومت امام زمان (عج) است که اینک بوسیله ولی فقیه اداره و سرپرستی می شود.

ما می نگریم که بعد از استقرار حاکمیت ولی عصر (عج) واگذاری زمینها در اختیار آن حضرت است و ایشان به هر کس زمین واگذار نمود درست و قابل قبول است. در روایات متعددی وارد شده که معصوم علیه السلام می فرماید: «الأرض کلها لنا»^۱ یعنی همه زمینها ملک و مال ماست.

(۱) عن الباقر علیه السلام: «وجدنا في كتاب علي علیه السلام: «أنا و أهل بيتي الذين أورثنا الله الأرض و

نحن المتقون والأرض كلها لنا» میزان الحکمه، چاپ دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ج ۱،

ص ۹۴، حدیث ۴۷۲ به نقل از بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۵۸.

پس امروز مقررات و قوانین جمهوری اسلامی بر این نظارت دارد که این حکومت در سایه حکومت امام زمان (عج) است و به همین دلیل تمام زمینها در اختیار دولت اسلامی است آنچنانکه مفاد روایات بر این مطلب در زمان حکومت امام زمان (عج) دلالت و نظارت دارد.

ج) نمونه دیگر اقامه نماز جمعه در جمهوری اسلامی است که اکنون انجام می شود و می باید امام جمعه از سوی ولی فقیه منصوب شود که ولی فقیه خود نیز منصوب از سوی امام عصر (عج) ارواحنا فداه است و نیز وجود و ظهور ارگانها و نهادهایی که بعد از انقلاب اسلامی تأسیس شده اند و احیاناً بعضی از آنها و فلسفه وجودی و کاری آنها را که بررسی کنید و در نظر بگیرید و با متون مذهبی و اخبار و روایات زمان ظهور بررسی و ملاحظه نمائید، می بینید الان در ایران اسلامی معامله ظهور حضرت مهدی (عج) جاری است هر چند که آن حضرت هنوز ظهور شخصی و فیزیکی پیدا نکرده اند. این مطلب موید این مدعا است که ظهور در اینجا به معنای قدرت و پیروزی و حاکمیت اسلام است. پیروزی اسلام انقلابی و پویا که رهبری آن در عصر حاضر از سوی حضرت صاحب الامر (عج) به ولی امر و گذار گردیده است.

۳ - انقلاب اسلامی نموداری از ظهور امام زمان (عج)

هنگامی که امام عصر (عج) ظاهر می شود، بدیهی است که ایشان در یک نقطه متمرکز هستند و در بلاد و مناطق دیگر که حضور ندارند والی

معین و اعزام می نمایند همانگونه که امیرالمؤمنین علی علیه السلام در دوران خلافت خود مالک اشتر را به ولایت مصر، ابن عباس را به ولایت بصره و اصحاب و بزرگان دیگری از برجستگان یارانش را به حکومت دیگر بلاد تعیین فرموده بود. امام زمان (عج) نیز برای مناطق اسلامی حاکم معین می فرماید. الان نیز شما ملاحظه می فرمائید در بخشی از اراضی اسلامی، امام عصر (عج) نماینده تعیین فرموده است. یعنی حاکمی که اجازه حکومت از طرف امام زمان (عج) دارد زمینه برایش مهیا و فراهم شده و حکومت اسلامی تشکیل داده است. بدین جهت ما امروز با اینکه مدعی نیستیم که تمامی احکام زمان حکومت ولی عصر (عج) را پیاده کرده ایم اما حکومت اسلامی خود را مرحله‌ای از ظهور به معنای تدریجی آن می دانیم یعنی حاکمیت تدریجی اسلام و احکام نورانی آن بخشی و رشحه‌ای از ظهور امر حضرت مهدی (عج) است، هر چند هنوز ظهور شخص ایشان، واقع نشده است.

۴ - امام زمان (عج) چه وقت ظهور می نماید؟

موضوع و نکته دیگری که احیاناً در قالب سؤال مطرح می شود اینست که دنیا اکنون پر از جور و ستم است پس چرا امام زمان (عج) بنا به مفاد روایت معروف و مشهور « یملأ الأرض قسطاً و عدلاً بعدما ملئت ظلماً و جوراً »^۱ ظهور نمی کند؟

(۱) از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که در رابطه با امام زمان (عج) فرمودند: « یملأ الله »

در رابطه با این مسئله باید گفت: اولاً چه کسی گفته امروز دنیا پر از ستم و ظلم است و اصولاً تشخیص این مطلب که دنیا پر از ظلم و ستم شده یا خیر با چه کسی است؟ گذشته از این بعضی محققین می‌گویند: منظور، «ملت ظلماً و جوراً» پر شدن دنیا از ظلم و جور نیست، بلکه منظور و مراد سیطره و چیرگی ظلم و ستم و فراگیری جور است، به گونه‌ای که مجال و گریزی برای رهایی از آن نباشد. مثلاً در نظر بگیرید امروز را که نظم نوین جهانی آمریکا مطرح است و می‌نگریم که پس از فروپاشی شوروی سابق، آمریکای جهان‌خوار به دنبال سایه‌گستری بر بلاد و ممالک مختلف است و کشورهای دنیا اعم از صنعتی مانند ژاپن و چین و دیگر ممالک را نظیر کُره و کوبا و غیر آن تحت فشار قرار داده تا حاکمیت ظالمانه خود را گسترش و توسعه دهد. ولی در هر حال باید توجه داشت که به تعبیر علمی هیچگونه علیتی فی‌مابین پر شدن دنیا از ظلم و جور و یا سیطره ظلم و جور بر دنیا و ظهور امام زمان (عج) وجود ندارد که بگوییم بلافاصله و آن‌ا امام زمان باید در این شرایط ظهور فرماید. توضیح مطلبی را در اینجا مفید و ضروری می‌دانیم و آن اینکه روایات وارده در این بحث و مقام دو دسته هستند.

«الأرض قسطاً و عدلاً و نوراً بعدما تملأ ظلماً و جوراً و سوءاً» اثبات الهداة، ج ۳، حدیث ۲۶۸ و سنن ابی داود، ج ۴، ص ۱۰۷ و کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۶۴. همچنین اصبح ابن نباته به نقل کمال الدین، ج ۱، ص ۲۵۹ حدیث ۵، روایت می‌کند که فرمودند... «یملأ الله عزوجل به الأرض نوراً بعد ظلمتها و عدلاً بعد جورها علماً بعد جهلها».

الف) دسته‌ای از روایات می‌فرمایند: « یملاً الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً »^۱ که این حرف « کاف » به گفته بزرگان ادبیات زبان عرب یا برای تشبیه است یا برای مقابله . یعنی امام زمان (عج) دنیا را از عدل و داد پر می‌کند آنچنانکه از ظلم و ستم پر شده باشد یا در مقابل آنکه دنیا مملوّ و سرشار از جور و ستم است آن را پر از عدل و داد می‌نماید . ملاحظه می‌فرمایید که در این تعبیر و بیان ، سخن از مقابله بین ظلم و عدل و یا شباهت میان پر شدن زمین از عدالت است بگونه‌ای که از جور و ستم پر شده باشد و سخنی از تاریخ سپری شدن ظلم و جور و جایگزینی عدل و داد به میان نیامده است .

ب) در برخی دیگر از روایات چنین آمده است که : « یملاء الأرض قسطاً و عدلاً و نوراً بعدما ملئت ظلماً و جوراً »^۲ یعنی بعد از آنکه دنیا از ظلم و جور پر شد امام زمان (عج) تشریف می‌آورد و آنرا از عدل و داد سرشار و لبریز می‌نماید ، اما مقدار این فاصله و اندازه آن مشخص نشده است . پس باید این شبهه از اذهان بیرون بیاید که تا دنیا از ظلم و ستم پر شد باید حتماً امام زمان (عج) ظهور کند ، زیرا امکان آن هست که آن

(۱) عن النبي ﷺ : « لو لم يبق من الدنيا إلا يوم لطول الله ذلك اليوم حتى يأتي رجل من عترتي اسمه اسمي ، يملأ الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً » ينابيع المودة ، ص ۴۲۶ و همچنین کمال الدین و تمام النعمة ج ۱ ، ص ۲۸۰ ، حدیث ۲۷ و مصادر فراوان دیگر .

(۲) جهت کاوش و تحقیق بیشتر نگاه کنید به لسان العرب تألیف علامه ابن منظور (متوفای ۷۱۱ ق) انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم ، جلد ۴ صفحات ۵۲۰ - ۵۲۹ .

مدّت زمان و فاصله بنا به حکمتها و مصالحی به درازا بکشد و این نباید برای کسی جای نگرانی و یا افسردگی باشد .

۵- آیا ذکر نام امام زمان (عج) بطور صریح جائز است ؟

یک مسئله دیگر اینست که آیا در این زمان ذکر اسم امام زمان (عج) بطور صریح و مشخص ، جائز است یا خیر؟ در بعضی روایات وارد شده که نباید صریحاً اسم امام زمان (عج) را بیان کنیم ، بلکه باید بگوئیم (م ح م د) . در روایتی آمده است : « لا یحلّ لکم ذکره باسمه ^۱ » بنابراین اصلاً ذکر نام حضرت مباح نیست . بعضی از اعظام و علمای دین مستقلاً در این موضوع کتاب نوشته اند ^۲ . شیخ حرّ عاملی در این مسئله کتاب مستقّلی تألیف نموده است ^۳ . مرحوم میر داماد کتاب مستقّلی در این مسئله بنام *شیرعة التسمیة تألیف و بر حرمت ذکر نام اصلی امام زمان (عج) استدلال*

(۱) روایت از امام حسن عسکری علیه السلام در کتاب شریف کافی ، ج ۱ ، ص ۳۳۲ ، همچنین کمال الدین صدوق ، ج ۲ ، باب ۵۶ ، ص ۶۴۸ نقل شده است . همچنین در کمال الدین ، ج ۲ ، ص ۳۳۳ ، باب ۳۳ ، حدیث ۱ و از امام صادق علیه السلام روایتی نقل شده که پیرامون حضرت مهدی (عج) فرمودند : « یغیب عنکم شخصه و لا یحلّ لکم تسمیته » .

(۲) مرحوم علامه شیخ آقابزرگ طهرانی (۱۲۸۹ - ۱۳۹۳ ق) در کتاب ارزشمند الذریعه الی تصانیف الشیعه از حدود ده کتاب و رساله در این خصوص یاد نموده است .

(۳) علامه محقق شیخ محمد بن الحسن الحرّ عاملی متوفای ۱۱۰۴ ق کتابی بنام کشف التعمیة فی حکم التسمیة نوشته که در واقع جواب رساله میر داماد است و در آن جواز تسمیه را اثبات کرده است .

کرده است^۱.

شیخ صدوق^۲ که متخصص و استاد جمع روایات مربوط به امام زمان (عج) است در کمال الدین می فرماید: والذي أذهب اليه ماروی في النهي من التسمية^۳ در رابطه با فتوی به حرمت ذکر نام صریح امام زمان (عج)، معتقدان به این رأی چون شیخ صدوق، شیخ مفید، شیخ طبرسی، سید اسماعیل عقیلی مؤلف کفاية الموحدين، میر داماد، علامه مجلسی، محدث نوری، ... هر کدام به گونه ای حرمت را فتوی داده و آن را به زمان خاص و یا با شرائط مخصوص مقید نموده و برداشتهای گوناگونی از روایات مربوطه نموده اند که می توان با مراجعه به کتاب نفیس مکیال المکارم^۴ جلد دوم، صفحات ۱۰۹ الی ۱۳۶، نجم الثاقب^۵ تألیف

- (۱) سید محمد باقر حسینی استرآبادی مشهور به میر داماد متوفای ۱۰۴۱ ق کتابی بنام شرعة التسمية به سال ۱۰۲۰ ق تألیف نموده و در آن بیست روایت را که به نظری دلالت بر حرمت ذکر نام امام زمان (عج) دارند بیان نموده است. صاحب کفاية المهتدي که بر میر داماد تلمذ نموده می نویسد: مدتی فیما بین میر داماد و شیخ بهایی علیهما الرحمة بر سر جواز تسمیه و حرمت آن در زمان غیبت مناظره روی نمود و لهذا میر داماد کتاب مذکور را تألیف نمود.
- (۲) ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی معروف به شیخ صدوق، متوفای ۳۸۱ ق.
- (۳) کمال الدین و تمام النعمة، چاپ مکتبه صدوق، ص ۳۰۷.
- (۴) مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم تألیف علامه بزرگوار میرزا محمد تقی موسوی اصفهانی (قدس سره الشریف) ۱۳۴۸ - ۱۳۰۱ ق.
- (۵) النجم الثاقب فی أحوال الامام الغائب تألیف، محدث عظیم الشأن میرزا حسین نوری طبرسی رحمته الله ۱۲۵۴ - ۱۳۲۰ ق.

محدث نوری و دیگر مصادر مربوطه از مشروح مباحث و مطالب آگاهی حاصل نمود. لکن الان قول دیگری حاکم است و آن اینکه هیچیک از مراجع معظم تقلید ما ذکر نام امام زمان (عج) را حرام نمی‌دانند زیرا روایاتی را که در این خصوص صادر شده ناظر به زمان تقیّه می‌دانند و استدلال می‌نمایند که در روایات مربوطه به امام زمان (عج) بیان شده که نام آن حضرت، نام پیامبر، و کنیه‌اش، کنیه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. خوب وقتی بنا باشد کنیه پیامبر درباره ایشان علناً مطرح باشد نام پیامبر نیز علناً در مورد ایشان مطرح می‌شود. این زمینه‌ای می‌شد برای اینکه دشمنان حضرت مهدی را شناسایی کرده و جان ایشان را مورد خطر و تهدید قرار دهند و این مربوط به زمان تقیّه و خطر بوده است. پس توجه می‌شود که این مسئله از آن مسائلی است که به تعبیر امام راحل رَحِمَهُ اللهُ شرایط زمان و مکان به عنوان عناصر مؤثری در اجتهاد دخالت دارد و تأثیر می‌گذارد. برداشت و استنباط فقهای ما اینست که این روایات به زمان تقیّه نظارت دارد یعنی زمانی که خلفای عباسی به شدت هرچه تمامتر از همه احتمالات و اخبار برای ردیابی جهت امام زمان استفاده می‌کردند بنابراین «حرمت مادامی» است یعنی مادامی که تقیّه حاکم بوده است ذکر نام صریح امام عَلَيْهِ السَّلَام حرام بوده است. اما وقتی تقیّه مرتفع شد حرمت هم مرتفع می‌شود.

(۱) صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۹۸، حضرت امام رَحِمَهُ اللهُ می‌فرمایند: زمان و مکان دو عنصر تعیین کننده در اجتهادند.

در این میان برخی از بزرگان، بین دو قول مطرح در این مسئله جمع کرده‌اند و گفته‌اند به استناد بعضی از روایات ذکر نام صریح حضرت (عج) در ملاء عام و محافل و مجالس جائز نیست اما در غیر این موارد، بیان نام امام زمان (عج) اشکال ندارد. کما اینکه شیخ مفید در ارشاد^۱ و محدث نوری در النجم الثاقب^۲ و شیخ صدوق در اعتقادات^۳ نام شریف آن حضرت را ذکر کرده‌اند و چنانکه گفته شد تفصیل و تشریح موضوع را باید از مدارک و مصادر خاصه بدست آورد.

۶ - قیام برای نام امام زمان (عج)

مسئله دیگر این است که آیا وقتی نام امام زمان (عج) برده می‌شود، قیام برای نام ایشان واجب است یا واجب نیست؟ مدرکی که برای این مسئله وجود دارد یکی روایتی است مشتمل بر داستان سفر دعبل بن علی خزاعی به خراسان و تشرّف وی به محضر حضرت رضا علیه السلام که دعبل در آنجا قصیده‌ای را که برای ائمه اطهار سروده خدمت حضرت رضا علیه السلام مطرح می‌کند تا آنجا که در اشعار خود به نام حضرت صاحب الامر (عج) می‌رسد، امام هشتم با شنیدن نام مبارک حضرت صاحب

(۱) الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، محمد بن نعمان معروف به شیخ مفید رحمته الله ۴۱۳.

۳۳۶ ق، ج ۲، صص ۳ - ۳۴۲. (۲) النجم الثاقب صفحه ۵۸.

(۳) شیخ صدوق در کتاب اعتقادات صفحات ۹۳ - ۹۵ چنین می‌فرماید: و نعتقد حجة الله فی أرضه و خلیفته علی عباده و هو القائم المنتظر، محمد بن الحسن بن علی بن محمد....

الامر (عج) از جای برخاسته قیام می فرماید و دست بر روی سر گذارده و می فرماید: «اللهم عجل فرجه و سهّل مخرجه»^۱ چنانکه در روایت دیگری نیز چنین آمده است که روزی در محضر حضرت صادق علیه السلام نام حضرت صاحب الامر (عج) برده شد امام ششم بمنظور تعظیم و احترام نام آن حضرت از جای برخاسته قیام فرمود^۲.

بدیهی است عملکرد دو امام بزرگوار حضرت صادق و حضرت رضا علیه السلام برای همیشه سند و حجّت بوده و حدّ اقل مراتب آن اثبات استحباب شرعی است و چنانچه در سند روایت ضعیفی وجود داشته باشد لکن:

اولاً: می توان سیره مستمره شیعه را که از سوی علماء اعلام و جامعه مؤمنین همیشه وجود داشته است جبران کننده این ضعف اصطلاحی دانست.

ثانیاً: طبق قاعده علمی متداول میان فقها و اصولیان، این مورد را در کلیت روایات (من بلغ) قرار داد. توضیح مطلب آنکه چنانچه سند و

(۱) منتخب الاثر، چاپ سوم، ص ۵۰۶ و ۵۰۸ به نقل از کتاب مرآة الكمال علامة مامقانی و کتاب الزام الناصب، تألیف شیخ علی یزدی حائری و کتاب النجم الثاقب تألیف محدث نوری.

(۲) مکیال المکارم، ج ۲، صص ۱۷۱ - ۱۷۲ به نقل از النجم الثاقب محدث نوری ص ۵۲۳ و خود نویسنده دانشمند کتاب مکیال المکارم گوید: سیره و روش مذهب شیعه دوازده امامی بر این سنت حسنه جاری است.

روایت یک مسئله مستحب و یا مکروه ثابت و مستند و واجد شرائط حجیت باشد، که در این صورت عمل نخست را به عنوان یک موضوع مستحب و شرعی قطعی می‌توان بجا آورد و عمل دوم را بعنوان یک مکروه قطعی شرعی ترک نمود. اما در جایی که سند روایتی دارای ضعف باشد و برخوردار از شرائط حجیت خبر نباشد در این صورت با پشتوانه اخبار و روایات متعددی که می‌گویند: من بلغه شیء من الثواب... یعنی هرکسی که ثوابی را بر عملی مطلع شد و به امید آن ثواب عمل مورد نظر را انجام داد البته ثواب و اجر آن عمل را خواهد دید هر چند سند آن عمل واقعاً از طرف پیامبر ﷺ یا ائمه اطهار علیهم السلام صادر نگردیده باشد، به مفاد آن عمل می‌کنیم^۱. البته تفاوت این موارد با استحباب و کراهت قطعی الصدور آن است که در اینجا باید عمل مورد بحث را به قصد رجاء و امید اینکه شرعاً مطلوب است انجام داد نه بعنوان یک مستحب قطعی و عمل مکروه را به قصد رجاء و امید اینکه مورد کراهت شارع اسلام است ترک نمود نه به نیت یک مکروه قطعی.

حال آیا استحباب برخاستن به هنگام شنیدن نام مبارک امام عصر (عج) شامل هر کدام از نامهای آن حضرت است و یا منحصر به کلمه «قائم آل محمد» است این نیز مورد بحث و گفتگو میان بزرگان علم و دین است که با مراجعه به مصادر مربوطه روشن و استفاده می‌گردد.

(۱) مراجعه شود به کتب علم اصول، مانند رسائل شیخ انصاری ۱۲۱۴ - ۱۲۸۱ ق و... و

کتب روایات مانند بحار الانوار، و رسائل الشیعه و... .

۷ - آیا امام زمان (عج) همسر و فرزند دارد؟

مطلب دیگر که احیاناً مطرح می‌شود اینست که آیا امام زمان (عج) زن و فرزند دارد یا خیر؟ و البته در اطراف این سؤال هم پرسشهای دیگری مطرح است که اگر امام ازدواج نکرده چگونه سنت پیامبر را ترک نموده؟ و اگر ازدواج کرده آیا اولاد دارد یا خیر؟ و اگر اولاد ندارد آیا همسر ایشان نازاست یا خیر؟ و اگر اولاد دارد آنها کجا هستند؟ و اگر فوت کرده‌اند کی و کجا بوده و اگر زنده‌اند آیا آنها نیز همانند خود حضرت طول عمر دارند یا خیر؟ و سؤالهای پیوسته و سلسله‌واری که در این خصوص مطرح می‌شود. لکن حق مطلب این است که هیچ دلیلی بر همسر و اولاد داشتن امام زمان نیست بلکه احیاناً دلیل بر نفی آن هم در شرایط فعلی وجود دارد.

اما در رابطه با اینکه ازدواج، سنت نبوی ﷺ است به احتمال عقلی دو مسئله مطرح است: یکی اینکه بگوییم ازدواج فی نفسه سنتی است از سنن پیامبر، هر چند هیچ مسئله‌ای هم بدنبال آن نباشد «ان من سنتی النکاح»^۱ ولی معلوم نیست که این صورت صحیح باشد لذا احتمال دوم مطرح می‌گردد زیرا روایات دیگری ناظر بر این هستند که انسان ازدواج کند و بچه‌دار شود تا نسل مبارک اسلام فزونی یافته و زیاد شود «تثقل الأرض بلا إله إلا الله»^۲ که البته این که در این روایات آمده چیز

(۱) مکارم الاخلاق، تألیف شیخ جلیل حسن بن الفضل الطبرسی از اعلام قرن ششم هجری،

انتشارات اعلمی، لبنان، صفحه ۱۹۶. (۲) مدرک قبل، ص ۱۹۶.

واجبی نیست زیرا اگر ضرورت جامعه اسلامی و نیازهای قطعی عالم ایجاب می‌کند که امام زمان (عج) تنها زندگی کند دیگر عنوان سنت، پیامبر به هر معنا باشد - هر چند به صورت مقطعی - منتفی خواهد بود و بحث اهمّ و مهمّ مطرح است که سنت پیامبر برای مصالح عامّه و جامعه اسلامی ترک شده و این اشکال ندارد. البته بحث ما در وجود همسر و فرزندان بر امام (عج) قبل از ظهور است و گرنه ما بر وجود همسر و فرزند برای حضرت صاحب الامر (عج) بعد از ظهور دلائلی داریم.

برای این ادعا که امام زمان (عج) قبل از ظهور همسر و فرزندان دارد و به روایتی استدلال شده که مرحوم شیخ طوسی^۱ در کتاب بسیار نفیس و ارزشمند خود بنام الغیبه آن را ذکر نموده است. این روایت از حضرت صادق علیه السلام نقل شده است که ایشان فرمودند: مطلع نیست بر مکان امام زمان در ایام غیبت هیچکس نه از اولاد امام و نه غیر اولاد مگر غلامی که متصدی کارهای آن حضرت است و فقط او از محلّ امام مطلع است^۲.

(۱) شیخ الطائفه ابو جعفر محمد بن الحسن الطوسی، ۴۶۰ - ۳۸۵ ق.

(۲) عن المفضل بن عمر قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام «إنّ لصاحب هذا الأمر غيبتين، أحدهما تطول حتى يقول بعضهم مات و يقول بعضهم قتل و يقول بعضهم ذهب، حتى لا يبقى على أمره من أصحابه إلا نفر يسير، لا يطلع على موضعه أحد من ولده و لا غيره إلا المولى الذي يلي أمره. كتاب الغيبة شيخ طوسی صص ۱۶۱ و ۱۶۲، و نیز بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۲، ص ۱۵۳.

به این روایت استدلال شده که امام صادق علیه السلام فرمودند: « لا یطلع علی موضعه أحد من ولده و لا غیره » ، پس معلوم می شود که امام زمان اولاد دارد و وقتی فرزند داشت قطعاً همسر هم دارد . لکن مرحوم نعمانی^۱ که از اجله علمای اسلام است در کتاب الغیبه خود روایت را « من ولیّ »^۲ نقل کرده نه « من ولد » یعنی هیچکس نه دوست نه ، غیر دوست بر جایگاه امام زمان (عج) مطلع نیست مگر آن خدمتکاری که متصدی کارهای آن حضرت است .

با این نقلی که مرحوم نعمانی ذکر فرموده نمی توان به نقل شیخ طوسی استدلال کرد زیرا « اذا جاء الاحتمال بطل الاستدلال » و به نظر می آید کلمه « ولیّ » هم بهتر است چون با کلمه « مولی » که در انتهای روایت آمده انطباق است و سازگارتر .

مرحوم سید ابن طاووس رحمته الله در کتابی بنام جمال الاسبوع که جمع آوری و تدوین فرموده و اعمال هفته را از شنبه تا جمعه با مستحبات و زیارات و اعمال ذکر نموده از حضرت رضا علیه السلام زیارتی نقل می کند که فرموده است : این زیارت را برای امام زمان (عج) بخوانید . در فقره ای از این زیارت چنین آمده است :

(۱) الشیخ الاجل محمد بن ابراهیم بن جعفر النعمانی از اکابر علمای امامیه در قرن سوم هجری .

(۲) « ... لا یطلع علی موضعه أحد من ولیّ و لا غیره إلا المولی الذی یلی امره » کتاب الغیبه ،

« اللهم اعطه في نفسه و أهله و ولده و ذریته و أمته و جمیع رعیتہ ماتقرّ عینه و تسرّ به نفسه ... »^۱، (خدایا به امام زمان (عج) در مورد خودش، خانواده و اولادش، و ذریه و امت و رعایایش آنقدر عطا فرما که چشمش روشن و دلش شادمان گردد). ملاحظه می فرمایید بنابراین زیارت امام زمان (عج)، نه فقط اولاد بلکه ذریه یعنی نوه و غیر آنها هم دارد. اما به این زیارت نامه دو اشکال وارد شده است. یکی اشکال سندی که سندش ضعیف است و از اعتبار کافی برخوردار نیست و دیگر اینکه نظارتی به این مطلب که اهل و ذریه آن حضرت مربوط به دوران غیبت باشند ندارد، بلکه شاید مربوط به دوران ظهور و حضور آن بزرگوار باشند.

همچنین سید ابن طاووس^۲ از امام هشتم علیه السلام زیارت دیگری برای امام زمان (عج) نقل کرده که در فقره‌ای از آن چنین آمده است: « اللهم صلّ علی ولاة عهده و الائمة من ولده »^۳ اما باید توجه داشت در این مورد نیز دو نقل وجود دارد: یکی « الائمة من ولده » و دیگری « الائمة من بعده » و چون دو نقل محتمل هستند به هیچکدام نمی توان استدلال برمدعا کرد. البته ما می دانیم که بعد از امام زمان (عج) ائمه‌ای وجود ندارد، حال یا فقها، یعنی نواب عامّ امام زمان منظور هستند که دارای مقام ولایت

(۱) مکیال المکارم، ج ۲، ص ۷۳ به نقل از جمال الاسبوع سید ابن طاووس ص ۵۰۶.

(۲) رضی الدین ابوالقاسم علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن طاووس الحسنی الحسینی معروف به ابن طاووس متوفای ۶۶۴ ق.

(۳) مکیال المکارم، ج ۲، ص ۷۶ به نقل از کتاب جمال الاسبوع.

می باشند به قرینه کلمه « ولایة عهده » یا مطلب دیگری مورد نظر است .
 لکن بهر حال با وجود دو نقل ، نمی توان به طور قطع به هیچکدام استدلال
 و استناد کرد .

در کتاب بحار الانوار علامه مجلسی رحمته الله^۱ روایتی از امام صادق علیه السلام
 درباره حضرت صاحب الامر (عج) نقل می کند که فرمودند : « کأني أرى
 نزول القائم في مسجد السهلة بأهله و عياله »^۲ این روایت هم سیواى اشکال
 سندى^۳ نظارت به تشریف فرمایی و ظهور حضرت دارد چون نزول در
 مسجد سهله را بیان می فرماید ، بنابراین نمی توان از آن دلالت بر زمان
 غیبت را برداشت کرد .

(۱) علامه منتبّع مولی محمد باقر مجلسی رحمته الله متوفای ۱۱۱۰ ق .

(۲) بحار الانوار ، ج ۵۲ ، ص ۳۱۷ .

(۳) سند این روایت بدینگونه است : بالاسناد عن الصدوق عن محمد بن علي بن المفضل عن
 أحمد بن محمد بن عمّار عن أبيه عن حمدان القلانسي عن محمد بن جمهور عن مريم بن
 عبدالله عن أبي بصير عن أبي عبدالله عليه السلام أنه قال : « يا أبا محمد كأي أرى نزول القائم في
 مسجد السهلة بأهله و عياله » . قلت : يكون منزله ؟ قال : « نعم ... » .

در این سلسله سند بعضی رواة همچون حمدان قلانسى و محمد بن عمار توثیق
 نشده اند و بعضی دیگر همچون محمد بن علی بن المفضل مجهول و مهمل هستند .
 محمد بن جمهور نیز شدیداً ضعیف است و اشکالات دیگر . مگر آنکه بگوئیم لزوم شرط
 حجیت خبر واحد مخصوص به اخبار مشتمل بر احکام فقهیه است و در غیر احکام معیار
 و موازین دیگری مورد توجه و نظر باشد که تفضیل این بحث از حوصله نوشتار خارج است .

روایت دیگری که بسیار جالب است مسعودی^۱ که شیعیان و سنیان قبولش دارند، آن را نقل کرده چنین است، که می گوید: علی بن حمزه و ابن السراج و ابن ابی سعید خدمت حضرت رضا علیه السلام مشرف شدند. علی بن حمزه می گوید: عرض کردم یا بن رسول الله ما از زبان شما برای شیعیان نقل کرده ایم که هیچ امامی از دنیا نمی رود مگر اینکه فرزند خود را می بیند که ملاحظه می کنید این فقره روایت شامل امام زمان (عج) هم می شود لکن این را هم جواب داده اند که این ناظر به وقت شهادت یا فوت امام علیه السلام است پس این روایت نیز به اعتبار شمول و صدق بر امام زمان (عج) ناظر به بعد از ظهور آن حضرت و قبل از شهادت ایشان است، و جالب این است که وقتی علی بن حمزه این را عرض می کند امام هشتم می فرماید: اضافه کردید الا امام زمان؟^۲ که معلوم می شود امام زمان (عج) در هنگام شهادت یا فرزند ندارد یا اگر دارد در آن وقت حضور ندارد.

بهر صورت در مجموع روایات ذکر شده ما هیچ دلیلی بر اینکه الان امام زمان (عج) زن و فرزند داشته باشد نداریم. ظاهراً اولین کسی که صریحاً به این مطلب متعرض شده مرحوم آیه الله شیخ محمد تقی شوشتری رحمته الله است که در بعضی تألیفاتش نوشته امام زمان (عج) بعد از ظهور اگر

(۱) ابوالحسن علی بن الحسین بن علی المسعودی متوفای ۳۴۵ یا ۳۶۳ ق از بزرگان دانش

رجال و تراجم و از شخصیت های علمی برجسته بوده است.

(۲) اثبات الوصیه، مسعودی، ص ۲۰۱.

مجاللی باشد ازدواج می‌کند اما در دوره غیبت هیچ دلیلی بر انجام این مسئله نداریم^۱.

امیدواریم خداوند اعمال ما را مورد رضایت ولی عصر ارواحنا فداه قرار دهد و شفاعت ایشان را در آخرت و زیارتشان را در دنیا بعد از آنکه به ما قابلیت عنایت کند مرحمت فرماید و امام راحل علیه السلام را مشمول الطاف عامه و خاصه خود قرار داده در اعلیٰ علین جایگاه کرامت فرماید و رهبر عظیم الشأن انقلاب اسلامی را تا ظهور حضرت ولی عصر (عج) طول عمر عنایت فرماید.

(۱) ضروری است به کتاب نفیس و تحقیقی تاریخ النبی والآل به قلم علامه تستری علیه السلام، (متوفای ۱۳۷۴ - ۱۲۸۱ ش)، از انتشارات دار الشرافه قم صفحات ۱۱۲ و ۱۳۱ تا ۱۳۴ مراجعه شود.

﴿ دعای ندبه ﴾

﴿ دعا برای حضرت بقیة الله «عج» ﴾

دعای ندبه از دورانها و اعصار پیشین در کتب زیارت و ادعیة مذهب شیعه موجود و مذکور بوده و در عصر ما شهرت و آوازه مطلوبی یافته است. در روزهای جمعه و عیدهای فطر و اضحیٰ جلسات و محافل متعدّد و گوناگونی جهت برگزاری و انجام آن در شهرها و مناطق شیعی با تشریفات و شکوه ویژه‌ای برگزار می‌گردد و نیز در مراسم نمازهای عید در مصلاّها و مسجدها با معنویت و روحانیت تمام اقامه می‌گردد.

اما آنچه در خور کمال اهمیت و توجه است تأمل و غور عمیق در جملات و کلمات این دعا - و هر دعا و نیایش دیگر - در راه بهره‌برداری و استفاده عملی از تعلیمات و دستورات اسلامی می‌باشد که پیوسته جامعه انسانی را عموماً و مسلمین را بالخصوص، افرادی روشن، بیدار، مسئول و آگاه، متعهد و هوشیار، عالم و عامل، وظیفه‌دان و موقع‌شناس و در برابر نقشه‌ها و افکار اهریمنی و برنامه‌ها و مقاصد شوم شیطانی و غیر

(۱) این نوشتار در سالنامه (پیدای نهان) ویژه‌نامه ستاد بزرگداشت نیمه شعبان ۱۴۱۹ ق -

۱۳۷۷ ش مسجد آیةالله انگجی تبریز. ص ۲۲ الی ۲۷ درج و نشر گردیده است.

الهی مجهز و مسلح می نماید .

برنامه های مذهبی و اجتماعات اسلامی و تشکیلات و تبلیغات به معنی واقعی از آنرو مطلوب است که وحدت و عظمت ، مجد و شرف و اصالت و حقیقت اسلام و دستورات آن را تجلی بخشیده و افرادی آگاه و شریف و دیندار پروریده شود و موجب تشکیل جوامعی منظم و متعالی گردد و جامعه های موجود را به سوی کمال و تعالی و تحرک و نشاط ، رهبری و ارشاد نماید که : ﴿ و لتکن منکم أمة یدعون إلى الخیر و یأمرون بالمعروف ﴾^۱.

خوشبختانه در عصر حاضر و در دوران انقلاب مقدس اسلامی برگزار کنندگان ، متوسلین و اداره کنندگان جلسات دعای ندبه غالباً و نوعاً فرزندان انقلاب و بسیجیان و امت حزب الله هستند که در محافل و منازل ، مساجد و مصلاها و سنگرها و جبهه ها و ... بهترین استفاده های علمی و عملی و اخلاقی را از دعای ندبه نموده و می نمایند .

آری دعای ندبه دعایی است که همه اجزاء و قطعات و فرازهای آن دارای اصالت بوده و در برگیرنده مفاهیم و معانی صحیح و اصیل هستند و چون تابلویی است که زوایا و ابعاد پیوند یافته آن هر کدام با نهایت هنرمندی و استادی ترکیب یافته و در جایگاه مناسب و ضروری خود قرار گرفته اند .

بخشهایی از آن آیات قرآن و قسمتهایی روایات معتبر و ارزنده

(۱) سورة آل عمران ، آیه ۱۰۴ .

عملی و اعتقادی مذهبی صادره از سوی رهبران معصوم « سلام الله علیهم اجمعین » است . گاهی الفاظ و متون اخبار و روایات مورد اشاره بیان شده و گاهی مفاد و مفهوم آنها در اثناء و متن دعا قرار گرفته است . نظر به جهات یاد شده است که دعای ندبه دارای سبکی خاص و متدی ویژه خود می باشد که می توان آن را - با توجه به ترکیب و شکل ویژه اش - مجموعه ای از اعتقادات و اخلاقیات مذهب شیعه دانست که ضرورت مطالعه و بررسی آنها بخوبی احساس می شود و البته محور این مجموعه مباحث و مطالب ، موضوع توجه و برقراری ارتباط قلبی نزدیک با مصلح منتظر ، مهدی موعود ، قائم بحق ، حجة بن الحسن العسکری آخرین پیشوای معصوم و غائب از دیده هاست که برکننده ریشه های ستم و بیداد و احیاء کننده اصالت های اسلام و قوانین قرآن و شکل دهنده افکار و اندیشه های عالی انسانی است .

سند دعای ندبه از دیدگاه موازین علمی :

روایات و اخبار اسلامی طبق اصول و مقررات ویژه ای که دانش درایة الحدیث متعهد تحقیق و توضیح آنها می باشد به دو قسم متواتر و آحاد تقسیم می گردند .

متواتر آن را گویند که راویان و ناقلان آن در هر عصر و زمان به اندازه ای باشند که به حسب معمول و عادت احتمال تبانی و همدستی همه آنان بر جعل حدیث ، منتفی و غیر مقبول باشد بطوری که علم و

اطمینان واقعی بر صدور آن روایت از پیامبر یا امام حاصل شده و جای تردید و تأملی نباشد. صاحب معالم^۱ در این خصوص گوید: المتواتر خبر جماعة یفید بنفسه العلم بصدقه^۲.

و خبر واحد آنست که امتیاز متواتر را نداشته باشد، هر چند راویان آن فراوان باشند و لذا برای اعتماد به آن می بایست سراغ قرائن و علائمی دیگر که اطمینان بخش و وثوق آفرین باشند رفت تا آرامش خاطر نسبت به آن حاصل شود و به اصطلاح حجّیت پیدا کند. و خبر الواحد هو ما لم يبلغ حد التواتر سواء كثرت رواته أم قلت و لیس شأنه افادة العلم بنفسه نعم قد یفیده بانضمام القرائن الیه^۳.

شرایط، احکام، تفصیلات و اقسام خبر متواتر و واحد را می توان با مراجعه به کتب اصول و درایه مطالعه نمود و ما به همین اندازه که مورد شاهد بحث است اکتفاء نموده و همین قدر می گوئیم که:

از جمله شرایط لازم - نه کافی - در اعتبار خبر واحد، موافقت آن با قرآن کریم - یا دست کم عدم مخالفت با آن - عدم تناقض با حکم قطعی عقل، عدم مخالف با سنت قطعیه پیامبر اسلام ﷺ و... است که تا این ابعاد و جهات، تحلیل و تثبیت نگردند مراجعه و استناد به خبر واحد ناتمام است.

(۱) جمال الدین حسن بن زین الدین مشهور به صاحب معالم، ۹۵۹ - ۱۰۱۱ ق.

(۲) معالم الدین و ملاذ المجتهدین، چاپ جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ص ۱۸۴.

(۳) همان، ص ۱۸۶.

با این همه، ناگفته نماند شرایط مورد گفتگو، اساساً در جایی است که خبر واحد در مسیر اثبات احکام فقهی الزامی واقع شود و گرنه در مستحبات و مکروهات و در مباحث اخلاقی و ادعیه و مناجاتها و در موضوعات تاریخی و دیگر مسائل، چندان محدودیت و سخت‌گیری در اخبار آحاد لزومی ندارد و ضروری نیست مگر چنانچه با عقاید قطعی و مسایل حتمی اسلامی برخورد داشته باشد.

توجه به آنچه بطور فشرده یاد شد - افزون بر تأمل و مطالعه همه جانبه در مفاد دعای ندبه - روشنگر این واقعیت است که:

الف) از قرنهای نخستین اسلام - چنانچه خواهیم دید - این دعا مورد شناسائی محققان و رؤسای مذهب شیعه بوده و در کتب ادعیه معتبره علمای بزرگ ثبت و ضبط شده است و از دست و نظر دانشمندانی که خود پایه گذاران علوم اسلامی و فنون رجال و درایه بوده‌اند گذشته و بمانده است.

ب) آنگونه که اشاره شد دقتها و سختگیریهای سندی و دلالتی در مورد نیایشها و دعاها چندان ضروری نبوده و ضعفهای احتمالی را می‌توان یا با عمل مشهور جبران کرد و یا با قاعده تسامح در ادله مستحبات و سنن، مطلب را تکمیل نمود و در نتیجه دعا را - چنانچه در طریق آن ضعف سندی فرض شود - به قصد رجاء یعنی به امید مطلوب بودن و محبوبیت نزد پروردگار به جای آورد و این قصد رجاء خود مرحله‌ای از انقیاد به درگاه خداوند است که از بهترین حالات و آداب انسان در برابر معبود خویش است که تشریح و توضیح بیشتر این مطلب

مربوط به کتب علمی و استدلالی و ویژه پویندگان راه اجتهاد و فقاہت است.

ج) نه تنها مطلبی و نکته‌ای که مخالف قرآن و عقل و سنت قطعی باشد در این دعا به چشم نمی‌آید، بلکه تمامی محتویات آن مستظهر به قرآن و دلایل قطعی اسلامی و مدارک اصیل مذهبی است.

اینک ما از عصر و زمان خود آغاز نموده و بزرگان و عظمایی را که دعای ندبه را در کتب و مدارک خویش آورده‌اند نام می‌بریم و به سوی زمان ائمه اطهار علیهم‌السلام پیش می‌رویم.

۱- مرحوم ثقة‌المحدثین حاج شیخ عباس قمی (۱۲۹۴ - ۱۳۵۹

ق) در دو کتاب «مفاتیح الجنان» و «هدیة الزائرین». نهایت اشتهار و کمال ورع و قدس و وثاقت و جامعیت و تبخّر علمی و تفوّق معنوی محدث قمی وی را از نیاز به هرگونه تعدیل و توثیق بی‌نیاز می‌دارد.

۲- علامه محدث متبخر، ثالث‌المجلسین، مرحوم حاج میرزا

حسین نوری طبرسی معروف به محدث نوری (۱۲۵۴ - ۱۳۲۰ ق). استاد محدث قمی و تلمیذ علامه شیخ اعظم انصاری و صاحب اثر معروف «مستدرک الوسائل» و آثار دیگر در کتاب «تحیة الزائر».

۳- علامه بزرگوار، غوّاص بحار الانوار، شناگر دریای روایات و

اخبار، مرحوم مولی محمد باقر مجلسی (۱۰۳۷ - ۱۱۱۱ ق) که از نهایت آگاهی و احاطه به سبک و متد روایات اسلامی بهره‌مند بوده و دانائی فراوان به ویژگیهای احادیث و ادعیه مذهبی داشته است در کتاب کبیر و نامدار خود «بحار الانوار»، جلد ۱۰۲ و هم در کتاب «زاد المعاد» تصریح

به اعتبار سند دعای ندبه دارد .

۴ - فقیه عارف و عالم عامل ، مرحوم سید رضی الدین ابوالقاسم علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن طاووس الحسینی الداودی الحلّی معروف به علی ابن طاووس (۵۸۹ - ۶۶۴ ق) در دو کتاب « مصباح الزائر » و « الاقبال » .

علامه حلّی^۱ در وصف این مرد بزرگ گوید : عابدترین کسی است که به چشم دیدم ، و از کتاب « کشف المحجّه » که از آثار ابن طاووس است آشکار می گردد که او بیش از یکبار به حضور انور حضرت صاحب الامر (عج) شرفیاب گردیده است .

علامه بزرگ مرحوم شیخ آقابزرگ طهرانی (۱۲۹۳ - ۱۳۸۹ ق) می فرماید : ... کتاب « اقبال » یکی از اجزاء کتاب بزرگ او موسوم به « التتمات والمهمات » است که بعنوان تتمه و تکمله کتاب « مصباح » جدّ بزرگوارش - از سوی مادر - یعنی شیخ الطائفه مرحوم شیخ طوسی^۲ تألیف نموده و در سال ۶۵۰ ق تألیف اقبال پایان گرفته ... و آن کتابی بس ارزنده است که از مندرجات کتابهایی نفیس و کمیاب در زمان او گردآوری گردیده و هنگام نگارش آن یکهزار و پانصد کتاب در نزد مؤلف بوده ... و به تصریح خودش در کتاب « الیقین » هفتاد جلد از کتاب ادعیه نزد او وجود داشته ... پس روشن شد که تمام آن ادعیه و اعمالی را که این بزرگ مرد

(۱) جمال الدین ابو منصور حسن بن یوسف بن علی بن مطهر حلّی ، ۶۴۸ - ۷۲۶ ق .

(۲) ابو جعفر ، محمد بن حسن طوسی ، ۳۸۵ - ۴۶۰ ق .

علم و فضیلت در مجلدات ده گانه « التتمات » گردآوری کرده ، همه را از آن مصادر نفیس و کمیاب که نزدش بوده اقتباس نموده ... و بیشتر آنها مورد اعتماد و وثوق او و تصحیح شده و همراه با تاریخ آنها بوده است ... و کوتاه سخن آنکه این شخصیت عظیم با تألیف کتاب « التتمات » حق بزرگ بر عموم شیعیان دارد ...^۱

۵- ابو عبدالله محمد بن جعفر بن علی بن جعفر المشهدی الحائری معروف و مشهور به ابن المشهدی از شخصیت های برجسته مذهب شیعه است . وی در قرن ششم هجری می زیسته و تا سال ۵۸۰ ق زنده بوده است . او را در ادعیه و مناجات و زیارات کتابی است که مرحوم علامه مجلسی آن را « مزار کبیر » نامیده و از آن پس بدان نام شهرت دارد . علامه شیخ آقابزرگ طهرانی در رابطه با کتاب پیش گفته ، بحثی دارند که خلاصه آن این است : ... این کتاب نزد استاد ما محدث نوری بوده و از آن در « مستدرک الوسائل » نقل نموده و اعتبار آن را در خاتمه « مستدرک الوسائل » شرح داده ... ابن المشهدی از شاذان بن جبرئیل قمی روایت کرده و نیز به دو واسطه از راویان شیخ مفید بوده و این سندی عالی است . ابن المشهدی در آغاز کتاب گوید : « فإني قد جمعت في كتابي هذا من فنون الزيارات للمشاهد و ماورد في الترغيب في المساجد المباركات والأدعية المختارات و مايدعي به عقيب الصلوات ... » ، مما اتصلت به من ثقات الرواة ... سپس صاحب الذريعة می فرماید : آن راویان ثقه ای که ابن

(۱) الذريعة ، ج ۲ ، صص ۵ - ۲۶۴ ، نقل به تلخیص .

المشهدی در کتاب خود از آنان روایت کرده و در عبارت یاد شده به آنان اشاره می‌کند پانزده نفر هستند و آنگاه همگی آنان را نام می‌برد.^۱
ابن المشهدی در کتاب ارجمند « مزار کبیر » دعای ندبه را آورده است.

۶- شیخ ثقة جلیل القدر ابوالفرج محمد بن علی بن یعقوب بن اسحق بن ابی قره القنانی معروف و مشهور به « ابن ابی قره ». این شخصیت ممتاز از مشایخ مرحوم نجاشی است که خود یکی از ارکان و ائمه چهارگانه علم رجال - نجاشی ، کشی ، شیخ طوسی و علامه حلی - بوده که آراء و نظرات رجالی آنان سند و حجّت دانسته شده است .

نجاشی در رجال معروف خود در معرفی ابن ابی قره گوید : ... کان ثقة و سمع کثیراً و کتب کثیراً ... أخبرنی و أجازنی جمیع کتبه ...^۲
و نیز علامه حلی در بخش نخستین کتاب « خلاصة الاقوال » ابن ابی قره را نام برده و او را ثقة دانسته است.^۳

گویند : ظاهراً دعای ندبه در کتاب « عمل یوم الجمعة » و یا کتاب « عمل الشهور » او نقل شده و عبارت او این است : نقلت من کتاب ابی جعفر محمد بن الحسین بن سفیان البرزوفری رضی الله عنه هذا الدعاء . همچنین این جمله یاد شده از ابن ابی قره در کتاب « تحفة الزائر » علامه مجلسی صفحه ۴۳۴ و بحار الانوار ، جلد ۱۰۲ ، صفحات ۱۱۰ - ۱۰۴ و « مزار

(۱) الذریعه ، ج ۲۰ ، ص ۳۲۴ . (۲) رجال نجاشی ، ص ۳۱۱ .

(۳) خلاصة الاقوال ، ج قدیم ، ص ۸۰ .

کبیر» ابن المشهدی و «مصباح الزائر» و «الاقبال» ابن طاووس آمده است.

۷- محمد بن الحسین بزوفری^۱ - بزوفری بر وزن واژه صنوبر - وی از مشایخ شیخ مفید است و مفید از او اخبار فراوانی نقل کرده و گاهی بعد از ذکر نام او گفته: رحمه الله، و نیز دانسته شد که ابن ابی قره درباره بزوفری، رضی الله عنه آورده بود و اینگونه جملات و تعابیر را بعضی از بزرگان علم رجال، دلیل اعتبار و اهمیت و شخصیت می دانند^۲ و گفتنی است نام بزوفری چنانکه آورده شد مطابق نقل «بحار الانوار» از «مصباح الزائر» ابن طاووس و «مزار کبیر» ابن المشهدی از ابن ابی قره است که همو گوید: نقلت من کتاب محمد بن الحسین ابن سفیان البزوفری دعاء الندبه. چنانکه علامه طهرانی نیز در «نوابغ الرواة» او را به همین نام نامیده است^۳ و گوید: ... و له کتاب فيه دعاء الندبه روی عن ابن ابی قره الدعاء نقلاً عن کتابه^۴ ولی در «تنقیح المقال» جلد اول و «الکنی والالقب» محدث قمی، جلد دوم، صفحه ۷۳ و «معجم رجال الحدیث» استادنا العلامة مرحوم آیه الله العظمی خوئی، جلد ششم، چاپ اول، صفحه ۴۸ به نقل از رجال نجاشی صفحه ۵۳ و رجال شیخ چنین آمده است: حسین بن علی بن سفیان بن خالد بن سفیان ابو عبدالله البزوفری، و خود نجاشی به یک

(۱) محتمل است بزوفری در نیمه دوم قرن چهارم می زیسته است.

(۲) طبقات اعلام الشیعه، قرن ۴، ص ۲۶۶.

(۳) و (۴) نوابغ الرواة، صص ۲۶۵ - ۲۶۶.

واسطه از او روایت کرده و درباره اش گوید: البروفري شيخ جليل ثقة من أصحابنا ...

و علامه طهرانی در صفحه ۲۶۶ کتاب «نوابغ الرواة» شخص دوم را پدر شخص نخستین دانسته و گوید: او نیز از مشایخ مفید است، چنانکه در صفحه ۱۱۶ همان کتاب شرح حال پدر او ذکر شده است. نتیجه سخن آنکه دعای ندبه برای نخستین بار از کتاب محمد بن الحسین نقل شده که جلالت مقام و بزرگی او در کتب رجال تأیید شده است و جمله‌ای که از او نقل شده این است: ... هذا دعاء لصاحب الزمان (عج) و يستحب أن يدعى به في الأعياد الأربعة ...

دعای ندبه از منظر فقیهان:

بطوری که ملاحظه خواهد شد این دعای معروف از دیدگاه بزرگان فقاہت نیز دور نبوده و از کلمات ایشان بطور ضمنی اعتقاد و توجه به آن مشاهده می شود که برای نمونه مواردی را ذکر می نمایم:

۱- شیخ الفقهاء مرحوم شیخ اعظم انصاری (۱۲۱۴-۱۲۸۱ هـ ق) در کتاب معروف خود «مکاسب» - در اوایل مبحث خیارات و بحث از اینکه به التزامات و تعهدات ابتدائی شرط گفته نمی شود بلکه آنچه به نظر تبادر دارد این است که شرط عبارت از الزامی است که تابع عقد و پیمانی باشد - می فرماید: مثل قوله الطیلة في دعاء التوبة: و لك يا ربّ شرطي أن لا أعود في مكروهك ... و قوله الطیلة في أول دعاء الندبه: بعد ان شرطت عليهم

الزهد في درجات هذه الدنيا...^۱

از این سخن شیخ اعظم که فرمود: « و قوله علیه السلام » یعنی دعا را بطور یقین از امام علیه السلام دانسته است . بدون اینکه دعا را تنها به امام علیه السلام نسبت دهد و نیز آن را در ردیف دعای توبه^۲ و آمده در صحیفه سجادیه قرار داده و تردید و تشکیکی از جهت سند در آن نکرده ، استفاده می شود که برای دعای ندبه به اعتبار و اهمیتی ویژه ، اعتقاد داشته است .

۲- علامه مامقانی^۲ در حاشیه خود بر کتاب مکاسب شیخ انصاری بمناسبت موضوع یاد شده پیرامون معنی شرط گوید: ان مال ما ذکره علیه السلام الى ان الله عزوجل قال لعباده من زهد في هذه الدنيا أعطيته النعيم المقيم ... یعنی اساس فرمایش امام علیه السلام در دعای ندبه - این است که هرکس در این دنیا زهد ورزد زندگی ابدی و جاوید سرای دیگر را به دست خواهد آورد . ملاحظه می نماید که این بزرگوار هم ذکر دعای ندبه از زبان امام علیه السلام را قطعی اعلام نموده است .

۳- محقق بزرگ مرحوم ایروانی^۳ نیز در حاشیه اش بر مکاسب به همان تناسب گوید: أما اطلاق الشرط في دعاء الندبه ... اینکه از ملاحظه موارد فوق درمی یابیم چگونه این بزرگان فقه و

(۱) مکاسب ، ط قدیم ، ص ۲۱۶ .

(۲) شیخ عبدالله بن محمد حسن مامقانی ، ۱۲۹۰ - ۱۳۵۱ ق .

(۳) حاج میرزا علی بن عبدالحسین بن مولی علی اصغر بن محمد باقر ایروانی نجفی ، ۱۳۰۱ -

اجتهاد و متخصصان علوم اسلامی جهت تحقیق معنی شرط - از دیدگاه فقهی - استناد به فقرات دعای ندبه می‌کنند و آن را قول و گفتار امام علیه السلام می‌دانند و به عنوان خبر و روایت به اثبات یک مسئله فقهی استخراج شده از عبارت دعا می‌پردازند آیا جز این است که اعتماد و تکیه بر آن داشته و آن را به رسمیت شناخته باشند؟

دعای ندبه از زبان کدام امام؟

متأسفانه - با همه آنچه گذشت - تاکنون به صورت قطعی مشخص نشده که دعای نامبرده از سوی کدامیک از ائمه اطهار علیهم السلام صدور یافته و بنابراین به اصطلاح از قسم «مضمرة» است ولی در این خصوص دو احتمال وجود دارد:

۱- صدور دعا از طرف حضرت صادق علیه السلام باشد، چنانکه همانند

آن در کتاب «بحار الانوار» و «اکمال الدین» صدوق روایتی از سدیر صیرفی

نقل شده که گفت: من و افرادی دیگر به حضور حضرت صادق علیه السلام

شرفیاب شدیم و دیدیم که امام در حال گریه است و اشک می‌ریزد و با

شخصی که برای ما ناپیدا و نامعلوم است سخن می‌راند و ندبه می‌کند.

عرض کردیم: یا بن رسول الله تأثر شما از چیست و مخاطب سخنتان

کیست؟ پاسخ فرمود: با امام زمان شما سخن می‌گویم و بر غیبت او - در

آینده - و آثار ناشی از آن می‌سوزم.

این روایت خود نشانه‌ای است که بتوان دعای ندبه را صادره از

ناحیه حضرت صادق دانست و شاید به همین سبب مرحوم علامه مجلسی این دعا را در کتاب «زادالمعاد» به آن حضرت نسبت داده است.

۲- صدور دعا از سوی خود حضرت مهدی موعود (عج) بوده همچون دعای افتتاح که در شبهای ماه مبارک رمضان خوانده می شود.

آنچه که این احتمال را تقویت می نماید - افزون بر آنکه بزوفری زمانش نزدیک به دوران غیبت صغری بوده و امکان دارد که دعای ندبه از ناحیه مقدسه حضرت مهدی (عج) بر دست او یا پدر یا یکی از اساتیدش و یا شخص دیگری شرف صدور یافته باشد چنانکه از اینگونه نمونه هایی نیز وجود دارد که با مراجعه به کتاب «احتجاج» طبرسی و «غیبت» شیخ طوسی ملاحظه می شود - سخن بزوفری است که کلام وی چنین نقل شده: هذا دعاء لصاحب الزمان و يستحب أن يدعى به في الأعياد الأربعة، که چنانچه حرف لام جاژه به معنی مین باشد ترجمه سخن اینست:

این دعایی است از حضرت صاحب الزمان و در اینصورت معلوم می گردد که خود حضرت مهدی (عج) دستور داده باشد که پیروان و منتظران در عصر غیبت او چنین گویند و اینگونه بیاد او باشند. ولی چنانچه حرف لام به معنای خود باقی باشد معنی چنین است که این دعایی است برای حضرت صاحب الزمان (عج) یعنی در عصر غیبت باید بدینسان برای آن وجود اقدس دعا کرد، چنانکه مرحوم علامه مجلسی نیز در «بحار الانوار» به نقل از «مصباح الزائر» ابن طاووس سخن بزوفری را چنین نقل کرده است: قال محمد بن علي بن أبي قره نقلت من كتاب محمد بن الحسين البزوفري رضي الله عنه دعاء الندبه و ذكر انه الدعاء

لصاحب الزمان^۱ - و ملاحظه می شود که لفظ دعاء دوم با الف و لام آمده است - در این هنگام آنچه روشن است آن خواهد بود که دعای ندبه مشتمل بر دعا و درود به امام زمان (عج) است اما آیا انشاء کننده آن نیز خود او است یا امام صادق؟

لکن این گمان که دعای ندبه پرداخته و ساخته یکی از پیشینیان باشد که به کتب دعاء راه یافته هرگز صحیح نیست، یکی از آن نظر که چنانچه گهگاه در مناسبتی یکی از بزرگان و علماء دعایی از خود انشاء کرده باشند رسماً تذکر داده اند که این دعا از معصوم نیست و از سوی غیر امام انشاء شده و چیزی است که من خواسته ام خدای را بدینگونه مناجات کنم^۲ و ملاحظه می شود که درباره دعای ندبه در هیچ جایی

(۱) بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۰۴.

(۲) مناسب است در اینجا سخن یکی از اساتید علم و دانش یعنی مرحوم علامه حاج میرزا ابوالحسن شعرانی رحمته الله را که از رجال جامع علوم عقلی و نقلی عصر ما بود یاد کنیم. ایشان در شرح و ترجمه فارسی خود بر صحیفه سجادیه ذیل دعای ۴۸ پاصفحه ۱۹۴ - که چنین آمده: ثم تدعو بما بدالك یعنی پس هرچه به خاطرت رسید از خداوند بخواه - می فرماید: دعا کردن به هر لفظ که انسان بخواهد جائز است و هیچیک از علماء خواندن دعای غیر مآثور را حرام و بدعت نشمرده اند و گروهی در زمان ما بر خویش سخت گرفته و از خواندن دعاها بی اسناد که در کتب ادعیه است پرهیز می کنند و روایتی را دلیل آورند که مردی از پیش خود دعایی ساخت و آن را بر حضرت امام محمد باقر رحمته الله عرضه داشت و آن حضرت او را نهی فرمود. اما نهی آن حضرت را باید حمل کرد و بر اولویت دعای مآثور نه تحریم غیر مآثور و شاید دعای آن مرد متضمن معنای ناروایی بوده و آن را دلیل بر حرام

چنین یادآوری و تذکری صورت نگرفته است و دیگر آنکه تصریح به استحباب خواندن دعای ندبه در اعیاد چهارگانه - فطر، اضحی، غدیر و جمعه - شده است و درباره غیر روایت و حدیث، عنوان و دستور استحباب یا حکم شرعی دیگر بکار نمی رود، چه احکام و فروع مخصوص آن چیزی است که از سوی خداوند و پیامبر و ائمه دین علیهم السلام رسیده باشد نه از سوی دیگران. وانگهی ملاحظه شد که در کلمات فقهاء و محققان اسلامی (قوله علیهم السلام) آمده که هرگز درباره سخن غیر امام چنین اصطلاحی بکار نمی رود.

اینها همه مسائلی بود که به سند و جنبه صدور دعای ندبه مربوط می گردد و در متن و محتوای آن نیز پیشتر گفتیم که خلل و اشکالی وجود ندارد و جز به مجموعه ای از عقاید و افکار اسلامی و مذهبی - که به صورت دعا و نیایش گرد آمده - به چیزی بر نمی خوریم و اگر پیرامون بعض نقاط و زوایای آن ابهام و نقدی رخ داده هر کدام را باید در جای خود بحث نموده و روشن ساخت.

کوتاه سخن آنکه با تأمل و دقت در مجموع آنچه نگاشته شد

منع هر دعا نتوان قرار داد و به تواتر توان ثابت کرد که عباد و زهاد سلف به نظم و نشر دعاء و ثناء بسیار کردند و کسی عمل آنان را زشت نشمرد و شیخ صدوق رحمته الله در کتاب من لایحضره الفقیه زیارتی برای حضرت فاطمه زهرا علیها السلام آورده و گفته است خود من این زیارت را ساختم چون زیارت مأثور برای آن حضرت نیافتم پس با این حال دعای مأثور افضل است و دعای غیر مأثور حرام نیست و البته کسی آن را به قصد ورود نمی خواند.

اصالت و واقعیت دعای ندبه محفوظ و دست کم در اجزاء و قطعات آن همگامی و مطابقت با عقاید اسلامی و مذهب جعفری متجلی است و این نقطه شاخص نیز مشهود است که سبک دعای ندبه از نظر مباحث اعتقادی گویی سبک متد قرآن است که به مناسبت‌های پیش آمده و به اندازه لازم، مسایل و موضوعات را در قالب‌های ویژه‌ای درآورده و عرضه می‌کند و مطابق مقتضای حال به طراحی و شکل‌بخشی جریانات و حوادث فکری و عینی آموزنده می‌پردازد، نه چون راه و رسم کتب درسی و فنی که هر بحثی را در بخشی جداگانه جای می‌دهند و هر فصلی را ویژه سخنی می‌کنند ولی با این حال بالاخره باید از مبدأ اعلیٰ آغاز نمود و شروع سخن از توحید باشد که سرحلقه تمام حقایق و عقاید است و همه چیز و همه کس بدانجا منتهی می‌گردد.

این است که در دعای ندبه نیز آغاز سخن از خدا و نام خدا و یاد خدا و صفات و افعال خداوندی است که:

اللهم لك الحمد على ما جرى به قضائك ...

اللهم عجل فرج مولانا صاحب الزمان (عج)

﴿ دعای امام زمان «عج» ﴾

﴿ و دعا برای امام زمان «عج»^۱ ﴾

آنهنگام که دست اندرکار تنظیم و تحریر دیباچه کتاب «تبیین قرآن» که خود مقدمه‌ای مشروح بر «تفسیر قرآن» است بودم بر آن شدم که از هر یکی از چهارده معصوم علیهم‌السلام سخنی یا سخنانی (حدیث یا احادیثی) پیرامون عظمت و اهمیت قرآن شریف بیاورم و قرآن را از زبان عترت مطرح سازم تا ضمن ارائه مصداقی عینی از حدیث متواتر ثقلین «إني تارك فيكم الثقلين كتاب الله و عترتي» تقارن و تلازم قرآن و عترت بهتر و بیشتر شناخته شود و عدم تفکیک میان این دو (که به گفته پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: «لن يفترقا حتى يردا على الحوض» آشکارتر گردد).

این گام با سهولت و آسانی برداشته شد. اما هنگامی که نوبت به انتخاب کلماتی از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه پیرامون قرآن فرا رسید مقداری با تأمل و اشکال مواجه گردیدم. زیرا در بادی امر به نظر

(۱) مقاله درج و نشر یافته در سالنامه (شمس ولایت) ستاد بزرگداشت نیمه شعبان ۱۴۲۳ ق

۱۳۸۱ ش مسجد آیه الله انگجی تبریز، ص ۱۵ الی ۲۲.

آمد که در روایات و احادیث مروی از حضرت بقیة الله علیه السلام کلامی و تبیانی پیرامون کتاب الله یافت نمی شود. گفتگو و مذاکره هم با برخی از ارباب پژوهش و تحقیق به نتیجه ای نیا انجامید.

اما آیا اصولاً چنین چیزی قابل قبول است؟ چگونه بپذیریم که سمبل عترت و گل سررسید اهل بیت که تا این تاریخ مدت ۱۱۶۳ سال است رهبری جهان اسلام را بر عهده دارد و همگام با کتاب خدا پیش می رود و سرلوحه امامت او چه در عصر غیبت و یا عهد ظهورش همانا قرآن کریم بوده و خواهد بود درباره قرآن سخنی نگفته باشد. مگر نه قرآن کریم امام صامت و امام زمان، قرآن ناطق است و مگر نه هر دو با هم هستند آیا امکان پذیر است که قرآن مکرر درباره امام مهدی (عج) سخن بگوید. تا جایی که طبق آمار مرحوم سید هاشم بحرانی در کتاب «المحجة فیما نزل فی القائم الحجة» ۱۲۰ تا ۱۳۲ آیه درباره امام زمان ما به گونه ای بحث کرده و رهنمود داده است. اما امام عصر متقابلاً سکوت کند و درباره قرآن لب نگشاید. آیا این خود گونه ای و گوشه ای از جدایی میان قرآن و عترت نیست؟ جدایی و افتراقی که رسول گرامی اسلام آن را با لفظ «لن یفترقا» برای همیشه و از هر دو طرف نفی فرموده است، پس می بایست بیشتر به کاوش و تتبع پرداخت.

خوشبختانه با امداد و حمایت خود قرآن و امام زمان (عج) و با مقداری مراجعه و مطالعه به مواردی دست یافتم هر چند فعلاً به مقدار رفع نیاز و اثبات مدعا و جهت ثبت در مقدمه تفسیر قرآن. وه چه مواردی ارزشمند و چه کلماتی پر مغز و سرشار از معارف و عوارف. اکنون در این

مقال همان چند مورد را در برابر ارباب تحقیق و ارادتمندان مهدی موعود می‌کشایم و به گوشه‌ای از حقایق مندرج در آنها اشاره می‌کنم:

۱- در دعای شریف افتتاح که منسوب به خود آن حضرت و از زبان او است چنین آمده است که: «اللهم اجعله الداعي الى كتابك والقائم بدینك»، (مفاتیح الجنان مرحوم محدث قمی اعمال هر شب ماه مبارک رمضان به نقل از مدارک معتبره امامیه).

ترجمه: بار پروردگارا امام زمان را دعوت کننده به کتاب خود، قرآن و قیام کننده به دینت اسلام قرار بده.

۲- در صلوات عصر روز جمعه ضمن دعا برای آن امام عزیز: «اللهم جدّد به ما امتحی من دینك واحی به ما بدّل من كتابك و اظهر به ما غیر من حکمك» (منقول از مصباح شیخ طوسی و جمال الاسبوع ابن طاووس).

ترجمه: خداوندا آنچه را از قرآن که به مرز محو و نابودی رسیده است بوسیله امام زمان علیه السلام تجدید و نو فرما و زنده کن آنچه را از قرآنت که دچار تبدیل گردیده و بوسیله آن حضرت آشکار فرما احکامی را که دستخوش تغییر و دگرگونی شده است.

۳- در دعای وارده بعد از نماز عصر روز جمعه: «اللهم واحی بولیک القرآن و ارننا نوره سرمداً لایل فیهِ» (جمال الاسبوع ابن طاووس).

ترجمه: خدایا بوسیله امام زمان علیه السلام قرآن را زنده فرما و نور آن حضرت را مداوم و بدون عارضه افول و غروب بما ارائه فرما.

اینک از درسهای حیات بخش و حقایق نورانی موجود در فقرات یاد شده که مورد توجه و تأکید امام عصر قرار داشته به چند مورد نظری

می افکنیم :

- ۱- امام زمان دعوت کننده حقیقی به قرآن است .
- ۲- و همو برپای دارنده دین خدا است که قیام او محض دین و دین محض می باشد .
- ۳- چیزهایی از قرآن به مرز محو و نابودی می رسد که بوسیله امام زمان به جایگاه اولیه خود باز می گردند .
- ۴ و ۵- اموری از معارف و مطالب قرآن تبدیل شده و می شود که می بایست بدست آن حضرت زنده شوند و احکامی تغییر می یابد که با ظهور او مجدداً آشکار می گردند .
- ۶- احیاء قرآن بوسیله امام زمان خواهد بود .
- ۷- نور مهدی نوری است دائم و سرمدی که تاریکی و خاموشی ندارد .

پیش از بحث در هر یک از مطالب یاد شده و بعنوان مقدمه لازم است به نکته ای اشاره شود :

چنانکه دیدیم تمام مسائل و خواسته های مذکور بصورت دعا به درگاه خداوندی و در قالب نیایش و مناجات عرضه شده اند .

توضیح این نکته آن است که : امور مذکوره همگی وظایف و مسئولیتهای امام عصر (عج) است که می باید بدست قدرتمند او در جامعه اسلامی و انسانی عملی گردد . این وظایف هم اکنون - در عصر غیبت - از نظر تکوینی کاملاً و از جنبه تشریحی بعضاً با نظر شریف آن حضرت انجام می گیرد . لکن از نظر کلی و تام و بصورت بالفعل مطلق همه

متوقف و منوط به ظهور دولت حقه و تشریف‌فرمایی شخص مهدی موعود می‌باشد. بنابراین دعا کردن جهت تحقق این اهاف و مقاصد دعا کردن جهت تعجیل فرج و ظهور دولت حقه الهیه آن آفتاب عالمتاب است و قالب دعا و تضرع بهترین شیوع جهت تذکر و تکرار این مطالب در فکر و ذهن منتظران ظهور است. دعا کننده با خواندن مدام و مکرر این دعاها دو مسئله را پی می‌گیرد:

الف - این مقاصد و اهداف تشکیل دهنده برنامه‌های امامت امام زمان و فرازهای اصلی منهج الهی او است و نه هیچکس دیگر. و اصولاً کسی قادر و قائم به احیاء همه جانبه این مسائل نتواند بود هر چند مدعی فراوانی هم داشته باشند چنانکه در طول تاریخ اسلام، دجال‌ها، متمهدی‌ها و مدعیان دروغین متعددی یافت شدند و به صحنه آمدند که هیچیک از عهده کمترین مقداری از وظایف حضرت حجت بن الحسن علیه السلام بر نیامده بلکه تحریفها را فزونتر و نقاط تاریک را ظلمانی‌تر نمودند. که خود در صفحات تاریخ، برگهای تاریکی بوجود آوردند.

ب - دعا کردن، از خداوند خواستن و آماده شدن جهت قیام در رکاب امام زمان علیه السلام و اعلام حمایت و همکاری با او به درگاه خداوندی و وظیفه هر مسلمان است که ایده هر عاشق دل‌باخته آن جان جانان می‌باشد و تداوم و تکرار آن موجب مزید عشق و تأکید بیشتر بر ارادت و عقیده دعا کننده است.

و اکنون نظری گذرا به هر یک از مطالب یاد شده در فقرات دعاهای

امام زمان علیه السلام:

۱ - امام زمان علیه السلام دعوت کننده به قرآن :

این حقیقتی است ثابت و آشکار. رسالت اصلی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و همه امامان معصوم شیعه نیز همین بوده است. و گفتیم که لازمه تقارن قرآن و عترت آن است که قرآن مردم را بسوی عترت دعوت می کند.

﴿ يا أيها الذين آمنوا أطيعوا الله و أطيعوا الرّسول و أولي الأمر منكم ﴾^۱.

﴿ و لو ردّوه إلى الرّسول و الی أولی الأمر منهم لعلمه الذین یستنبطونه منهم ﴾^۲.

﴿ قل لا أسئلكم علیه أجراً إلاّ المودّة فی القربی ﴾^۳.

﴿ إنّما یرید الله لیذهب عنکم الرّجس أهل البیت و یطهّرکم تطهیراً ﴾^۴.

﴿ و ما یعلم تأویله إلاّ الله والرّاسخون فی العلم یقولون آمنا به کلّ من

عند ربّنا ... ﴾^۵.

و ده ها آیه دیگر در سراسر قرآن مجید ؟

و متقابلاً عترت نیز - که فعلاً فرد شاخص و بارز آن حضرت بقیة الله

(۱) سوره نساء ، آیه ۵۹ . (۲) سوره نساء ، آیه ۸۳ .

(۳) سوره شوری ، آیه ۳۳ . (۴) سوره احزاب ، آیه ۳۳ .

(۵) سوره آل عمران ، آیه ۷ .

(۶) گفتنی است که عالمان و محققان مذهب شیعه ۳۰۰ الی ۳۶۰ آیه از قرآن را تنزیلاً و یا تأویلاً در شأن علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام دانسته اند. که بزرگان و عالمان اهل سنت و جماعت از عدد یاد شده دست کم ۶۰ الی ۸۰ آیه را پذیرفته اند که در این رابطه باید به کتب معتبر و مصادر معتمد هر دو فرقه مراجعه نمود.

الاعظم است دعوت کننده مردم به سوی قرآن می باشد - و چنانچه مورد دعوت قرآن چیزی سوای مورد دعوت عترت باشد و یا بالعکس در اینصورت تقارن و همبستگی قرآن و عترت تحقق نیافته و چیزی جز انحراف از اسلام و خروج از جاده حق و صواب عاید نخواهد گردید . زیرا در این فرض دعای « اللهم اجعله الداعي الى كتابك » مفهومی نداشته و تحقق نیافته است .

۲ - امام زمان قیامش دین و قیام به دین است :

بدیهی است بزرگترین سرمایه‌ای که انسان باید از آن حمایت و حراست نماید ، در راه آن بکوشد ، در احیاء آن فداکاری کند و در جهت عظمت و شوکت آن فعال باشد همانا دین است هرچه سوای دین امری اعتباری و انتزاعی و بی پایه و مایه‌ای است که سرابی بیش نبوده و حقیقت ثابته‌ای ندارد ، ملیت ، نژاد ، شغل ، لباس ، رنگ و... همه در مقابل دین فاقد ارزش بوده و هویت آنها تنها در سایه مذهب قابل ارزیابی و بررسی است .

ما می‌نگریم هر قیام و اقدام و پیکاری در راه این امور و موضوعات دیر یا زود منتهی به شکست و محو و اضمحلال شده که نمونه‌های متعددی در تاریخ گذشته و حال می‌توان ارائه نمود .

دین اصل و پایه و مایه همه چیز است. دین ذاتی و فطری انسان و لاینفک از او است. عالمان علم الاجتماع به وجود اندیشه‌های دینی و حرکت‌های مذهبی در انسان پی برده‌اند و آنها را اندیشه‌های عالی نام

نهاده‌اند - که بالاتر و بالاتر از آنها را نیافته‌اند - انسان از غارنشینی تا تسخیر فضا و کرات آسمانی همیشه همراه و همدم با مذهب بوده است ﴿ فطرة الله التي فطر الناس عليها ﴾. این است که هر جا سخن از دین باشد همه چیز قابل درک و قبول است و این است که قیام دینی و قیام برای دین شکست ندارد و پایدار و ماندگار است .

پس امام عصر این ذخیره دین الهی بهترین کس است . که به بهترین سرمایه و اندوخته و با بهترین شیوه و روش قیام می‌کند . « والقائم بدینک » .

۳ - مهدی موعود تجدید کننده مسائل محوشده قرآن :

اسلام خاتم ادیان و شریعت آخرین است . امام عصر علیه السلام مؤسس و مشرّع دین نیست ، همانا او محیی و مبقی و مجدد شریعت می‌باشد و یا به تعبیر دیگر او علت مبقیه دین مبین است . آنچه مورد گفتگوی ما است آنکه در طول اعصار و ادوار مختلفی که بر اسلام و مسلمین گذشته است بر اثر عوامل و موانع گوناگون که از سوی دوستانی نادان و دشمنانی دانا بر اسلام وارد گردیده ، نقشه‌ها ، توطئه‌ها ، تعارفات و توجیهات ، تفسیرها و تحمیل‌های مختلف ، اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و احکام و معارف نورانی قرآن در هاله‌ای از ابهام و محو و نسیان فرورفته و به مرور زمان خوبی‌ها متروک . بدیها معمول بلکه خوبیها زشت و ناروا و بدیها خوب و زیبا معرفی گردیده است . یعنی نه تنها اعمال مسلمین از دستورات اصیل اسلام فاصله گرفته بلکه بینش‌ها و تصورات و تصدیقات نیز پیرامون دین و مبانی آن مقلوب و معکوس شده چنانکه در کلام شریف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

می خوانیم:

«... و لم تأمروا بالمعروف و لم تنهوا عن المنکر». و هنگامی که اصحاب از این پیشگویی آن حضرت دچار شگفتی شدند وی اضافه فرمود: «کیف بکم اذا رأیتم المعروف منکراً و المنکر معروفاً و... کیف بکم اذا أمرتم بالمنکر و نهیتم عن المعروف...».

و نیز در روایات آخرالزمان آمده است که: «یومئذ یكون المنکر معروفاً و المعروف منکراً و یؤمن الخائن و ینحون الأمین و یصدق الفاجر و یکذب الصادق...»^۱.

آری تا هنگام ظهور آن قدر پیرایه بر دین بسته بشود و تفسیر و تأویل‌ها بر قرآن تحمیل گردد که اصل شریعت محمدی در زیر انبوه تحریفات ناپدید شود.

بس که بیستند بر آن برگ و ساز گرتو بینی شناسیش باز و حجت حق هنگام ظهور خود و پیروزی دولت حقه و فراگیرش دین خالص و مذهب صادق پدران بزرگوار خود را زنده و تجدید می نماید و فریضه‌ها، سنتها، فضیلتها و ارزشهای فراموش شده را احیاء می کند: «أین المدّخر لتجدید الفرایض و السنن. أین المتخیر لاعادة الملة و الشریعه».

در امام زمان نه جهل وجود دارد و نه ترس. او با ابزار علم کامل و قدرت فائقه الهی خود اسلام خالص را آشکار و بر مردم عرضه می کند.

(۱) تفسیر الصافی «تفسیر سوره محمد ﷺ».

لذا ناآگاهان و مغرضان می‌پندارند و می‌گویند که او دین جدید آورده است در صورتی که کلمات تجدید، اعاده، محیی و... همه دالّ است که او همان اسلام خاص خالص را از نو می‌آورد و نه دین جدیدی و نه آیین تازه‌ای. و در روایات اسلامی نیز بر این مطلب تأکید شده که: «و یستأنف الاسلام جدیداً»^۱، لهذا هر آن کس که دلش برای اسلام می‌طپد و خواهان حیات دین در جامعه است و به دنبال امام زمان می‌گردد و می‌گوید: «أین المدّخر لتجدید الفرایض والسنن . أین المتخیر لاعادة الملة والشریعه»^۲ می‌بایست به این دعای زیبا که از ساحت قدس خود امام عصر علیه السلام بما رسیده است هم مترنم باشد که: «اللهم جدّد به ما امتحی من دینک». خدایا امور محو شده دین را بوسیله امام زمان تجدید فرما.

۴ - امام زمان زنده کننده معارف اصلی قرآن است .

تبدیلها، جابجایی‌ها، و تحریف‌های فراوان - در طول قرون و اعصار - بر قرآن عزیز و عظیم ما تحمیل و پیاده شده است اعم از تبدیل مطالب، تبدیل مقاصد، تبدیل حقایق و ارتکاب هر آنچه که با نقشه‌های شوم دشمنان اسلام مناسب و مطابق بوده و انجام هر آنچه که پایه و اساس آن جهل و نادانی همراه با علاقه و ارادات بدون محتوا نسبت به قرآن بوده است. دشمنان شناخته شده و شناخته نشده این کتاب آسمانی با صرف تمام نیروها و هزینه‌ها و اعمال تمامی قدرتها و شیطنتها نتوانسته‌اند اصل قرآن را از میان بردارند و هر جا گامی در این راه برداشتند

(۱) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۲. (۲) دعای ندبه.

محکوم به رسوائی و شکست گردیدند. لهذا تصمیم قاطع و درجه دوم آنان بر این قرار گرفت که اسم و رسم و نام و نشان و شکل و شمایل قرآن را بحال خود در میان مسلمانان باقی گذارند و تا آنجا که بتوانند معارف، احکام، مقاصد و مغز و ریشه آن را دگرگون نمایند. آنچنان که بر کتب عهدین (تورات و انجیل) روا داشتند و متأسفانه در این راه هم تا حدودی توفیق یافتند که این رشته خود سرِ دراز دارد و نیازمند به بحثی دامنه‌دار و فراگیر است.

شرح این هجران و این خون جگر

این زمان بگذار تا وقت دگر

و این از دشمن شگفت نیست شگفت از گروهی از مسلمین است که دانسته و یا ندانسته در دام وسوسه‌ها، تحریفها و تبدیلهای افتادند و نادانسته و ناخواسته افکار و آراء خود را بر قرآن وارد آوردند. و شگفت‌انگیزتر آنکه فرقه ناجیه شیعه را متهم به چیزهایی کرده و می‌کنند که خود مرتکب گردیده‌اند. با اینکه اعتقاد جازم و قطعی مذهب تشیع از آغاز تا کنون و تا همیشه تاریخ بر حفاظت و صیانت و دوری قرآن از هرگونه تحریف یا تغییر و جابجائی و تفسیر به رأی می‌باشد، آراء بزرگان علم و دانش و محققان مذهب شیعه و مصادر مستند و معتمد آنان همه و همه مُصرح بدین معنی است که باید به آن آراء و این کتب مراجعه نمود.

پس امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف با ظهور قدرتمندانه و آگاهانه خود آنچه را که دیگران بر قرآن فرود آورده و معارف و مطالب قرآنی وانمود کرده‌اند را از میان بر میدارد و این کتاب الهی و آسمانی را

آنچنان احیاء می نماید که چراغ فروزان راه بشریت و سرلوحه اساس انسانها بوده باشد .

۵ - آشکار شدن احکام تغییر یافته :

از فقره دعای « و اظهر به ما غیر من حکمک » بخوبی روشن می شود که احکامی از اسلام در عصر غیبت و ضعف اسلام دستخوش تغییر و تحریف می گردد که با ظهور دولت حقه امام عصر (عج) باید مجدداً به صحنه برگردند و در جامعه پیاده شوند و از پرده استتار به عرصه ظهور و انجلاء انتقال یابند .

در این زمینه نیز سخن بسیار و درد و رنج فراوان است که چگونه احکام نورانی و متجلی اسلام و قرآن در معرض تغییر و خفاء قرار گرفته و به خاموشی و فراموشی سپرده شده اند . بنده در اینجا تنها به یک مطلب بسنده می کنم :

گروهی از مسلمانان پس از رحلت پیامبر اسلام ﷺ که تا کنون نیز ادامه دارد به مقتضای جمله معروف و منقول از یکی از صحابه ! (حسبنا کتاب الله) حدیث ثقلین را عملاً کنار زده و از عترت رسول الله ﷺ روی برتافتند و به جهت جبران نقص حاصل از این روش ، تنها به جنبه های لفظی و ادبی قرآن مبارک اکتفاء نموده و از این رهگذر دچار تغییرات و دگرگونیهای فراوان در احکام الله شدند در صورتی که خود می دانند در قرآن عام هایی وجود دارد که مقصود از آنها خاص است نه عموم لفظی و بالعکس و نیز مطلقاتی موجود است که هدف از آنها صورت مقید آنها

است و بالعکس . ظهوراتی وجود دارد که باطن آنها منظور نظر است .
 متشابهاتی هست که باید به کمک محکمت تبیین شوند و همچنین در
 ناسخ و منسوخ ، تفسیر و تأویل ، مجمل و مبین و ... اینگونه ابهامات و
 مسائل و مصالحی که در آیات قرآن است می باید بوسیله عترت رسول الله ﷺ
 تحلیل و تفسیر شوند کسانی که در دامان پیامبر و خانه او رشد یافته و قرآن
 در میان آنان نزول یافته است و آنان از سرد و گرم و تلخ و شیرین و فراز و
 نشیبها کاملاً آگاهند لکن اینان با اعراض از عترت و خانه نشین کردن و
 منزوی نمودن آنان مانع گسترش صحیح وحی و علوم الهی گردیده و
 خویشان را هم از فیض بیکران اهل بیت ﷺ محروم کردند و تنها به ظاهر
 الفاظ بسنده شدند هر چند در موارد بسیاری از این سبک نیز عدول نموده
 و تا حد عملی بر روایات مجعول ابو هریره و امثال او نیز فرود آمدند . و به
 احادیث کعب الاحبار و هب بن منبه و دیگر روایات اسرائیلیات نیز تنزل
 نمودند ، لکن سری به در خانه عترت طاهره نزدند و از خرمن فیض و علم
 اصیل آنان خوشه ای نچیدند .

اینک بعنوان نمونه مواردی را اعم از اعتقادی و یا اجرائی به
 استحضار می رسانم . آری فقط بعنوان نمونه ، آن هم با رعایت اختصار .
 ۱- در آیه ۷ از سوره آل عمران ﴿ و ما یعلم تأویله إلا الله و الراسخون
 فی العلم ﴾ بر کلمه « الله » وقف نموده و بر فراز آن علامت وقف لازم (م)
 زدند و بدینوسیله در کتابت و رسم الخط قرآن نیز راسخان در علم (عترت
 طاهره) را از الله جدا کردند . مدعی شدند این قرائت با اصول ادبی انطباق
 است و روایات شریفه وارده در این زمینه را مهجور گذاردند .

۲- آیه «بسم الله الرحمن الرحيم» را در اوائل سوره‌ها و حتی سوره الحمد ترک نمودند، بعضی اصلاً نمی‌خوانند و برخی آهسته می‌خوانند با اینکه از قرآن بودن قرآن و جهر به آن اصلی روشن و واضح است.

امام فخر رازی در تفسیر کبیر خود گوید: «الجهر بها سنة و يدل عليه وجوه و حجج» و سپس ۶ دلیل بر مطلب خود نقل می‌نماید و در ذیل دلیل سوم گوید: نقل ان علیاً رضي الله عنه كان مذهب الجهر بيسم الله الرحمن الرحيم في جميع الصلوات و أقول: إن هذه الحجة قوية في نفسي راسخة في عقلي لا تزول البتة بسبب كلمات المخالفين و سپس در صفحه ۲۰۵ در ذیل حجت پنجم گوید: روى البيهقي في السنن الكبير ان رسول الله ﷺ كان يجهر في الصلوة بيسم الله الرحمن الرحيم. ثم ان الشيخ البيهقي روى الجهر عن عمر بن الخطاب وابن عمر وابن الزبير و أما ان علي بن أبيطالب رضي الله عنه كان يجهر بالتسميه فقد ثبت بالتواتر و من اقتدى في دينه بعلي بن أبيطالب فقد اهتدى والدليل عليه قوله ﷺ: اللهم أدر الحق مع علي حيث دار.

۳- در آیه ۵۵ از سوره المائده: «إِنَّمَا وَلِيَّكُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» از آن همه احادیث و روایات که منظور از این آیه علی بن ابیطالب عليه السلام و انگشتر بخشی او است اعراض نموده به بهانه اینکه صیغه‌های این آیه صیغه جمع، در صورتی که علی بن ابیطالب یک نفر بیش نیست و اطلاق عام بر خاص، خلاف اصل است. پس همه حقایق را فدای یک ظاهر لفظی نمودند.

۴- در آیه ۵۴ از همان سوره: «یا ایها الذین آمنوا من یرتدّ منکم عن دینه فسوف یأتی الله لقوم یحبّهم و یحبّونه» گفتند منظور از آیه همانا ابوبکر است که با مرتدین جهاد نموده است و اگر اشکال شود که کلمه قوم و همه این ضمائر جمع است و اطلاق جمع بر مفرد (عام بر خاص) ، خود گفتید که خلاف اصل است ، پاسخ دادند چون بمنظور احترام ابوبکر بوده لذا در مقام احترام اطلاق جمع بر مفرد بی اشکال است . فاعتبروا یا اولی الأبصار مراجعه شود به تفسیر کبیر امام فخر رازی (مفاتیح الغیب) .

۵- در آیه ارث زوجه: «و لهن الثمن مما ترکتم ان کان لکم ولد»^(۱) عمل به عموم لفظ (ثمن) نموده و زن را از تمام ارث منقول و غیر منقول شوهرش میراث دادند و خود را از فیض عملی و علمی روایات مخصّصه در کلام معصومین علیهم السلام که ارث همسر از شوهرش را تخصیص به اموال منقول داده اند محروم ساختند .

۶- خمس را ویژه غنائم جنگی دانستند لذا برای همیشه آن را تعطیل نموده به بهانه اینکه آیه خمس در مورد غنائم جنگ نازل گردیده است . در حالی که اولاً در علم اصول ثابت گردیده که مورد ، هیچگاه حکم را تخصیص نمی دهد و ثانیاً - آیه دلالت لفظی بر وجوب عام خمس دارد (مفاد کلی غنیمت) بعلاوه تنوین آخر کلمه من شیئی یعنی من کل شیئی^(۲) .

(۲) قرآن کریم ، سوره انفال ، اول جزء دهم .

(۱) سوره نساء .

۷- آیه قصر الصلوة ﴿ لیس علیکم جناح أن تقصروا من الصلوة ﴾^۱ را بدون ملاحظه روایات معصومان علیهم السلام دال بر رخصت میان قصر و تمام گرفتند و نماز قصر را در سفر واجب ندانستند در صورتی که خود هم به همین تخییر فتوی داده و بر خلاف این فتوی همیشه در سفر کمتر از ۱۰ روز هم نمازها را تمام می خوانند .

۸- به همین منوال هم حکم روزه در سفر را مجاز و مباح دانسته و انسان را مخیر میدانند اما هیچگاه به این تخییر عمل ننموده و روزه را در سفر انجام می دهند .

۹- در سوره عبس . آیه عبس ﴿ عبس و تولى ان جائه الأعمى ﴾ را ناظر و نازل درباره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دانستند و او را حامی سرمایه دار و روی گردان از مستضعف نابینا گرفته با اینکه این کار نه با عصمت رسول سازگار و نه با راه و رسم پیامبر اکرم چه قبل از بعثت و یا بعد از آن تناسبی داشته باشد ، سپس به توجیه آن پرداخته تا به هرگونه شده دامن آن شخص اصلی و متهم واقعی را تطهیر کنند هر چند منتهی به متهم شدن رسول اسلام صلی الله علیه و آله شود و از روایات اهل بیت علیهم السلام که مرتکب اصلی جریان را معرفی نموده اند اعراض کردند^۲ و دهها بلکه صدها نمونه دیگر .

اکنون می پرسیم : آیا این توجیها ت و تحریفات موجب تغییر احکام قرآن نمی گردد و چهره واقعی این کتاب آسمانی را نمی پوشاند ؟

(۱) سوره نساء .

(۲) رجوع شود به تفسیر قمی ، تفسیر المیزان و مقایسه شود با دیگر تفاسیر .

ثانیاً - این تبدیل و تغییرها را چه کسی باید اصلاح کند؟ قرآن کریم بوسیله کدام منبع و مجمع علم و قدرت باید به جایگاه اصلی خود بازگردد؟

آیا جز مهدی موعود آن منتقم حقیقی و آن مصلح جهانی کسی می تواند آب از جوی رفته را بازگرداند؟ آیا نباید همیشه زمزمه کنیم «أین المدّخر لتجدید الفرائض والسنن أین المتخیر لاعادة الملة والشريعة» و مدام دعا کنیم به درگاه خدا که «اللهم جدّد به ما امتحی من دینک واحی به ما بدّل من کتابک و اظهر به ما غیر من حکمک»؟

۶ - احیاء قرآن بدست امام زمان (عج) :

بدیهی ترین عقیده همه ما مسلمین آن است که قرآن حیات بشر و عامل زندگی انسانی می باشد و این مدعا نیازی به هیچگونه استدلال ندارد .

اکنون سؤال می کنیم : قرآن به این خطورت و عظمت با مقاصد و اهدافی چنین متعالی و مترقی از سوی چه کسی می تواند در میان مردم زنده و زندگی بخش بماند . آیا فرد و یا افرادی که از قرآن بیگانه باشند قدرت و صلاحیت این مهم را دارند؟ آیا این مُحیی و معلم و راهنما نباید کسی باشد که خود عدل و عدیل قرآن است و به تمام ظواهر و بواطن قرآن عارف ، عالم و عامل؟ بلکه خود قرآن مجسم است؟ آیا در پهنه گیتی چنین فردی می تواند سوای امام زمان شیعه باشد که این گره ها به انگشت با کفایت او گشوده خواهد شد . «أین محیی معالم الدین و أهله؟»

نکته اساسی در جمله « اللهم احی بولیک القرآن » آنکه این جمله اشعار دارد که احیاء قرآن با ابزار ولایت می تواند به ثمر بنشیند و این ولایت منحصرأ در اختیار امام زمان (عج) می باشد. ولایتی شامل تکوینی و تشریحی (هم قدرت معنوی و آسمانی و هم قدرت حکومتی و زمامداری).

۷- نور مهدی علیه السلام دائم و سرمد است :

خوشبختانه این فقرات دعا تماماً از زبان مبارک خود امام عصر و ولی امر علیه السلام صادر گردیده و هر چیزی را در جایگاه اصلی خود معرفی و اعلام نموده است. حکومت امام زمان چیزی جز نور و روشنی نیست چنانکه طلعت مبارک او روز محض و روشنی مطلق است. آیا دعایی بهتر از این. و سخنی محکم تر از این و زبانی گویا تر از این می خواهیم؟ در پایان مقال و در جهت روشن تر شدن این جمله دعا « وأرنا نوره سرمداً لا لیل فیه » اشاره کنم به روایتی جان بخش و روح افزا از حضرت امام محمد باقر علیه السلام که در شرح آیه دوم از سوره واللیل در ضمن حدیثی فرمود: « والنهار إذا تجلی قال: النهار هو القائم من أهل البيت اذ أقام غلب دولته الباطل والقرآن ضرب فیه الأمثال للناس و خاطب الله نبیّه به و نحن فلیس یعلمه غیرنا »^۱.

این سخن ارزشمند از زبان امام پنجم مفاد همان دعایی است که از زبان امام دوازدهم مهدی منتظر علیه السلام تراویده که وجود امام زمان نور و

(۱) تفسیر القمی، ج ۲، ص ۴۲۵.

روشنی است که چون روز روشن و بلکه بهتر از آن بر همه چیز و همه کس تجلی می‌کند. نور می‌افکند، حیات می‌بخشد، می‌درخشد و همه چیز دیگر را تحت الشعاع و مغلوب و مضمحل می‌نماید.

اللهم احي بوليک القرآن و ارننا نوره سرمداً لا لیل فیہ . والسلام

۱۴۲۳ قمری - ۱۳۸۱ شمسی

سایه معشوق ﷺ

یا

پیام به منتظران ظهور و عاشقان مهدی «عج»^۱ ﷺ

سایه معشوق اگر افتاد بر عاشق چه شد؟

ما بدو محتاج بودیم او به ما مشتاق بود

حضرت صاحب الامر سلام الله علیه در یکی از نامه‌های شریف

خود به جناب شیخ مفید رحمته الله علیه چنین نوشت:

... إنا غير مُهمِلين لمراعاتكم و لا ناسين لذكركم و لو لا ذلك لنزل بكم

اللاواء و اصطلمكم الأعداء فاتقوا الله جلّ جلاله ...^۲

جداً که ما در مراقبت و مواظبت از شما کوتاهی نمی‌کنیم و شما را

از یاد نمی‌بریم و اگر جز این بود هر آینه بر شما بلاء نازل می‌گردید و شما

(۱) این پیام در ماهنامه فرهنگی اعتقادی و اجتماعی موعود منتشره در تهران شماره (۱۵)

مرداد و شهریور سال (۱۳۷۸ ش) با عنوان سایه معشوق درج و نشر گردیده است .

(۲) نامه امام (عج) به شیخ مفید . صادره در اواخر ماه صفر ۴۱۰ هـ . مدرک . احتجاج شیخ

طبرسی و بحار الانوار علامه مجلسی ج ۵۳ ص ۱۷۵ .

را دشمنان در کام خود فرو می‌بردند پس تقوای الهی را مراعات کنید .
 چه بسا گوینده‌ای که بهنگام سخن و به وقت تکلم به منظور ارائه
 قدرت و توان خود از ادات تأکید و ضمیر متکلم مع الغیر (اِنَا) بهره
 می‌گیرد گرچه متکلم یکی بیش نیست چه تبدیل مفرد به جمع نشانه
 کثرت قدرت و افزایش توان است . در جمله فوق نیز امام عصر (عج)
 می‌فرماید : اِنَا غَیْر مَهْمَلِین ... الخ

اما نیک که بنگری و در صدر و ذیل نامه اشاره شده که نظر افکنی
 خواهی دانست که اینجا تنها جای اِعمال و ارائه قدرت و قوت نیست
 بلکه همراه آن جای ابراز مودت و رأفت و اظهار محبت و شفقت نیز
 هست .

زیرا مواظبت امام علیه السلام از شیعیان خود و فراموش نکردن آنان و در
 نتیجه حفظ آنان از بلاء و رهائی از اعداء از اهمّ مظاهر شفقت و مرحمت
 آن وجود عزیز است به برکت قدرت امامت و ولایت .
 پس ادات تأکید برای بیان اهمیت موضوع و ضمیر متکلم به منظور
 ارائه توان و شوکت است .

توضیح : آنچه به نظر می‌رسد آن است که کلمات حضرت
 صاحب (عج) آمیزه‌ای است از ابراز قدرت و عظمت معنوی امامت و
 رهبری همراه با اظهار ملاطفت و محبت مشفقانه و پدرانانه از سوی آن امام
 رؤف و مهربان .

نتیجه سخن امام علیه السلام آنکه : ما با کمال قدرت و توان علمی و
 معنوی که خداوند بما ارزانی داشته است از اخبار و جریانات شما آگاهی

داریم و به شما و کار شما اشراف داشته و چیزی از شما بر ما پوشیده نیست چنانکه با همان محبت و شفقت فائقه خود نسبت به شما شیعیان مراقبتان بوده و دعایتان می‌کنیم و بدینگونه است که خداوند از شما حوادث ناروا را دور می‌سازد و بلاها را از شما زدوده دشمنانتان را در اجرای نقشه‌های خائنانه‌شان ناتوان و ذلیل می‌گرداند و رعایت تقوی الهی از سوی شما ضامن استمرار و ادامه این نعمت‌ها است.

پس ای منتظر ظهور. و ای عاشق حضرت مهدی علیه السلام

بنگر که امام غایب از دیدگان تو چگونه از تو حراست و مراقبت

می‌کند.

و بنگر که او چسان به کار و حال تو احاطه و اشراف دارد.

با اینکه به ظاهر از تو دور است اما به یاد تو سخن می‌گوید و در این

رابطه روحانی خبری و اثری از بُعد منزل نیست.

تو او را نمی‌بینی اما او تو را می‌بیند و چیزی از تو بر او پنهان و

مخفی نیست که: (يَحِيطُ عَلِمْنَا بِأَنْبَائِكُمْ وَ لَا يَعْزُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ).

این بزرگترین مژده امام علیه السلام است به تو.

و هم قوی‌ترین اتمام حجت است بر تو.

پس اکنون که تو با تشیع خود و با انتظار ظهور او و موالاتت از مقام

والای امامت و مهدویت این صلاحیت را به دست آورده و چنین

موهبت را کسب کرده‌ای که مورد عنایت و مشمول دعای خیر او هستی و

در معرض شفقت و مرکز محبت او قرار گرفته‌ای به گونه‌ای که بلا را از تو

دور می‌گرداند و خطر را از تو می‌رهاند و از تو پاسداری و حفاظت

می فرماید .

پس برای ادامه این وضع و شکر این نعمت ، تو نیز برای او دعا کن و سلامت او را از خدا بخواه . و تعجیل فرج او را بطلب و زمینه را در خود و در جامعه‌ات برای ظهور او و تشکیل دولت حقه الهیه او فراهم کن . این انقلاب اسلامی را بدانچه بتوانی تقویت کن و در حمایت و مساعدت جمهوری اسلامی باش که این انقلاب خود مقدمه آن انقلاب عظیم الهی است .

شیعیان امام خود را بلکه تمامی مسلمین را به وظایفشان آگاه و آگاه‌تر فرما .

آنان را به مسئله غیبت و فلسفه آن و به برکات ظهور امام و گسترش قسط و عدل فراگیر او مطلع و معتقد ساز و در این مسیر حرکت آفرین به حرکت آور .

تقوی پیشه کن که او خود فرمود : فاتقوا الله جلّ جلاله .

تا هم شکر نعمت گزارده و بر نعمت خود بیفزایی که لئن شکرتم لأزیدنکم و هم دستور امامت را اجراء کرده باشی . و هم موجبات قبولی اعمال و عبادات خود را فراهم آوری که إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ . سلام و درود بر منتظران ظهور باد که به گفته امام هفتم موسی بن جعفر علیه السلام همدرجه امامان معصوم در روز قیامت هستند .

﴿ امدادها و ارشادهای حضرت صاحب الزمان «عج» ﴾

﴿ به علماء اعلام و مراجع عظام شیعه ﴾

امام یازدهم شیعیان حضرت حسن بن علی العسکری علیه السلام روایت کند: که پدرم حضرت امام علی النقی علیه السلام چنین فرمود:
لو لا من یبقی بعد غیبة قائمنا من العلماء الداعین الیه والدالین علیه
والذابین عن دینه بحجج الله والمنقذین لضعفاء عباد الله من شباک ابلیس و
مردته و من فخاخ النواصب لما بقی أحدٌ إلا ارتدّ عن دین الله و لکنهم یمسکون
أزمنة قلوب ضعفاء الشیعه كما یمسک صاحب السفینة سگانها أولئک هم
الأفضلون عند الله عزوجل^۱.

ترجمه: اگر پس از غیبت قائم ما علیه السلام نبودند دانشمندانی که مردم
را دعوت و راهنمایی به آن حضرت می نمایند و دلالت بسوی او می کنند

(۱) این مقاله جهت درج در سالنامه شمس ولایت وابسته به بنیاد فرهنگی و خیریه نیمه
شعبان مسجد آیه الله انگجی تبریز، مورخه ۱۵ شعبان المعظم ۱۴۲۴ هـ تهیه و ارسال
گردیده است.

(۲) بحار الانوار. ج ۲. ص ۶. ح ۱۲. به نقل از الاحتجاج شیخ طبرسی و تفسیر منسوب به
امام حسن عسکری علیه السلام.

و از دین خدا با حجت‌ها و برهانهای الهی دفاع می‌کنند و بندگان ناتوان خداوند را از دام‌های شیطان و پیروان او و از تله‌های دشمنان مذهب و اهل بیت علیهم‌السلام نجات می‌دهند هر آینه (به مرور زمان) همه از دین خداوندی مرتد و متزلزل می‌شدند لکن این عالمان و دانشمندان کسانی هستند که زمام دل‌های شیعیان ضعیف را بدست گرفته و حفظ می‌کنند آن چنانکه کشتیبان فرمان کشتی را محکم نگه داشته و از غرق نجات می‌دهد. این عالمان مجاهد نزد پروردگار متعال برترین‌ها می‌باشند.

این دانشمندان عظیم الشأن اسلامی و این نخبگان ارزشمند علمی و مذهبی دلیل‌ها و برهانهای خود و حمایت‌ها و حفاظت‌های منطقی و اعتقادی خویش را از کجا می‌آورند؟ از تحصیل و تلمذ. از مطالعه و مراجعه. از فکر و اندیشه و تدبیر. از خردورزی و تعقل. لکن از همه مهمتر. از استفاده از امدادهای غیبی و کمک‌های معنوی و فوق معنوی خداوندی (حجج الله) که وسایل و ابزار دیگر نیز اسباب و عواملی از همان امدادهای غیبی می‌باشند که در راه هدفی مقدس (حفظ دین خداوند) و تعلیم و تربیت بندگان خدا انجام می‌گیرد و این خود یکی از دلایل روشن این مدعا است که علماء اعلام نمایندگان و نواب عام حضرت بقیه الله (عج) می‌باشند. که مردم را به سوی رهبرشان فرا خوانده و آنان را به او می‌رسانند و راهزنان و قطاع‌الطریق را از میان برمی‌دارند.

این امدادهای غیبی طبعاً می‌بایست رشحه‌ای از قداست و بهره‌ای از ملکوتیت را به‌مراه داشته باشند. آری. اصلی‌ترین و اصیل‌ترین این

بهره‌ها و رشحه‌ها آن است که گوشه چشمی از سوی خود حضرت مهدی علیه السلام بدان افکنده شود و افاضه‌ای از آن جان جانان بر آن مشاهده گردد.

خوشبختانه همیشه چنین بوده است. گاهی بوسیله رؤیاهای صادقانه. زمانی از راه مکاشفه. اوقاتی از طریق تشریف حضوری به محضر امام غائب. هنگامی در نتیجه خطور قلبی و از جهت محتوا گاهی با ذکر نکاتی اخلاقی و زمانی مسائلی فقهی. و یا بیان حوادثی تاریخی. و یا ارشاداتی قرآنی و تفسیری و یا راهنمایی‌هایی اجتماعی و یا شخصی. خلاصه مدام به گونه‌های مختلف، محبت‌های بیدریغ و حمایت‌های بی‌واسطه و باواسطه را می‌نگریم که حضرت صاحب علیه السلام علماء و نواب عام خود را و بوسیله آنان شیعیان و پیروان خود را مورد حمایت و تقویت و دستگیری قرار داده و می‌دهد و بدینوسیله دل‌های آنان را قوی و عقاید آنان را استحکام و باورهای ولایتی ایشان را زنده و ثابت نگه میدارد و دشمنان نابکار را از سر راه شیعیان بر میدارد. و این خود یکی از بهترین و بارزترین مصداق‌های عینی حدیث شریفی است که در مطلع مقال خود ذکر کردیم.

در مقاله حاضر. نمونه‌هایی چند از مستندترین و اصیل‌ترین نمونه‌های ملاطفت و مساعدت آن وجود اقدس به شیعیان خود را با استناد به معتبرترین مدارک و زنده‌ترین جریانات (از میان صدها و هزاران) واقعه و حادثه مشابه تقدیم خوانندگان. علاقمندان و ارادتمندان ساحت قدس مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌نمائیم. و برای

مزید فایده در ذیل هر یک توضیحات و نکاتی را ذکر می‌کنیم. امید است که در نگاه خداوندی مقبول افتد و برای بندگان او و شیعیان آن حضرت مفید فایده باشد.

۱ - دانشمند محقق مرحوم شیخ محمد سماوی در کتاب نفیس ظرافة الاحلام (چاپ نجف اشرف / ۱۳۶۰ ق ص ۸۱) نقل نموده از زبان عالم فاضل مرحوم سید باقر هندی رضوی (متوفای ۱۳۲۹ ق) که فرمود: در خواب به محضر حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه و سهّل مخرجه) مشرف شدم در شبی که شب عید غدیر بود. در حالی که امام علیه السلام محزون و گریان بود. بسوی او رفتم و سلام کردم و دو دست او را بوسیدم و گویی امام در اندیشه فرو رفته بود عرضه داشتم: آقای من این روزها موسم شادی و سرور است که عید غدیر فرا رسیده چرا شما را حزین و گریان می‌بینم. امام علیه السلام پاسخ داد: به یاد مادرم فاطمه زهراء و غم و حزن او افتاده‌ام. سپس حضرت مهدی علیه السلام این شعر را القاء فرمود:

لا ترانی اتخذت لا و علاها بعد بیت الأحزان بیت سرور

ترجمه: نمی‌بینی مرا (سوگند به علوّ حضرت زهراء علیها السلام) که بعد از بیت الاحزان آن مظلومه و حوادث آن. من بیت السرور و خانه شادی داشته باشم. سید گوید: از خواب بیدار شدم و قصیده‌ای سرودم با همان وزن و قافیه و آن شعر حضرت صاحب علیه السلام را در ضمن آن گنجانیدم.

ما مردم ظاهرنگر به سطح مسائل و ظاهر امور می‌نگریم و اساس احساسات و افکار بلکه عقاید و اعمال خود را هم بر امور ظاهری قرار می‌دهیم (و جز این هم راهی و به غیر این هم تکلیفی نداریم و همین

عمل به ظواهر هم از سوی شارع اسلام برای ما تعیین شده است (لکن رهبران معصوم و پیشوایان الهی که بر اساس معرفت و شناخت ولایتی خود به عمق اشیاء می نگرند و به ریشه و علل مسائل توجه دارند با ما متفاوت هستند . علیهذا در پاره‌ای از موارد که ما خوشحال و مسروریم احیاناً صاحبان مقام ولایت و عصمت محزون و غمگین می باشند . ضمناً از این رؤیا معلوم می شود که مصائب حضرت زهراى مرضیه و حوادث مؤلمه غصب خلافت تا چه اندازه موجب تأثر خاطر و حزن عمیق و گریه حضرت بقیه الله علیها السلام بوده و می باشد و البته چنین خواهد بود تا با ظهور دولت حق و انتقام از ستمگران . حقوق غصب شده علی و زهرا علیهما السلام تلافی گردد .

۲ - دانشمند یاد شده در کتاب یاد شده (صفحه ۸۳) از فاضل متقی مرحوم شیخ محمد طه نجفی متوفای ۱۳۲۳ ق آورده و او از مرحوم شیخ احمد آل قفطان متوفای ۱۳۰۶ ق که او شبی در خواب به محضر نورانی حضرت حجت علیه السلام رسیده و از اوضاع و احوال شکایت نموده است و امام در پاسخ او چنین سروده :

لنا أوبةٌ من بعدِ غیبتنا العظمی فنملأها قسطاً كما ملئت ظلماً
و جدی و آبائی و عقد و لائنا لقد كان ذا حقاً علی ربنا حتماً

ترجمه : ما پس از غیبت کبرای خود بازگشتی به دنیا خواهیم داشت . و آنرا سرشار از عدل و داد خواهیم نمود پس از آنکه پُر از ظلم شده باشد . سوگند به جدّم و به پدرانم و قسم به گوهر ولایتمان که این

مطلب حق است و خداوند آن را بر خود حتم و لازم دانسته است .
 شیخ گوید : از خواب بیدار شدم در حالی که این دو شعر را در
 حفظ داشتم که بعداً از سوی برخی از علماء تخمیس شده است .
 مطالب ارائه شده از سوی حضرت مهدی علیه السلام در دو شعر یاد شده
 مضمون همان مطالبی است که در دهها حدیث و روایت (چه از طرق
 شیعه و یا اهل سنت) و در دهها (اگر نگوئیم) صدها مدرک و مصدر
 قدیم و جدید روایت و حدیث نقل شده است و این خود بشارتی عظیم و
 مژده‌ای بزرگ و تسلی و دل‌داری حیات‌بخشی برای مسلمانان عموماً و
 شیعیان بالخصوص می‌باشد . بویژه آنکه روایات مورد اشاره نوعاً عام و
 مخاطب آنها همگان است اما در رؤیای صادقه فوق اولاً مخاطب خاص
 دارد (یعنی شخص خواب بیننده) و ثانیاً امام علیه السلام سوگند یاد می‌کند و
 ظهور دولت مهدوی را وعده حتمی و تعهد جدی خداوندی میداند . و
 اینها خود تأکیدی و تأییداتی بر مندرجات احادیث اسلامی بشمار
 می‌رود که باعث تقویت روحیه هر فرد و جامعه مستضعف و مظلوم
 خواهد بود .

۳- گویند : پس از آماده شدن مقدمات مرجعیت مرحوم علامه

شیخ اعظم انصاری (۱۲۱۴ هـ - ۱۲۸۱ هـ) با وصیت مرحوم صاحب
 جواهر و تصدیق علماء بزرگ ایران و عراق . خود مرحوم شیخ انصاری
 گفته بود : تا اجتهاد من از سوی حضرت بقیه الله الاعظم علیه السلام مورد
 تصدیق قرار نگیرد من اقدام به صدور فتویٰ نخواهم نمود . اتفاقاً روزی که

شیخ در مقرّ خود تشریف داشت شخصی (به ظاهر عرب) به در اطاق شیخ حاضر شد و گفت : (شیخنا مسئله) هرگاه کسی مسخ شود و از انسانیت بیرون رود آیا همسر او چه مقدار باید عده نگه دارد تا پس از آن بتواند شوهر جدید انتخاب کند ؟ آیا عده وفات (چهار ماه و ده روز) و یا عده طلاق (سه دوره متوالی قاعدگی) ؟ شیخ پس از اندک تأملی پاسخ داد : اگر آن فرد مسخ به جماد شده (مانند سنگ . چوب و غیره) عده از او عده وفات است و چنانچه مسخ به حیوانی شده (مانند سگ . بوزینه و...) عده همسر او عده طلاق خواهد بود . در این اثناء آن شخص عرب فرمود (یکی دوبار) : أنت المجتهد . و از نظرها ناپدید گردید و شیخ از آن تاریخ به مسند مرجعیت تکیه زده و اقدام به صدور فتوی نمود^۱ .

از این جریان نیز درس‌ها و نکات چندی مستفاد میگردد :

الف : پاسخ شیخ بر این ترتیب استوار است که چنانچه آن شخص به سنگی و جمادی تبدیل شده حکم میّت را دارد که پس از فوت بی‌روح و بی‌حرکت چون جماد است پس عده همسر او عده وفات . و چنانچه تبدیل به حیوانی گردیده حکم طلاق را دارد که اگر چه دیگر شوهر آن زن محسوب نیست لکن در عین از دست دادن صورت نوعیه اما ماهیت انسانی و نفس ناطقه او باقی است پس همان طلاق است که شوهر از کنار او رفته لکن وجود او باقی و موجود است پس در صورت نخست عده وفات و در صورت دوم عده طلاق باید محاسبه شود و این قیاس نیست

(۱) نقل بالواسطه از کتاب گنجینه دانشمندان ج ۸ ص ۳۹۲ .

بلکه تنظیر و استناد به ملاک می باشد^۱.

ب: حضرت صاحب علیه السلام خواسته شیخ را اجابت فرموده و اجتهاد و مقام استنباط و فقاہت شیخ اعظم را تأیید و بدینوسیله اذن فتویٰ و مرجعیت هم جهت شیخ صادر شده است.

ج: حمایت امام عصر علیه السلام هم از فقیه بزرگ شیخ انصاری و از مقام مرجعیت و فقاہت (که خود از اعتقادات اساسی مذهب شیعه است و فقها را نائب و مأذون از سوی حضرت حجت علیه السلام میدانند) مدلل و روشن میگردد.

د: امام عصر (طبق این داستان) اصل فقاہت و اجتهاد شیخ را تصدیق و لکن مستقیماً نظری به ماهیت فتوای شیخ نفرمودند تا بدینوسیله راه برای ادامه استنباط و تحلیل مسائل فقهی برای همیشه باز و مفتوح بماند.

و نکات و درسهای دیگر که بر ارباب تخصص و اصحاب تبحر پوشیده نیست.

۴ - علامه بزرگ آیه الله شیخ آقابزرگ تهرانی رحمۃ اللہ علیہ صاحب دو اثر معروف الذریعه و طبقات اعلام الشیعه کتاب مخطوطی دارد که خود در حاشیه آن نام کشکول را بر آن نهاده است و شامل مطالب گوناگونی در زمینهها مختلف است. وی در صفحه (۷۰) این کتاب چنین گوید:

(۱) تفصیل موضوع را از نظر علمی و فلسفی در تفسیر المیزان ج ۱ ص ۲۱۰ (متن عربی) در تفسیر آیه ۶۵ و ۶۶ سوره البقره بیابید.

بسم الله الرحمن الرحيم. یکی از عالمان دین حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف را در خواب دید و از آن حضرت تقاضای ارائه دلیلی محکم و متقن خواست که دلالت بر امکان زندگانی و طول عمر درازمدت بصورت خارق العاده داشته باشد. امام علیه السلام این آیات از قرآن کریم را که در مورد حضرت یونس پیامبر علیه السلام است تلاوت فرمود: «فالتقمه الحوت وهو مليم ولو لا انة كان من المسبحين لبث في بطنه الى يوم يبعثون»^۱ آن عالم دینی از خواب بیدار شده و در اثر افاضه حضرت مهدی علیه السلام به این نکته عمیق پی برد که خداوند قادر متعال در سخن راستین خود خبر داده است از قدرت خود بر زندگی و مکث و درنگ یونس در شکم نهنگ تا قیام قیامت لکن چون وی در شکم ماهی تسبیح و ذکر خداوند می گفت از آن زندان نجات یافت. و اینکه این اقامت دائم تا روز رستاخیز در درون شکم ماهی بی تردید می بایست همراه حیات و زندگی باشد و گرنه اطلاق کلمه (لبث) تا روز (بعث) صحیح نمی بود چنانکه درباره اصحاب کهف نیز فرموده است «ولبثوا في كهفهم ثلاثمائة سنين وازدادوا تسعا»^۲ چه آنان نیز در درون کهف زنده بوده و بخواب رفته بودند «و تحسبهم أيقاظاً وهم رقود»^۳ پس کلمه (لبث) صدق نمی کند مگر با فرض زنده بودن زیرا در صورت مردن چیزی جز باقی ماندن جسم مرده در محل مرگ معنی ندارد پس آن چنان که لبث و مکث یونس ملازم با زنده بودن اوست

(۱) سوره الصافات آیه ۱۴۲.

(۲) الكهف / ۲۵.

(۳) الكهف / ۱۸.

همچنان مستلزم زنده ماندن آن نهنگ نیز تا قیامت خواهد بود . زیرا با مرگ ماهی و نابود شدن جسد او امکان لبث و مکث یونس در شکم ماهی نیز معنی نخواهد داشت پس لبث (حیات) یونس تا قیامت مستلزم لبث و حیات نهنگ نیز می باشد . حال آن خداوندی که قادر بر نگهداری یونس و نهنگ بصورت زنده تا قیام قیامت می باشد آیا قادر و توانا نیست که بنده مقرب خود و خلیفه خود در آسمان و زمین (امام زمان) را تا آخر الزمان زنده نگه دارد ؟

سپس علامه طهرانی می افزاید: زمخشری در تفسیر الکشاف گوید: ظاهر آن است که مقصود لبث و درنگ یونس بصورت حی و زنده تا دامنه قیامت است و روایت شده که یونس طعمه ماهی قرار نگرفت بلکه شکم او زندانی برای یونس بود و اینکه قتاده گوید: شکم نهنگ قبر یونس قرار داده می شد این یک تفسیر به رأی است که قابل تصدیق نیست چنانکه در تفسیر ابی السعود چنین آمده که: لبث فی بطنه حیاً و قیل میتاً . و انتساب احتمال مرده ماندن یونس در شکم ماهی با کلمه (قیل) اشاره به ضعف و سستی این احتمال است .^۱

این رؤیای صادقه و این تشرف به محضر نورانی امام عصر علیه السلام و این استدلال متقن و متین از سوی آن حضرت . و این توضیحات تفسیری و تکمیلی ارائه شده از جانب مرحوم علامه طهرانی رحمته الله که بزرگترین

(۱) مدرک: مصلح جهانی به قلم سید هادی خسروشاهی . ص ۲۹۹ و ۳۰۰ همراه با عین

دستخط مرحوم علامه طهرانی در کتاب کشکول . به زبان عربی .

بشارت برای شیعه و گرانبهاترین ارمغان جهت منتظران ظهور امام زمان (عج) می باشد ما را از هرگونه بحث و تحلیل بی نیاز میدارد بلکه امکان هرگونه سخن پردازی را از هرکس سلب می نماید. تنها به این نکته می توان اشاره نمود که: افاضات. حمایت ها. ارشادات و توجهات حضرت بقیه الله اعظم همیشه چه در زمان ظهور و یا غیبت و چه در بیداری و یا خواب و چه برای عامه مردم و یا دانشمندان و نخبگان علمی و دینی و در هر زمینه چه مسائل اعتقادی. و یا عملی و چه در امور تکوینی و یا تشریحی همیشه و همیشه پایدار و برقرار و مستمر و مداوم بوده و هست و این خود رشحه ای از برکات وجودی حضرت مهدی صلوات الله و سلامه علیه است که فیض او عامّ و افاضات وی فراگیر و مستدام می باشد.

۵- یکی از عالمان مشهور عصر اخیر چنین گوید:

در سال ۱۳۶۰ قمری برابر ۱۳۲۱ شمسی به حج مشرف شدم پس از مکه به کربلا رفتم و دهه محرم در کربلا بودم سپس به نجف رفتم و با مرحوم آیه الله سید ابوالحسن اصفهانی (متوفای ۱۳۶۵ ه. ق) ارتباط پیدا کردم شب آخر که می خواستم از نجف بطرف حله رهسپار شوم در منزل مرحوم سید (آیه الله العظمی اصفهانی) حدود سه ساعت با ایشان خصوصی ملاقات کردم. من به سید مطالبی را تذکر دادم تقریباً قدری از ادب خارج و تند شدم یکی از پیشنهادهایم راجع به سامراء بود که درباره آن خیلی تندروی کردم گفتم: آخر شما به اعتبار امام زمان آقایی می کنید

مردم به احترام ایشان دست شما را می بوسند پول ایشان به دستتان می رسد چرا به فکر امام زمان نیستید؟ باید سامراء مرکز شیعه باشد و...
 مرحوم سید وقتی دید تند می روم یک مرتبه حالش بهم خورد و فرمود: اینهایی را که شما می گوئی قبول است لکن ما آن قدرها هم از امام زمان علیه السلام دور نیستیم سپس از میان نامه ها یک پاکت را پیدا کرد و بوسید و فرمود: که آن بزرگوار چیزهایی امر فرموده اند و ما نیز به توفیق خدا می خواهیم اطاعت کنیم. ان شاء الله امیدواریم که خوب عمل کنیم بعد پاکت را به من دادند. پاکت را باز کردم نامه ای را که بوسیله ثقة الاسلام والمسلمین زین العلماء والصالحین حاج شیخ محمد شریعہ ای شوشتری (شیخ محمد کوفی ساکن در مسجد کوفه. از اوتاد و اتقیاء زمان و صاحب طی الارض و متشرف به محضر نورانی حضرت بقیة الله علیه السلام) از طرف حضرت واصل شده بود مشاهده کردم و در آن خطاب به سید نوشته بود: قل له: ارخص نفسك واجعل مجلسك في الدهليز واقض حوائج الناس نحن ننصرک.

ای شیخ محمد به سید (آية الله اصفهانی) بگو: خودت را به آسانی و ارزانی در اختیار مردم قرار بده. نشستن خود را در راهروی خانه ات قرار بده (تا مردم به آسانی و سهولت به تو دسترسی داشته باشند) و حاجت های مردم را برآور. ما تو را یاری می کنیم.

از حضرت سید اجازه خواستم تا از روی اصل نامه بنویسم ایشان اجازه فرمود و تذکر داد تا زمانی که زنده هستم راضی نیستم کسی از این

نامه آگاه شود^۱.

پاره‌ای از نکات مستفاد از این جریان :

- ۱- ارتباط متقابل و ویژه میان حضرت بقیه الله علیه السلام در عصر غیبت کبری او و میان علماء بزرگ اسلام و فقهای عظام .
- ۲- ارشاد و راهنمایی فقها و مراجع عظام به آنچه که در رهبری آنان و وظایف مربوطه به آن مؤثر است .
- ۳- سفارش مؤکد بر کارگشایی مشکلات مردم و رفع نیازمندیهای مراجعین و مستضعفین .
- ۴- حذف تشریفات دست و پاگیر و رفع موانع ارتباط میان مراجع عظام با ارباب رجوع .
- ۵- توصیه به فروتنی و تواضع و یک رنگی با مردم (نشستن در راهروی منزل) .
- ۶- وعده حمایت و نصرت به مراجع عظام که نایبان عام امام عصر علیه السلام میان مردم و جامعه می باشند .
- ۷- وجود پاره‌ای خصوصیات و اسرار مابین امام عصر علیه السلام و مراجع معظم بطوری که احیاناً برخی از عالمان برجسته که بخشی از عمر خود را صرف دین و تبلیغ برای امام زمان نموده باشند هم به آن اسرار ویژه بی اطلاع باشند . مگر به اندازه‌ای که خود صاحبان اسرار از آن پرده

(۱) کلمة الامام المهدی (ترجمه) ص ۵۶۰ - مجالس مهدی علیه السلام ص ۱۰۴ - سینای معرفت .

بردارند .

۶ - عالم عارف ، فقیه الحکماء و حکیم الفقهاء مرحوم آیه الله العظمی حاج شیخ محمدتقی آملی رحمته الله (متوفای ۱۳۵۰ شمسی در تهران و مؤلف مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی و تألیفات نفیس دیگر) در دفتر خاطرات خود چنین نگاشته : شبی از شبها در مسجد کوفه بیتوته داشتیم و در سحر بعد از ادای نماز شب به مسجد رفته مشغول به ذکر یونسیه بودم (ذکر آیه شریفه لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین . سوره انبیاء آیه ۸۷) و در آن اوقات این ذکر مقدس را در سحر در حالت سجده چهارصد بار و یا بیشتر می گفتم . در آن هنگام که در مسجد مشغول بودم حالتی برایم روی داد که نه خواب بودم و نه بیدار بطوری که چون سر از سجده برداشتم برای نماز صبح تجدید وضو نکردم . دیدم حضرت ولی عصر ارواحنا فداه و رزقنا لقاءه را و مکالماتی بین این ذره بيمقدار و آن ولی کردگار شد که الآن به تفصیل از آن آگاه نیستم از آن جمله پرسیدم که این اصول عملیه که فقهاء هنگام فقد دلیل اجتهادی به آن عمل می کنند مرضی هست ؟ فرمودند : بلی اصول عذریه و عمل به آن مطلوب است . عرض کردم : در باب عمل به اخبار دستور چیست ؟ فرمودند : همان است که فقهاء به آن اخذ و عمل به همین اخبار در کتب معموله مجزی است . عرض کردم . در مورد مناجات خمسه عشر^۱ چه دستور می فرمائید با وجودی که به سندی مأثور از معصوم نیست آیا خواندن روا

(۱) مفاتیح الجنان به نقل از بحار الانوار علامه مجلسی .

است؟ فرمود: بلی به همین نهجی که علماء معمول میدارند عمل کردن روا است و عامل مأجور است. و این ضعیف را چنان معلوم شد که میخواستند بفرمایند در عصر غیبت همین رویه که فقهاء در استنباط احکام دارند و به آن عمل می‌کنند مرضی است و اتعاب نفس برای ادراک واقع ضروری نیست و باز مسئله دیگر عرضه داشته بودم که الآن هیچیک از آنها در خاطر نیست والله الهادی الی سوا السبیل^۱.

درس‌ها و نکته‌های ویژه در جریان فوق:

۱- تشریف به محضر امام عصر علیه السلام در وقت سحر. بهنگام ذکر. در سجده و در مسجد کوفه (چهار عامل مهم جهت عروج به قلّه معنویت).
 ۲- ارشاد امام زمان علیه السلام و تأیید او از ابزار اجتهادی که جهت استنباط احکام در دست فقهای عظام می‌باشد ابزاری که نواب عام امام عصر علیه السلام در دوران غیبت امام عصر و با اجازه آن حضرت احکام الهیه را استخراج (چه در زمینه اخبار و روایات و چه در مورد اصول عملیه) و در اختیار بندگان خدا قرار میدهند.

۳- تأیید ادعیه و مناجات‌های معتبر و معروف با استفاده از اخبار من بلغ و قاعده تسامح در ادله سنن (که در علم اصول مذکور و مسطور است) و اینکه موجب اجر و ثواب است هر چند سند قطعی آنها در دست نباشد.

۴- تأیید فقهاء و علماء چه در امور علمی و یا مسائل معنوی و

(۱) در جستجوی استاد (شرح حال عارف فرزانه آیه الله آقا شیخ محمدتقی آملی) ص ۲۱.

عبادی .

۵- اجتماع علم و عمل (فقه و عبادت) بزرگترین عامل مؤثر در وصول به مدارج عالیّه تا حد شرفیابی به محضر حضرت بقیة الله است چنانکه در مورد شیخ محمدتقی آملی و صدها و هزاران شخصیت برجسته امثال آنان رخ داده و میدهد .

۷- از جمله مطالبی که حضرت آیة الله حائری (مرحوم حاج شیخ مرتضی رحمته) فرمودند : این بود که گاهی افرادی به من مراجعه می کردند و تقاضای کمک و مساعدت داشتند من درباره استحقاق آنها شک داشتم و مردّد بودم که آیا چیزی به آنها بدهم یا اینکه آنها را دست خالی برگردانم از طرفی احتمال می دادم که مستحق باشند و رد کردن آنها خلاف احتیاط باشد کما اینکه احتمال می رفت مستحق نباشند و مساعدت به آنان از سهم مبارک امام درست نباشد از این رو رفیقی داشتم که با آقا امام زمان علیه آلاف التحية والثناء مرتبط بود از ایشان خواستم برای حل این معضل از جانب آقا دستوری بیاورد گفتم : می روم و جوابش را می آورم بعد از مدتی آمد و اظهار داشت آقا فرمودند در چنین موردی که شک دارید این دعا را بخوان (دعای مختصری بود) پس مبلغی را که می خواهی به آن شخص بده حضرت فرمود : اگر چنین کنید برای مراجعه کننده ممکن نیست این مبلغ را در راهی که رضای ما نیست صرف نماید .^۱

(۱) شرح زندگانی آیة الله مؤسس و فرزندش آیة الله شیخ مرتضی حائری . به قلم سید صادق

کسی که فقیه و نایب عام حضرت بقیة الله باشد و صادقانه بخواهد احراز تکلیف و وظیفه شرعی نماید و از مسیر رضای خدا و امام زمان خارج نگردد و اموال امام علیه السلام را بدون اذن و رضای او مصرف ننماید بدیهی است که خود آن حضرت علیه السلام چنین فردی را یاری و ارشاد می‌کند و فریادرسی می‌نماید و راهی ارائه می‌فرماید که هم فقیه را در جاده مستقیم ثابت بدارد و هم مساعدت مالی را به افراد انجام دهد و هم مصرف وجوه در موارد شرعی و رضای خاطر شریف صاحب العصر والزمان قرار گیرد.

ما به این هفت مورد بسنده می‌کنیم تا فقط اشاره‌ای به امدادها و ارشادهای ویژه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه نسبت به نمایندگان خود (مراجع عظام و فقهای والامقام) نموده باشیم و چنانچه کسی در صدد ادامه و توسعه این مجال و مقال برآید مستلزم تنظیم و تدوین ده‌ها مجلدات بزرگ و مفصل خواهد بود. زیرا ده‌ها و صدها بلکه هزاران هزار از اینگونه جریانات و رویدادها همیشه بوده و هست و خواهد بود که در شب و روز، گاه و بیگاه، پنهان و آشکار، مختصر و مفصل، در خواب یا بیداری، نسبت به مسائل اعتقادی و یا فقهی، اخلاقی و یا اجرائی از سوی حضرت ولی عصر ارواحنا فداه در حق همگان بالاخص بزرگان علم و دین چون علامه حلی‌ها، مقدس اردبیلی‌ها، مجلسی‌ها، بحرالعلوم‌ها، شیخ انصاری‌ها، سید مهدی قزوینی حلی‌ها، سید کاظم یزدی‌ها، سید ابوالحسن اصفهانی‌ها، امام خمینی‌ها و دیگران و دیگران به وقوع می‌پیوندد بگونه‌ای که در قالب حد و حصر نگنجد و شمار آن را جز

خداوند و خود بقیة الله نداند و این رشحه‌ای از ولایت او و قطره‌ای از دریای بیکران حمایت او است . عجل الله تعالی فرجه و سهّل الله مخرجه و صلی الله علیه و علی آبائه الطاهرین الی یوم الدین .

شنبه ۶ ربیع الثانی ۱۴۲۴ هـ - ۱۷/۳/۱۳۸۲ ش

« ۱ » *

نیم قرن

قبل از ولادت امام مهدی علیه السلام

دعبل بن علی خزاعی (مقتول ۲۴۶ هـ) آن هنگام که قصیده‌ای طولانی انشاء و انشاد نموده و فضایل و مناقب و شخصیت ائمه اهل بیت و خاندان گرام آنان را در آن گنجانید و سپس با خود به خراسان برد و در محضر حضرت رضا علیه السلام القاء و ایراد نمود . هنگامی که به این شعر خود رسید که :

خروجُ امامٍ لا محالةً واقعُ يقومُ علی اسمِ اللهِ والبرکاتِ
میژ فینا کل حقٍ و باطلٍ و یجزی علی النعماء والنقیاتِ

حضرت رضا علیه السلام به دعبل فرمود : آیا این شخص را که در شعر خود آوردی و به ظهور و خروج او اشاره نمودی می‌شناسی ؟ پاسخ داد : نه نمی‌شناسم اما از پدران بزرگوار شما برای ما روایت شده است که در آخرالزمان چنین خواهد شد لذا من هم به آن معتقد شده‌ام و در اشعار

* از شماره ۱ تا ۳ قطعاتی برگرفته از سخنرانی مؤلف این کتاب است پس از اقامه مغرب و مسجد محل امامت خود - به تاریخ ۷۵/۴/۲۸ - برابر ۲ ربیع الاول ۱۴۱۷ - در اهواز .

خود اشاره نموده‌ام .

حضرت رضا علیه السلام فرمود : ای دعبیل ، امام پس از من این فرزندم (اشاره به جواد الاثمه) (امام) محمد تقی است . و پس از او امامت از آن فرزندش (امام) علی النقی و سپس فرزند او (امام) حسن عسکری و آنگاه امامت و رهبری از آن فرزند او مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله است که تو در اشعار خود اشاره نموده‌ای .

و در ضمن همین واقعه تاریخ آورده‌اند که هنگام بردن نام امام زمان (از طرف دعبیل و یا شخصی دیگر) حضرت رضا علیه السلام قیام نمود (برخاست) و دست بر سر خود گذارد و با احترام و تعظیم چنین گفت :
اللهم عجل فرجه و سهل مخرجه .

در صورتی که هنوز بیش از نیم قرن به ولادت حضرت صاحب الامر علیه السلام باقی مانده بود^۱ .

(۱) رجوع شود به مصادر شرح حالات حضرت رضا علیه السلام ... و نیز قاموس الرجال ج ۴ ص ۲۷۷ الی ۲۹۱ (چاپ دوم) .

« ۲ »

امام زمان علیه السلام

و حمایت از رزمندگان اسلام

برادران . خواهران . و فرزندان گرامی
 شما در دوران جنگ تحمیلی عراق علیه ایران اسلامی شنیدید و
 خواندید . بلکه دیدید و کراراً مشاهده نمودید : که اعتقاد و اذعان به
 وجود امام زمان (عج) تا چه اندازه در روحیه جنگی و دفاعی رزمندگان
 اسلام (که فرزندان و برادران مخلص و معتقد و مؤمن خود شما بودند)
 مؤثر و کارساز بود . توسلاتی که به حضرت بقیه الله الاعظم علیه السلام داشتند
 چه در جبهه ها . سنگرها . مساجد . پایگاه ها و محل تجمع نیروها .
 دعا های فرج که می خواندند . دعای توسل که سر میدادند . دعای ندبه ها
 که زمزمه می کردند . و نیز یا صاحب الزمان ها که می گفتند . گریه ها و
 ناله هایی که به یاد آن جانِ جانان از دل بر می آوردند و فریاد می زدند .
 اینگونه استغاثه ها و نغمه ها چه اندازه رزمندگان را تحریک می کرد .
 به وجد می آورد . هیجان میداد و شما مستمع و بلکه احیاناً شاهد
 امداد های غیبی و معنویت های نهانی بودید که نصیب فرزندان انقلاب
 اسلامی می گردید .

آری تضرع و توسل به حضرت صاحب علیه السلام اثرها دارد . نتیجه ها
 می بخشد . امام عصر به این ناله ها و نغمه ها پاسخ مثبت میدهد و میداد و

فتح‌ها و پیروزی‌ها نصیب آنان می‌گردید.

آنان که موقع حمله به دشمن فریاد یا صاحب الزمان برمی‌داشتند و حتی هجوم خود بر دشمنان اسلام و انقلاب را با نام مبارک آن حضرت آغاز نموده و عملیات خود را بنام او می‌نامیدند طبعاً از طرف آن حجت خدا مورد تأیید، نصرت، غلبه بر دشمن، و دیگر امدادهای غیبی قرار می‌گرفتند. تا آنجا که احیاناً ادعاء میشد که خود آن وجود اقدس را هم در جبهه‌ها رؤیت و زیارت نموده‌اند.

آیا برای صحت عقیده به امام زمان، تأثیر علاقه و محبت به آن حجت الهی، این شواهد و نظایر، و این حوادث و وقایع کافی و وافی نیست؟ فاعتبروا یا اولی الأبصار.

« ۳ »

اقامه نماز صبح

به امامت صاحب الزمان علیه السلام

علامه محدث فقیه ، سید تاج الدین علی بن احمد حسینی عاملی
(از دانشمندان بزرگ قرن ۱۱ هجری) در اواخر کتاب نفیس و سودمند
خود بنام التتمه فی تواریخ الائمة علیهم السلام ضمن شرح و وصف حالات
حضرت ولی عصر (عج) چنین گوید :

نقل می‌کنم از فردی که معاصر من و مورد وثوق و اعتماد بود و
اکنون به رحمت ایزدی پیوسته است که گفت : در یکی از سال‌ها به زیارت
حضرت رضا علیه السلام مشرف گردیده بود و در مسیر خود برای همراهانش
اقامه جماعت می‌نمود روزی برای ادای فریضه صبح فرود آمدند . وی به
اندیشه فرورفت که امروز برای ادای این فریضه از یاران خود جدا شود و
فاصله بگیرد لذا خود تنها در آن دشت به راه افتاده که ناگاه دید جمعی از
مردم از اسبان خود پیاده شده و مشغول اداء نماز صبح به جماعت
می‌باشند . او هم رفت و با آنان به نماز ایستاد . پس از فراغ از نماز چون
امام جماعت را نمی‌شناخت و نمی‌دانست کیست لذا برخاسته نماز صبح
خود را احتیاطاً به صورت فرادی نیز بجای آورد . در این هنگام آن امام
جماعت برگشته و به او گفت : تو طالب علم هستی چگونه اقتداء نمودی
به امامی که او را نمی‌شناسی ؟

او پاسخ داد: من دیدم امامی به نماز ایستاده است به او حسن ظن پیدا کردم و با او نماز خواندم سپس نماز را اعاده نمودم تا اگر او امام عادل باشد من توفیق اقتداء به او را یافته‌ام و اگر چنین نباشد که دوباره آن را اعاده کرده‌ام. سپس از وی پرسیده که برای زیارت به سفر می‌روی؟ او پاسخ داده است آری پس آن (امام) در حق وی دعا به برکت نموده است. گوید: سپس آن جماعت نمازگزار دست به دعا برداشته و دعا نمودند. من هم با آنان به دعا پرداختم آنگاه سجده شکر گزاردند و من هم با آنان سجده کردم. در این سجده خضوع و خشوع فراوانی به من دست داد و شور و نشاط ویژه‌ای در خود یافتم لذا سجود خود را طولانی نمودم. سر از سجده که برداشتم هیچکس را در اطراف خود ندیدم. پس به فکر فرو رفتم که آیا من خوابم یا بیدار (این جریان را در خواب می‌بینم و یا در بیداری)؟

آنگاه مؤلف کتاب التتمه گوید: از این جریانات فراوان شنیده‌ام لکن آنها با واسطه هستند (اما جریان فوق از آن دوست مورد اعتماد بلاواسطه بود) خداوند به ما سعادت اهل اخلاص را که تشریف به ملاقات میمون امام عصر علیه السلام باشد و تشریف به دیدار او را عنایت فرماید و به برکت علم و دانش او پرده‌های جهل و نادانی ما را زایل فرماید. که خداوند بر هر کاری توانا است!

(۱) مصدر: التتمه فی تواریخ الائمه. فصل چهاردهم - ص ۱۵۰ و ۱۵۱ - انتشارات مؤسسه

البعثه قسم الدراسات الاسلامیه - قم - سنه ۱۴۱۲ هـ.

« ۴ »*

مهدی شناسی

دائرة المعارف بزرگ اسلامی

اگر اقدام شود به اینکه تمام مطالب . معلومات . اعتقادات . حوادث و جریانات . مسایل تاریخی . فقهی . حدیثی و کلامی و تفسیری و غیره و خلاصه تمام آنچه را که در ارتباط با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد از شعر و نظم و نثر و مفصل و موجز جمع آوری و تدوین شود یک دائرة المعارف عظیم و بزرگ و سرشار از علوم و معارف گونه گون تدوین خواهد شد (آن هم فقط تا تاریخ حاضر و با صرف نظر از آنچه در آینده و در اطراف و اکناف جهان مطرح خواهد شد و واقع خواهد گردید) .

ما هر علمی از علوم اسلامی و چه بسا غیر اسلامی را هم بنگریم آن را به گونه ای و به مقداری مرتبط با امام عصر (عج) می نگریم . و برای اثبات مدعای فوق کافی است صدها جلد کتاب (اگر نگوئیم هزاران) پیرامون موضوعات گوناگون مهدی موعود علیه السلام نوشته شده از جزوه های کوچک چند صفحه ای گرفته تا مجلدات قطور و حجیم تا دوره های چند

* از شماره ۴ تا ۶ قطعاتی برگرفته از سخنرانی نگارنده است به تاریخ شب اول ربیع الاول ۱۴۱۵ ق پس از اقامه مغرب و عشاء در مسجد محل امامت خود در اهواز .

جلدی مفصل و مطول که حتی آمار اجمالی آنها نیز به شرح نگنجد .
لذا باید گفت : علم مهدویت (دانش مهدی شناسی) یکی از
علوم زنده و پویانده اسلامی و یکی از وسایل عظیم حیات علمی و
معنوی مسلمین و غیر مسلمین است که هر روزه ده ها برگ بر این پرونده
غنی و پربار افزوده می شود .

« ۵ »

ارتباط علمی و معنوی با امام زمان علیه السلام

یکی از دوستان ما نقل می‌کرد که: یکی از فروشندگان کتاب گفت که: همراه با افرادی از آشنایان دم در کتابخانه مان (کتابفروشیمان) نشسته بودیم. یک شخص روحانی آمد با وضع بسیار ساده و بی‌آلایش. شاید دو پارچه شلوارش هم یکسان و یک اندازه نبود و خلاصه سروبری بسیار پائین و پائین‌تر از معمول داشت. این سرو وضع او چه بسا ما را در دل به پوزخند و امیداشت.

خلاصه این شخص با این وصف آمد پیش ما و گفت: آقا من یک دوره شرح الارشاد مقدس اردبیلی را می‌خواهم^۱ به او گفتیم که دوره کامل آن را نداریم و نمی‌توانم برای تو آن را تهیه و روبراه کنم زیرا خرید از

(۱) مولی محمد معروف به محقق و مقدس اردبیلی (متوفای ۹۹۳ هـ) از اکابر دانشمندان، فقهاء، حکیمان و متکلمان اسلام و دارای آثار علمی و تحقیقی متعددی در علوم عقلی و نقلی است. وی در قدس و تقوی و زهد و ورع بی‌نظیر بوده تا آنجا که به مقدس شهرت یافته است. از آثار مهم او در فقه استدلالی شیعه کتاب مجمع الفایده والبرهان در شرح ارشاد الاذهان علامه حلی است که اخیراً در بیش از ۱۲ جلد در حوزه مقدسه قم به چاپ رسیده است. تشرفات او به محضر نورانی امام عصر علیه السلام و سؤال و جواب‌های متبادله وی بین ضریح مطهر علی علیه السلام و امام زمان علیه السلام در محراب مسجد کوفه بسی معروف و مشهور است.

این کتاب کم است لکن دوره‌های دیگر را داریم دوره جواهر. دوره حدائق و... کتاب دیگری را ببرید و بخرید.

روحانی ژنده پوش گفت: نه. من همان را می‌خواهم که تألیف مقدس اردبیلی است زیرا مقدس اردبیلی با امام زمان علیه السلام مرتبط بوده است.

این شخص می‌گوید: با این کلام. ما یک باره دست و پای خود را جمع و جور کردیم که ای دل غافل در آغاز ما چه فکری درباره این شخص داشتیم اما او چه سطح بالا حرف می‌زند: این کتاب را می‌خواهم که مال مقدس اردبیلی است چون وی با امام زمان در ارتباط بوده است.

گفت: این دوستی که این جریان برایش پیدا شده و برای ما نقل می‌کرد: که یک باره من بر خود لرزیدم ریشه‌ای مرا فرا گرفت که نکند خود این روحانی ساده یکی از همان مرتبطين با امام زمان علیه السلام باشد باید حواسمان جمع باشد که نخندیم و دست کم نگیریم فردی را هر چند ساده و فقیر و فقیرگونه باشد چه بسا که او از اولیاء خدا باشد. خداوند دوستان خود را میان بندگانش مخفی داشته مبادا کسی را سبک شماری. شاید او از مرتبطين با امام زمان علیه السلام است. شاید یکی از اولیاء الله است. که امام علیه السلام فرمود: **إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَخْفَىٰ وَلِيَّهُ فِي عِبَادِهِ فَلَا تَسْتَصْفِرَنَّ أَحَدًا مِنْ عِبَادِهِ فَلَعَلَّهُ وَافِقٌ وَلِيَّهُ وَأَنْتَ لَا تَعْلَمُ** ^(۱).

(۱) مراجعه شود به کتابهای خصال شیخ صدوق. الاثنی عشریه. المواعظ الععدیه و...

« ۶ »

امام منتظر - و - امام منتظر

در دعای ندبه چنین می خوانیم:

لیت شعری این استقرت بك النوى بل أي أرض تقلك أو ثرى أبرضوى
 أم غیرها أم ذی طوی عزیز علیّ أن أرى الخلق ولا ثرى ولا أسمع لك حسیساً
 ولا نجوى عزیز علیّ أن أبکیك و یخذلك الوری ...

ای امام زمان . ای کاش میدانستم قرارگاه تو کجا است . و چه زمین
 و مکانی تو را در بر گرفته است . آیا در رضوی و یا ذی طوی و یا جای
 دیگر بسر میبری ؟ سخت است بر من که همه کس را بنگرم مگر تو را . و
 کوچکترین اثری و یا سخنی از زبان تو نشنوم . دشوار است بر من که من بر
 تو گریه کنم و دگران تو را خوار و تنها گزارند .

افسوس که ما این جملات و کلمات معصومانه را تنها تعبداً
 بخوانیم . اگر آن چنان که امام جعفر صادق علیه السلام این دعاها و این ناله ها را
 سر میداد ما هم با توجه به مفاد و محتوی و به همان گونه می خواندیم
 وضع و حالمان به گونه دیگر می بود . شاید در آن صورت بانگ جرسی از
 آن محبوب دل ها به گوش ما می رسید . و شاید غباری از زیر شمش اسب او
 را از دور می دیدیم و توتیای چشم خود می کردیم .

باید دانست که خود امام عصر علیه السلام هم منتظر است و حال انتظار
 دارد لهذا او هم منتظر و هم منتظر می باشد . او مورد انتظار ما و خود در

انتظار فرمان الهی است . شخصی در عالم رؤیا به محضر انورش شرفیاب شده بود . عرضه داشت : یا بن رسول الله ﷺ ما منتظر شما هستیم . پس کی می آیی ؟ فرج شما چه وقت فرا می رسد ؟ امام علیؑ پاسخ داد : خود من هم منتظرم و در انتظار رسیدن امر پروردگار بسر می برم .

پایان کتاب

نه پایان کار - و - نه پایان گفتار

شادروان مرحوم سید اسدالله دهخرقانی (از روحانیون آگاه و متعهد عصر قاجاریه) در یکی از تألیفات خود چنین گوید :

اصلاح اوضاع و احوال اسلامی مسلمانان و دفع ناهنجاری‌ها و مفاسد از سه صورت خارج نیست . یا تکلیف مستقیم الهی است و یا وظیفه فعلی حضرت صاحب الزمان (عج) و یا بر عهده خود مردم مسلمان و جامعه اسلامی . در صورت نخست خداوند متعال با یک طرفه العین (یک چشم بهم زدن) این امر را انجام میداد و معطل نمی‌کرد و تعلل نمی‌نمود . و حال که چنین نشده است پس این یک وظیفه الهی نیست که مستقیماً بر عهده خداوند باشد .

و در صورت دوم . امام زمان علیه السلام نیز بدون تأخیر و تعویق (یا با ظهور خود و یا به هر وسیله که خود میداند قیام و اقدام می‌فرمود . و حال که چنین نکرده پس وظیفه مستقیم او نیز نبوده است .

پس بناچار صورت سوم می‌ماند که مسلمانان خود باید قیام و اقدام نمایند و به امر به معروف . نهی از منکر . فعالیت و تلاش بپردازند و جامعه خود را به سمت صلاح و اصلاح سوق بدهند و نگویند : این کار خدا و یا کار امام زمان است و تکلیف خود را به عهده خدا و امام زمان حواله نکنند و بهانه نیاورند و تعلل نورزند .

و همو می‌گوید :

مسلمانان از دگران اولی هستند به رسیدگی و اصلاح امور خود و به قیام و اقدام در این راه . زیرا این امری روشن است که هرچه تنور گرم نگه داشته شود نان تازه و خوشمزه بدست می آید و اطرافیان تنور بیشتر از دیگران از آن بهره مند و برخوردار می گردند .

حضرت امام راحل خمینی کبیر قدس سره نیز در کتاب ولایت فقیه یا حکومت اسلامی (سخنرانیهای سال ۱۳۴۸ برابر ۱۳۸۹ ق در نجف اشرف) چنین فرمودند : از غیبت صغری تاکنون که بیش از هزار سال می گذرد و ممکن است صدهزار سال دیگر بگذرد و مصلحت اقتضاء نکند که حضرت تشریف بیاورد . در طول این مدت مدید احکام اسلام باید زمین بماند و اجراء نشود و هر که هر کاری خواست بکند؟ هرج است؟^۱ سخن دانشمند نخست ناظر به عموم اصلاحات فردی و اجتماعی در همه زمینه ها . و کلام بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی بیشتر ناظر به اقامه حدود و اجراء احکام حقوقی و جزایی اسلام است که بحمدالله پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران تا حدود ممکن عملی شده است . البته مشترکاتی میان سخن این دو شخصیت بزرگوار وجود دارد که با مطالعه و ملاحظه آنها تکلیف ما بندگان خدا که در زیر پرچم اسلام حرکت می کنیم و از منافع و منابع جمهوری اسلامی نیز برخوردار هستیم و وظیفه ای که بر عهده ماست روشن خواهد بود .

والسلام

اهواز - سید علی شفیعی

(۱) ولایت فقیه ، ص ۱۹ - مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره - ۱۳۷۳ ش .

فهرست

صفحه	عنوان
۴	پیشگفتار.....
۶-۱۵	۱- مهدی موعود ذخیره الهی.....
۷	مصلح جهانی موعود همه ادیان.....
۱۰	حکومت جهانی واحد.....
۱۲	انتظار، عامل مقاومت و بقاء.....
۱۶-۳۵	۲- امید به آینده‌ای درخشان.....
۱۷	اشکال اول: ضعف روایات. پاسخ.....
۱۹	اشکال دوم: فلسفه غیبت. پاسخ.....
۲۴	اشکال سوم: استفاده از امام در دوران غیبت.....
۲۷	بهره‌یابی از امام زمان. بهره‌یابی از خورشید.....
۲۹	اشکال چهارم: این همه عمر دراز؟ پاسخ.....
۳۶-۵۸	۳- انتظار عامل مقاومت و پیک پیروزی.....
۳۶	مقدمه اول: آیات سوره بقره.....
۳۹	مقدمه دوم: طرح جامعه برین.....
۴۲	ریشه‌های اعتقاد به مصلح جهانی.....
۴۵	انتظار عامل امید و مقاومت.....
۴۶	آمار و ارقام.....
۴۸	برنامه‌ها و اوضاع کلی عصر ظهور.....
۴۹	اندیشمندی و تکامل عقلانی.....
۵۰	اقتصاد سالم و فراگیر.....
۵۱	تندرستی بدن‌ها و تکامل پزشکی و بهداشت.....

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۵۲	پیشرفت دانش‌ها و توسعه و تکامل علمی.....
۵۳	پیشرفت قضاوت و دانش قضائی.....
۵۳	تکامل تکنولوژی و صنعت.....
۵۴	توسعه طرق و جاده‌ها.....
۵۵	فراوانی نعمت‌ها.....
۵۵	انتظار ملازم با تقوی است.....
۵۶	مدت امامت.....
۵۹ - ۸۳	۴- دانستی‌هایی پیرامون حضرت مهدی (عج).....
۵۹	مهدویت شخصیه و مهدویت نوعیه.....
۶۲	سخنی پیرامون معنی ظهور.....
۶۷	انقلاب اسلامی نموداری از ظهور امام زمان (عج).....
۶۸	امام زمان چه وقت ظهور می‌نماید؟.....
۷۱	آیا ذکر نام امام زمان بطور صریح جایز است؟.....
۷۴	قیام برای نام امام زمان (عج).....
۷۷	آیا امام زمان همسر و فرزند دارد؟.....
۸۴ - ۱۰۰	۵- دعای ندبه، دعا برای حضرت بقیة الله <small>(عجله)</small>
۸۶	سند دعای ندبه از دیدگاه موازین علمی.....
۹۴	دعای ندبه از منظر فقیهان.....
۹۶	دعای ندبه از زبان کدام امام؟.....
۱۱۰ - ۱۱۹	۶- دعای امام زمان و دعا برای امام زمان.....
۱۰۶	امام زمان دعوت کننده به قرآن.....
۱۰۷	امام زمان قیامش دین و قیام به دین است.....
۱۰۸	مهدی موعود تجدید کننده مسائل محو شده قرآن.....

عنوان

صفحه

- ۱۱۰ امام زمان زنده کننده معارف اصلی قرآن
- ۱۱۲ آشکار شدن احکام تغییر یافته
- ۱۱۷ احیاء قرآن بدست امام زمان (عج)
- ۱۱۸ نور مهدی علیه السلام دائم و سرمد است
- ۱۲۰ - ۱۲۳ ۷ - سایه معشوق یا پیام به منتظران ظهور و عاشقان مهدی علیه السلام
- ۱۲۰ مکتوب امام زمان علیه السلام به شیخ مفید
- ۱۲۱ توضیح و نتیجه سخن
- ۱۲۴ - ۱۴۱ ۸ - امدادها و ارشادهای صاحب الزمان (عج)
- ۱۲۴ سخن امام حسن عسکری علیه السلام
- ۱۲۷ ۱ - رؤیای حجة الاسلام سید باقر هندی رضوی
- ۱۲۸ ۲ - رؤیای حجة الاسلام شیخ احمد آل قفطان
- ۱۲۹ ۳ - تصدیق اجتهاد شیخ انصاری علیه السلام
- ۱۳۱ ۴ - استدلال متقن بر طول عمر امام علیه السلام
- ۱۳۴ ۵ - نامه امام علیه السلام به آیه الله العظمی اصفهانی
- ۱۳۷ ۶ - مکاشفه آیه الله العظمی آملی
- ۱۳۹ ۷ - پیغام به آیه الله حائری
- ۱۴۲ - ۱۵۳ ۱ - نیم قرن قبل از ولادت امام مهدی (عج)
- ۱۴۴ ۲ - امام زمان علیه السلام و حمایت از رزمندگان اسلام
- ۱۴۶ ۳ - اقامه نماز صبح به امامت صاحب الزمان علیه السلام
- ۱۴۸ ۴ - مهدی شناسی دائرة المعارف بزرگ اسلامی
- ۱۵۰ ۵ - ارتباط علمی و معنوی با امام زمان علیه السلام
- ۱۵۲ ۶ - امام منتظر - و - امام منتظر
- ۱۵۴ ۷ - پایان کتاب نه پایان کار - و - نه پایان گفتار

﴿ آثار انتشار یافته از صاحب این قلم ﴾

« الف . کتب فارسی »

- ۱- شرح زندگانی فیض کاشانی (مقدمه دیوان فیض) چاپ سوم ۱۳۶۷
- ۲- از گوشه و کنار تاریخ چاپ اول ۱۳۵۹
- ۳- درس‌هایی از جهاد اسلامی چاپ اول ۱۳۶۰
- ۴- ولادت پر فروغ علی علیه السلام چاپ اول ۱۳۶۰
- ۵- مجلس شورای اسلامی و احکام ثانویه چاپ اول ۱۳۶۱
- ۶- نماز درس زندگی چاپ دوم ۱۳۷۳
- ۷- چهار گفتار چاپ اول ۱۳۷۳
- ۸- مرجعیت آیه الله العظمی خامنه‌ای چاپ سوم ۱۳۷۳
- ۹- روش فقهی و اصولی شیخ انصاری کبیر چاپ سوم ۱۳۷۳
- ۱۰- وحدت مرجعیت و رهبری چاپ دوم ۱۳۷۵
- ۱۱- نظام ولایت فقیه چاپ سوم ۱۳۷۷
- ۱۲- مقدمات اخلاق اسلامی چاپ اول ۱۳۷۸
- ۱۳- راهنمای ساعات شرعی استان خوزستان چاپ بیست و چهارم ۱۳۸۲
- ۱۴- اعلم و افقه در نگاهی دیگر چاپ اول ۱۳۸۰
- ۱۵- مجموعه استفتائات - ج ۱ نشر اول ۱۳۸۱

« ب . كتب عربى »

- ۱۶ - مشروعية ولاية الفقيه
چاپ اول ۱۳۷۶
- ۱۷ - الاحتكار
چاپ اول ۱۳۷۷
- ۱۸ - العلمیة فى الحاكم الاسلامى
چاپ اول ۱۳۷۹
- ۱۹ - دروس و بحوث ج ۱
چاپ اول ۱۳۸۰
- ۲۰ - بدایع الاصول
چاپ اول ۱۳۸۱